

«بسم الله الرحمن الرحيم»

سلسله نشست های فرهنگ سازی و تبیین

«نقشه جامع مدیریت اسلامی» «نجما»

بخش اول: مبانی محتوایی مدیریت اسلامی
بخش دوم: مبانی روشی مدیریت اسلامی
بخش سوم: مسائل نظری مدیریت اسلامی
بخش چهارم: مسائل الگویی مدیریت اسلامی

ارائه: حجة الاسلام دکتر ولی الله نقی پور فر

عضو هیأت علمی دانشگاه قم

و مسئول انجمن مدیریت اسلامی حوزه علمیه قم

V-naghipoor@qom.ac.ir



انتشارات دانشگاه قم

نقشه جامع
مدیریت اسلامی
«نجما»
حوزه پژوهش

ویرایش ششم

به همراه نقد استادان مدیریت و علوم انسانی
(مصاحبه‌ها و نشست‌ها)

پژوهش: کارگروه بنیادین مدیریت اسلامی

نظارت علمی: دکتر علی رضائیان

مسئول کارگروه: حجت‌الاسلام دکتر ولی‌الله نقی‌پورفر

نقشه جامع مدیریت اسلامی (ویرایش ششم)
به همراه نقد استادان مدیریت و علوم انسانی

Comprehensive Map
of
Islamic Management
CMIM (NAJMA)
The Research Part

(Sixth Edition)

Along with critique of
The Management Professors and Humanities
(Interviews and Meetings)

The Research by: The Fundamental Workgroup of Islamic Management
Scientific Supervisor: Ali Rezaeian, PH. D
Responsible of the Work group: Vli Allah Naghipour Far, PH. D

گزیده‌ای از مقدمه دکتر علی رضائیان:

نقشه جامع مدیریت اسلامی «نجما» مبتنی بر اسناد بالادستی، دیدگاه نخبگان حوزوی و دانشگاهی مدیریت اسلامی و دیدگاه نخبگان مسلمان در زمینه مبانی و مسائل علوم انسانی و دانش مدیریت است. از ویژگی‌های اساسی نقشه جامع مدیریت اسلامی «نجما»، انجام پژوهش‌ها، مبتنی بر «اجتهاد جامع در مدیریت اسلامی»، در دو سطح مطلوب و قابل قبول، است. که بر اساس روش‌های چهارگانه جامع «نقلی و حیاتی، عقلی، تجربی و شهودی»، همه توانمندی‌های تخصصی حوزوی و دانشگاهی، را ارج می‌نهد و در انجام پژوهش‌ها، از تمام آن‌ها، به تناسب، بهره می‌گیرد. این نقشه به همت مراکز و پژوهشگران فعال قم و تهران در زمینه مدیریت اسلامی، و مصاحبه‌ها و نشست‌های ملی با اساتید مدیریت و علوم انسانی در سه حوزه پژوهش، آموزش و اجرا سیاست‌گذاری شده است و هم اینک، نقشه جامع مدیریت اسلامی در حوزه پژوهش، تدوین گشته و بستر مناسبی را برای تعریف منطقی، نظام‌یافته و هماهنگ طرح‌های پژوهشی مدیریت اسلامی فراهم آورده است. ...

نقشه جامع مدیریت اسلامی «نجما»

مقدمه: تعریف

❖ «نجما، مجموعه‌ای است جامع، هماهنگ، پویا و آینده‌نگر، شامل «مبانی (محتوایی و روشی)»، «مسائل مدیریت اسلامی»، و «الزامات اجرایی»، در سه حوزه «پژوهش، آموزش و اجرا»، مبتنی بر ارزش‌های اسلامی، در راستای اهداف نظام اسلامی، برای دستیابی به مدیریت مطلوب فراگیر، متوازن و نظام‌مند در همه سطوح و همه ارکان نظام اسلامی». ❖ این تعریف با الهام از «نقشه جامع علمی کشور»، ارائه شده است.

❖ ارکان نقشه جامع:

➤ مبانی (محتوایی و روشی)

➤ مسائل

➤ الزامات اجرایی

❖ حوزه های نقشه جامع:

➤ پژوهش

➤ آموزش

➤ اجرا

قرآن و سنت معصومین (ع)، و محکمت عقلی و تجربی
اسناد بالادستی | دستاوردهای علمی پژوهشی



«نجما» حوزه پژوهش

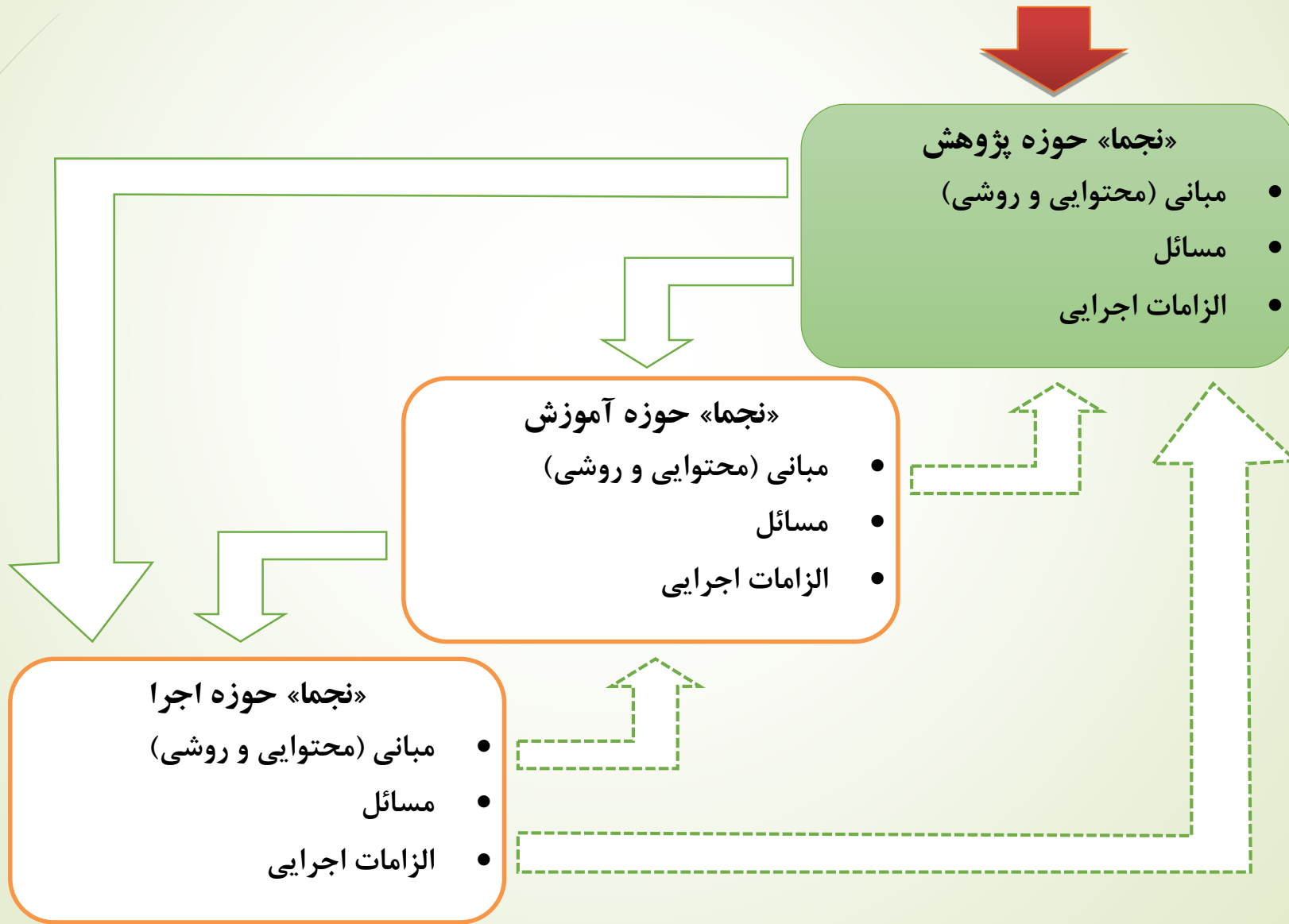
- مبانی (محتوایی و روشی)
- مسائل
- الزامات اجرایی

«نجما» حوزه آموزش

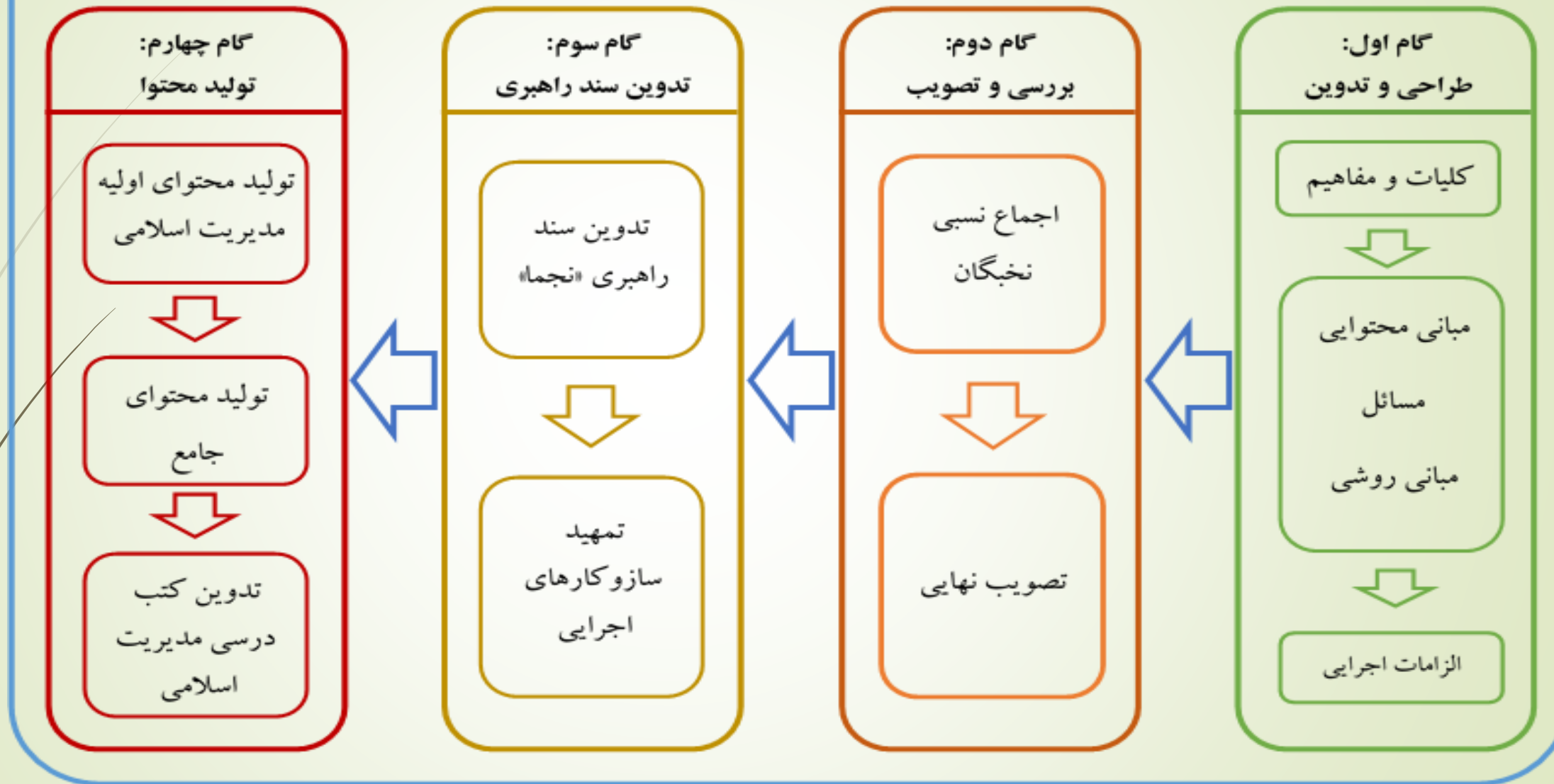
- مبانی (محتوایی و روشی)
- مسائل
- الزامات اجرایی

«نجما» حوزه اجرا

- مبانی (محتوایی و روشی)
- مسائل
- الزامات اجرایی



مراحل تحقق «نجما» در حوزه پژوهش



مفاهیم اساسی نقشه جامع مدیریت اسلامی ("نجما")

«نقشه جامع علم»:

«نقشه جامع علم» در منظر «نجما»، ناظر به نظام موضوعات «مبانی، مسائل و الزامات اجرایی» یک علم است؛ که در سه حوزه «پژوهش، آموزش و اجرا»، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در این تقسیم، «مسائل»، قسیم «مبانی» است.

«مبانی علم»

«عبارت است از گزاره‌هایی که «اصول متعارفه» (بدیهیات اولیه) و «اصول موضوعه علم» (پیش‌فرض‌های علم) را در سه سطح عام، خاص و اخص تشکیل می‌دهد».

«مبانی مدیریت اسلامی»

بنابراین «مبانی مدیریت اسلامی» شامل «اصول متعارفه و اصول موضوعه عام» (مبانی عام علوم انسانی) و «اصول موضوعه خاص و اخص» (مبانی خاص و اخص مدیریت اسلامی) است.

«مسائل علم»

«عبارت است از گزاره‌هایی که موضوعات آنها زیر چتر عنوان جامعی (کل یا کلی) قرار می‌گیرند؛ که آن عنوان جامع، موضوع علم را تشکیل می‌دهد».

بنابراین هر آنچه «درون یک علم»، مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد، «مسائل علم» را تشکیل می‌دهد.

«مسائل علم مدیریت اسلامی»

شامل «مسائل نظری (توصیفی-تجویزی) و مسائل الگویی» است.

مفاهیم اساسی نقشه جامع مدیریت اسلامی ("نجم")

«تقسیمات مبانی» و منطق آن

«مبانی هر علمی» در تقسیمی منطقی،

یا ناظر به «محتوای علم» است و یا ناظر به «روش علم» است که نحوه دستیابی به محتوای علم را ارائه می دهد.

از این رو، می توان، «مبانی علم»، را به «مبانی محتوایی» و «مبانی روشی» تقسیم کرد.

«مبانی محتوایی»، یا ناظر به «اصل شناخت» و یا ناظر به «متعلق شناخت» است.

«قسم اول»، «مبانی معرفت شناختی» است.

قسم دوم، یا ناظر به «بود و نبود»ها است و یا ناظر به «باید و نباید»ها است.

مورد اول، «مبانی هستی شناختی» است.

و مورد دوم، «مبانی الزام شناختی» است.

بنابراین، «مبانی علم»، منطقا، در چهار عرصه، مورد بحث قرار می گیرد:

الف. «مبانی محتوایی»: «مبانی معرفت شناختی، هستی شناختی، و الزام شناختی»

ب. «مبانی روش شناختی»: «روش شناسی اجتهاد جامع در مدیریت اسلامی».

- بدیهیات اولیه حاکم بر همه عرصه های:
- معرفت شناسی
- هستی شناسی
- الزام شناسی
- روش شناسی

مبانی عام علوم انسانی:
اصول متعارفه

- معرفت شناسی
- هستی شناسی
- الزام شناسی
- روش شناسی

مبانی عام علوم انسانی:
اصول موضوعه

- معرفت شناسی
- هستی شناسی
- الزام شناسی
- روش شناسی

مبانی خاص و اخص
مدیریت اسلامی

- چارچوب ها، رویکردها و مکاتب
- نظریه ها
- اصول و قوانین

مسائل کلی مدیریت
اسلامی

- فاعل تدبیر
- فعل تدبیر
- وسایط تدبیر
- متعلق تدبیر (سنخ و موضوع)
- ظرف و محیط تدبیر
- هدف تدبیر

مسائل تفصیلی مدیریت
اسلامی

- الگوهای تدبیر ولایی الهی
- الگوهای مدیریت ولایی شیطانی

مسائل الگویی مدیریت
اسلامی

نقشه جامع مدیریت اسلامی «نجما»:
بخش اول: مبانی محتوایی مدیریت اسلامی

فصل اول:

مبانی معرفت‌شناختی مدیریت اسلامی

فصل دوم:

مبانی هستی‌شناختی مدیریت اسلامی

فصل سوم:

مبانی الزام‌شناختی مدیریت اسلامی

بخش اول: مبانی محتوایی مدیریت اسلامی:

فصل دوم: مبانی هستی شناختی مدیریت اسلامی:

مقدمه: قرآن و مدیریت

گفتار اول: مبانی «هستی شناسی خالق»

گفتار دوم: مبانی «هستی شناسی مخلوق»

مقدمه: قرآن و مدیریت: رهنمود های مدیریتی سوره علق

«بسم الله الرحمن الرحيم»

«إقرأ باسم ربك الذي خلق؛ خلق الإنسان من علق» «إقرأ و ربك الأكرم الذي علم بالقلم؛ علم الإنسان ما لم يعلم»
«كلا إن الإنسان ليطغى أن رآه استغنى؛ إن إلى ربك الرجعى» (علق / ۱-۸)

❖ مسائل مدیریتی شب بعثت:

➤ منصب نبوت و ولایت:

• «انتصاب پیامبر اسلام (ص) به مدیریت و رهبری نظام خلقت و عالم انسانی»

• انتصاب امیر مؤمنان (ع) به وزارت و قائم مقامی پیامبر اسلام:

«اجعل لی وزیرا من اهلی هارون اخی؛ اشدد به ازری و اشركه فی امری کی نسبحک کثیرا و نذکرک کثیرا...» (طه /)

«انت منی بمنزلة هارون من موسى؛ الا انه لا نبی بعدی» (ص): (...)

«اری نور الوحی و اشم ریح النبوة؛ ... انک تسمع ما اسمع و ترى ما اری؛ الا انک لست بنبی و لکنک لوزیر» (نہج، خ قاصعه)

«و عنه ، عن عبد الله بن ميمون ، عن جعفر بن محمد ، عن أبيه قال: "وقف النبي (صلى الله عليه و آله) بعرج ثم قال:

«اللهم، إن عبدك موسى دعاك فاستجبت له، و ألقيت عليه محبة منك، و طلب منك أن تشرح له صدره، و تيسر له أمره، و تجعل له وزيرا من أهله، و تحل العقدة من لسانه؛ و انا أسألك بما سألك عبدك موسى أن تشرح به صدري، و تيسر لي أمري ، و تجعل لي وزيرا من أهلي عليا أخي» (قرب الاسناد، ص ۲۷) .

«يا سلمان ، إن موسى سأل ربه أن يجعل له وزيرا من أهله فجعل له أخاه هارون وزيرا . و إنني سألت ربي أن يجعل لي وزيرا من أهلي فجعل لي أخي أشد به ظهري و أشركه في أمري؛ فاستجاب لي كما استجاب لموسى في هارون .

يا سلمان ، لولا أن تفرط أمتي في أخي علي كإفراط النصارى في عيسى بن مريم لقلت فيه مقالة يتبعون آثار قدميه في التراب يقبلونه . (كتاب سليم، ص ۴۲۰)

مقدمه: قرآن و مدیریت: رهنمود های مدیریتی سوره علق

➤ مطالعه شهودی لوازم منصب مدیریت و رهبری:

• مطالعه شهودی کلی عوالم و منابع انفسی و آفاقی سازمان خلقت:

«إقرأ باسم ربك الذي خلق؛ خلق الانسان من علق» (علق/۱-۲)

«و كذلك نرى ابراهيم ملكوت السموات و الارض و ليكون من الموقنين» (انعام/)

• مطالعه شهودی کلی سیر تاریخی عملکرد مدیریت و رهبری انبیاء اولوا العزم در عالم انسانی:

«إقرأ و ربك الأكرم الذي علم بالقلم؛ علم الانسان ما لم يعلم»؛

«كلا إن الإنسان ليطغى أن رآه استغنى؛ ان إلى ربك الرجعى» (علق/۲-۸)

❖ سیر کلی مدیریت الهی در جذب، گزینش و تربیت مدیران و رهبران الهی {انبیاء و اولیاء معصوم(ع) به ویژه پیامبر اسلام(ص)}:

➤ مقدمه:

«اشترکات و تمایزات در الگو گیری از مدیریت الهی، براساس ملاک وسع و امکانات (فعلی و تقدیری) غیر معصومین»

«لا یكلف الله نفسا الا وسعها» (بقره/۲۸۶) / «لا یكلف الله نفسا الا ما آتیها» (طلاق/۷)

«فلما فصل طالوت بالجنود؛ ... ان الله مبتلیکم بنهر ... قالوا: لا طاقة لنا الیوم بجالوت و جنوده؛

قال الذین یظنون انهم ملاقوا الله: کم من فئة قليلة غلبت فئة كثيرة بأذن الله؛ و الله مع الصابرين ... ربنا افرغ علينا صبرا و ...» (بقره/۲۵۰-۲۴۹)

«الا لله الذین الخالص...» (زمر/۳) / «و لو ان اهل القرى آمنوا و اتقوا، لفتحنا علیهم بركات من السماء و الارض؛» (اعراف/۹۶)

➤ مدیریت وراثت فرانسلی معصومین (ع):

«مدیریت اسلامی، هنر، علم و مهارت تدبیر امور...»

«ان الله اصطفى آدم و نوحا و آل ابراهیم و آل عمران علی العالمین؛ ذریه بعضها من بعض؛ و الله سمیع علیم» (ال عمران/۳۳-۳۴)

➤ مدیریت و تربیت شخصیت پیامبر از کودکی تا بعثت:

«و لقد قرن الله به صلی الله علیه و آله من لدن أن كان فطیما أعظم ملك من ملائکته؛ یسلك به طریق المکارم ، و محاسن أخلاق العالم لیه و نهاره؛ (نهج، خ قاصعه، ۳۰۰)

مقدمه: قرآن و مدیریت: رهنمود های مدیریتی سوره مزمل و مدثر

”بسم الله الرحمن الرحيم“

”يا ايها المزمل؛ قم الليل إلا قليلا؛ نصفه او انقص منه قليلا؛ و رتل القرآن ترتيلا؛ انا سنلقي عليك قولا ثقيلا؛
إن ناشئة الليل هي أشد وطأ و أقوم قيلا؛ إن لك في النهار سبحا طويلا؛ ...
ان ربك يعلم انك تقوم ادنى من ثلثي الليل و ... و طائفه من الذين معك ...
فاقرؤوا ما تيسر من القرآن؛ علم ان سيكون منكم مرضى؛ و آخرون يضربون في الارض يبتغون من فضل الله؛ و
آخرون يقاتلون في سبيل الله؛ فاقروا ما تيسر منه ... (مزمل /)

”بسم الله الرحمن الرحيم“

”يا ايها المدثر قم فأنذر؛ و ربك فكبر و ثيابك فطهر؛ و الرجز فاهجر و لاتمنن تستكثر و لربك فاصبر“ (مدثر /)

مقدمه: قرآن و مدیریت: رهنمود های مدیریتی سوره مزمل و مدثر

❖ مسائل مدیریتی بعد از شب بعثت (سه سال اول):

➤ برنامه خود مدیریتی:

«یا ایها المزمل؛ قم اللیل إلا قليلاً؛ نصفه او انقص منه قليلاً؛ و رتل القرآن ترتیلاً؛ انا سنلقي عليك قولاً ثقیلاً؛

إن ناشئة اللیل هی أشد وطأً و أقوم قیلاً؛ إن لك فی النهار سبحاً طویلاً؛ ...» (مزمل/۱-۷)

«من نصب نفسه للناس اماماً فليبدأ من نفسه قبل تعليم غيره» (نهج،)

➤ دعوت و مدیریت و رهبری الهی غیر مستقیم و عدم اعلان رسمی:

«ارایت الذی ینهی عبدا اذا صلی...» (علق/۹-۱۰)/ «و اذا ذكرت ربک فی القرآن وحده ولوا علی ادبارهم نفورا» (اسراء/)

➤ جذب و گزینش و تربیت نیروهای مستعد:

«ان ربک یعلم انک تقوم ادنی من ثلثی اللیل و ... و طائفه من الذین معک ... فاقروا ما تیسر من القرآن؛ علم ان سیکون منکم مرضی؛ و آخرون یضربون فی الارض یتبعون من فضل الله؛ و آخرون یقاتلون فی سبیل الله؛ فاقروا ما تیسر منه ...» (مزمل/۲۰)

مقدمه: قرآن و مدیریت: رهنمود های مدیریتی سوره مزمل و مدثر

❖ مسائل مدیریتی دعوت علنی (سال چهارم بعثت به بعد):

➤ آغاز اعلان رسمی مدیریت و رهبری الهی

«یا ایها المدثر قم فأنذر؛ و ربک فکبر و ثیابک فطهر؛ و الرجز فاهجر و لاتمنن تستکثر و لربک فاصبر» (مدثر/۱-۷)

➤ معرفی قائم مقام و جانشین:

«قال رسول الله صلى الله عليه وسلم : يا بني عبد المطلب ! إني قد جئتكُم بخير الدنيا و الآخرة و قد أمرني الله أن أدعوکم إليه؛

فأيکم يؤازرنی علی هذا الامر علی أن يكون أخي و وصيي و خليفتي فيکم؟

قال : فأحجم القوم عنها جميعا و قلت : يا نبي الله ! أكون وزيرك عليه ؟ فأخذ برقبتي ثم قال:

هذا أخي و وصيي و خليفتي فيکم، فاسمعوا له و أطيعوا» علی (ع): (کنز العمال، ۱۲ / ۱۱۴)

«... فأیکم يؤازرنی علی أمری هذا ؟ فقلت ...: أنا یا نبي الله أكون وزيرك عليه !

فأخذ برقبتي فقال : إن هذا أخي و وصي و خليفتي فيکم فاسمعوا له و أطيعوا ،

فقام القوم يضحكون و يقولون لأبي طالب : قد أمرک أن تسمع و تطيع لعلی» (علی): (کنز العمال، ۱۲ / ۱۲۳؛ ابن إسحاق و ابن جریر و...)

➤ گسترش تدریجی حیطة رسالت با روش پدری معنوی و رافت و عنایت و تدبیر مادرانه (استعاره مزغ با جوجه ها)

• انذار عشیره خود:

«و انذر عشیرتک الاقربین؛ و اخفض جناحک لمن اتبعک من المؤمنین» (شعراء/۲۱۴-۲۱۵)

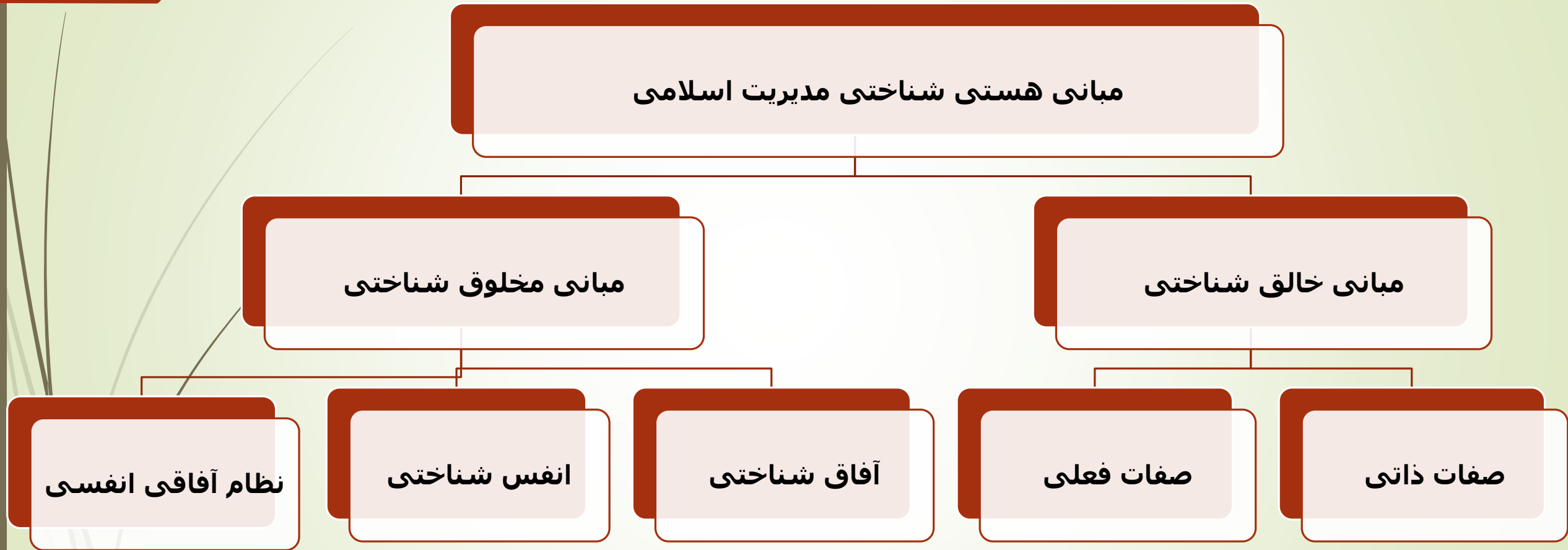
• انذار مکه و عربستان:

«و كذلك اوحینا الیک قرانا عربیا لتنذر ام القرى و من حولها...» (شوری/۷)

• انذار جهانی:

«قل یا ایهاالناس؛ انی رسول الله الیکم جميعا ...» (اعراف/۱۵۸)

فصل دوم: مبانی هستی شناختی مدیریت اسلامی:



فصل دوم: مبانی هستی شناختی مدیریت اسلامی:

گفتار اول: مبانی خالق شناختی «الله»: : نظام اسماء الله:

❖ نظام صفات ذاتی

❖ نظام صفات فعلی

گفتار دوم: مبانی مخلوق شناختی (افاق و انفس):

❖ «نظام آفاقی»:

❖ «نظام انفسی»:

❖ «نظام آفاقی انفسی»:

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

مقدمه: رابطه فعل الهی با عملکرد انسانها

► نظام تکوین و تشریح، تحت تدبیر ولایی دایمی «الله» قرار دارد:

«یدبر الامر من السماء الی الارض...» (سجده/۵)

► «ولایت الله» ذاتی است؛ و «تدبیر ولایی الله»، شامل «تدبیر نظام تکوین و تشریح» می باشد.

► هیچ حادثه‌ای شکل نمی‌گیرد، مگر به اذن خدا و تحت تدبیر الهی؛ لذا، بررسی «تدبیر ولایی الله»، از الزامات اولیه مدیریت اسلامی است:

«الا له الخلق و الامر، تبارک الله رب العالمین» (اعراف/۵۴)

پس، بدون توجه و لحاظ تدبیر «رب العالمین»، سخن از «مدیریت اسلامی» برای اهل ایمان، معنای صحیحی ندارد.

و «مدیریت اسلامی»، بایستی اهداف، برنامه ریزی و عملکرد خود را در طول «تدبیر الهی»، قرار دهد.

► «سنت‌های الهی در فرد، خانواده، جامعه و تاریخ» از جلوه‌های قدرتمند تحقق اراده و تدبیر خدا، است.

بنابراین، بررسی تدبیر ولایی الله، از راه سنن، نیز، از الزامات اولیه علم به مدیریت اسلامی است.

► غالب اوصاف الهی نسبت به مخلوق، اشتراک معنوی دارد (با حفظ تمایزات خالق و مخلوق)؛

و حرکت انسان‌ها در مسیر الهی، برای رسیدن به مراتبی از خلافت الهی (مظهریت متعالی اسماء و صفات الهی)، و تخلق به اخلاق الهی، می باشد.

بنابراین تدبیر الهی، (با حفظ تمایزات شؤون الهی از شؤون انسانی)، از باب «تخلقوا باخلاق الله»، الگوی مدیریت اسلامی را برای مدیران مسلمان ترسیم می کند.

«الگوی تدبیر ولایی الله»، شامل «الگوی تدبیر نظام عالم ملک و عالم ملکوت» می باشد.

► «تدبیر الله، در عالم ملک و ملکوت»، بر حسب مراتب فرهیختگی علمی حصولی و شهودی، و میزان ولایت الهی پژوهشگران و مدیران اسلامی {مراتب سه گانه الزامات فقهی حقوقی (الزامات مسلمین)، اخلاقی (الزامات اهل ایمان) و عرفانی (الزامات اهل یقین و احسان)} قابل بهره‌برداری علمی و عملی می باشد.

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«با تاکید بر تبیین «بسم الله الرحمن الرحيم» و سور توحید و حمد»

مقدمه:

الگو گیری از «نظم و نسق قرآنی»، از راهبردهای اساسی در تفکر دینی و تدوین ادبیات و اسناد دینی است؛

توحید و حمد، سور پایه در بررسی نظام اسماء الله:

آیه «بسم الله الرحمن الرحيم» و سور «توحید و حمد» از سور پایه در این زمینه می باشد؛

چرا که بنابر منطق قرآن و روایات، «بسم الله الرحمن الرحيم»، و «سوره حمد»، خلاصه کل قرآن»، و «سوره توحید، خلاصه ثلث قرآن»، تلقی شده است:

«يا ايها الملاء، انى القى اليّ كتاب كريم: انه من سليمان؛ و انه بسم الله الرحمن الرحيم ...» (نمل/۲۹-۳۰)

«في مهج الدعوات باسنادنا إلى محمد بن الحسن الصغار من كتاب فضل الدعاء باسناده إلى معاوية بن عمار عن الصادق عليه السلام أنه قال:

«بسم الله الرحمن الرحيم اسم الله الأكبر - أو قال : الأعظم». (نورالثقلين، ۱/۸)

«و لقد آتيناك سبعا من المثاني و القرآن العظيم» (حجر/۸۷)

«... عن الحسن ابن علي عن أبيه علي بن محمد عن أبيه محمد بن علي، عن أبيه الرضا عن آبائه عن علي عليهم السلام أنه قال سمعت رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم يقول: إن الله تبارك و تعالى قال لي:

يا محمد؛ «و لقد آتيناك سبعا من المثاني و القرآن العظيم» (حجر/۸۷)؛

فأفرد الامتنان عليّ بفاتحة الكتاب، و جعلها بإزاء القرآن العظيم ...» (نورالثقلين، ۱/ ۶)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«با تاکید بر تبیین «بسم الله الرحمن الرحيم» و سور توحید و حمد»

«و فی کتاب التوحید باسناده إلى أبي بصير عن أبي عبد الله عليه السلام قال:

«من قرأ قل هو الله أحد مرة واحدة فكأنما قرأ ثلث القرآن، و ثلث التوراة، و ثلث الإنجيل، و ثلث الزبور». (نور الثقلين، ۷۰۱/۵)

«في كتاب معاني الأخبار باسناده إلى الأصبع بن نباتة عن أمير المؤمنين عليه السلام حديث طويل يقول فيه عليه السلام:

«نسبة الله عز وجل، قل هو الله». (نور الثقلين، ۷۰۷/۵)

«و أخرج أبو عبيد و أحمد في فضائله و النسائي في اليوم و الليلة و ابن منيع و محمد بن نصر و ابن مردويه و الضياء في المختارة عن أبي بن كعب رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه (و آله) و سلم:

«من قرأ قل هو الله أحد، فكأنما قرأ ثلث القرآن». (الدر المنثور، ۴۱۱/۶)

➤ این ویژگی «بسم الله...» و «سوره توحید و حمد»، بدین معنی است که:

«مرجع تمام اسماء و صفات اعظم الهی، اسماء الله مذکور در سوره «توحید و حمد» است»:

پس بایستی «نظام اسماء الله» بر محور و ظل «اسماء الله سوره توحید و حمد»، توصیف و تبیین گردد.

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«با تاکید بر تبیین «بسم الله...» و «سور توحید و حمد»

► نظام اسمایی «بسم الله الرحمن الرحيم»:

«الله»، «الرحمن»، «الرحيم» (و شديد العقاب) است.

► نظام اسمایی سوره توحید:

«قل هو الله احد؛ الله الصمد؛ لم يلد و لم يولد؛ و لم يكن له كفوا احد» (توحید/۲-۵)

«الله» و دو اسم اعظم الهی کلیدی، «احد» و «صمد» است؛

فقره "لم يلد و لم يولد و ..." تفسیری از "صمد" است که در روایات بدان تذکر داده شده است:

قال وهب بن وهب القرشي : وحدثني الصادق جعفر بن محمد ، عن أبيه الباقر عن أبيه عليهم السلام أن أهل البصرة كتبوا إلي الحسين بن علي عليهما السلام، يسألونه عن الصمد فكتب إليهم: بسم الله الرحمن الرحيم، أما بعد فلا تخوضوا في القرآن ، ولا تجادلوا فيه ، و لا تتكلموا فيه بغير علم ، فقد سمعت جدي رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم يقول : من قال في القرآن بغير علم فليتبوء مقعده من النار؛

و إن الله سبحانه قد فسر الصمد فقال: «الله أحد. الله الصمد» ثم فسره فقال: «لم يلد و لم يولد و لم يكن له كفوا أحد» (صدوق، توحید، ۹۱)

► «احدیت و صمدیت»، در تحلیل عقلی و در تفاسیر روایی، هم ناظر به «صفات ذاتی» و هم ناظر به «صفات فعلی» است؛ بنا بر این:

► «مبانی خالق شناختی»،

هم ناظر به «احدیت و صمدیت» صفات ذاتی «الله»، است.

و هم ناظر به «احدیت و صمدیت» صفات فعلی «الله»، (شؤونات الهی در نظام عوالم هستی)، است.

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق: «الله»: نظام اسماء الله:

«مبتنی بر تبیین سوره توحید»

«الله»، «مستجمع جمیع صفات کمال»:

➤ ویژگی های عمومی صفات ذاتی و فعلی:

❖ احدیت:

«... ءارباب متفرقون خیر ام الله الواحد القهار» (یوسف/۳۹)

❖ صمدیت:

«یا ایها الناس انتم الفقراء الی الله و الله هو الغنی الحمید» (فاطر/۱۵)

➤ ویژگی های صفات ذاتی:

❖ حیات:

«الله لا اله الا هو الحی القيوم؛ لاتأخذه سنة و لا نوم...» (بقره/۱۵۵)

«و توکل علی الحی الذی لایموت و سبح بحمده» (فرقان/۵۸)

❖ علم:

«هو الله الذی لا اله الا هو؛ عالم الغیب و الشهادة؛ هو الرحمن الرحیم» (حشر/۲۲)

❖ قدرت:

«الله الذی خلق سبع سموات و من الارض مثلهن ینزل الامر بینهن لتعلموا ان الله علی کل شیء قدير؛ و ان الله قد احاط بكل شیء علما»
(طلاق/۱۲)

«انی جاعل فی الارض خلیفة...» (بقره/۳۰)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«احدیت الهی» و رهنمود های مدیریتی

➤ احدیت الهی: «متجلی در فکر و عقیده، منش و رفتار»:

❖ تجلی احدیت در کلمه توحید (فکر و عقیده):

➤ توحید در ذات و صفات الله: «حیات، علم و قدرت»:

«الله لا اله الا هو الحی القيوم...» (بقره/۲۵۵)

➤ توحید در افعال الله: «خالقیت، ربوبیت، ملوکیت (حاکمیت و مدیریت عالم) و الوهیت»:

«الله خالق کل شیء و هو علی کل شیء وکیل» (زمر/۱) / «قل اعوذ برب الناس، ملک الناس، اله الناس» (ناس/۱-۲)

❖ تجلی احدیت در توحید کلمه و عدم تفرقه (منش و رفتار): کلان راهبرد حاکم بر نظامات وجودی انسان:

«وحدت و هماهنگی در همه عرصه های تجلی نفس و عدم تفرقه»:

«و اعتصموا بحبل الله جميعا و لا تفرقوا» (ال عمران/۱۰۲)

❖ تفرقه، نماد شرک (اکبر الكبائر!):

«... یا بنی لا تشرک بالله ان الشرک لظلم عظیم» (لقمان/۱۲)؛ «و لاتکونوا من المشرکین؛ من الذین فرقوا دینهم و کانوا شیعا؛ ...» (روم/۳۱-۳۲)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«احدیت الهی» و رهنمود های مدیریتی

➤ نمادهای تشریحی احدیت الهی

❖ ده فرمان قرآنی متعالی محترم، تجلی عقلانی احدیت الهی و قدم اول مسلمانی

و زیر بنای ارزشهای فوق عقلانی اسلام:

«قل تعالوا اتل ما حرم ربکم علیکم، الا تشرکوا به شیئا و بالوالدین احسانا؛ ولا تقتلوا اولادکم من املاق؛ نحن نرزقکم و ایاهم؛ و لا تقربوا الفواحش ما ظهر منها و ما بطن؛ و لا تقتلوا النفس التي حرم الله الا بالحق؛ ذلکم وصیکم به لعلمکم تعقلون»؛

«و لا تقربوا مال الیتیم الا بالتی هی احسن حتی یبلغ اشدّه؛ و اوفوا الکیل و المیزان بالفسط؛ لانکلف نفسا الا وسعها؛ و اذا قلتُم فاعدلوا و لو کان ذا قربی؛ و بعهد الله اوفوا؛ ذلکم وصیکم به لعلمکم تذکرون»

«و ان هذا صراطی مستقیما فاتبعوه و لا تتبعوا السبل فتفرق بکم عن سبیله؛ ذلکم وصیکم به لعلمکم تتقون» (انعام/۱۵۱-۱۵۲)

❖ نماز، (خصوصا نماز جماعت و جمعه)، اولین تجلی فوق عقلانی احدیت الهی:

«... و یعلمکم ما لم تكونوا تعلمون» / «... فاذکروا الله کما علمکم ما لم تكونوا تعلمون» (بقره/۱۵۱ و ۲۲۹)/ «ایاک نعبد و ایاک نستعین» (حمد/۵)

«ان هذه امتکم امة واحدة و انا ربکم فاعبدون؛ و تقطعوا امرهم بینهم؛ کل الینا راجعون» (انبیاء/۹۲-۹۳)

«یا ایها الرسل کلوا من الطیبات و اعملوا صالحا انی بما تعملون علیم؛

و ان هذه امتکم امة واحدة و انا ربکم فاتقون؛ فتقطعوا امرهم بینهم زبرا؛ کل حزب بما لديهم فرحون» (مومنون/۵۱-۵۲)

«حافظوا علی الصلوات و الصلوة الوسطی؛ و قوموا لله قانتین» (بقره/۲۲۸)

❖ کعبه، خانه معنوی بشریت، و حج ابراهیمی، نماد وحدت و هماهنگی جهانی امت اسلام و امت بشری:

«ان اول بیت وضع للناس للذی بکة مبارکا و هدی للعالمین؛

فیه آیات بینات؛ مقام ابراهیم و من دخله کان آمنا؛ و لله علی الناس حج البیت من استطاع الیه سبیلا» (ال عمران/۹۶-۹۷)

«جعل الله الکعبة البیت الحرام قیاما للناس...» (مائده/۹۷)

«و فرض علیکم حجّ بینته الحرام... جعله سبحانه و تعالی للإسلام علما...» (نہج، خ ۱، ص ۴۵)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«احدیت الهی» و رهنمود های مدیریتی

► احدیت الهی و مراتب وحدت (توحید کلمه):

❖ وحدت و هماهنگی در نظام وجودی:

«لا اقسام بیوم القيمة و لا اقسام بالنفس اللوامة» (قیامت/ ۱-۲) / یا ایها الذین آمنوا علیکم انفسکم؛ لا یضركم من ضل اذا اهتديتم...» (مائده/ ۱۰۵)

«یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله و لتنظر نفس ما قدمت لغد و اتقوا الله...» (حشر/ ۱۸) / «اتقوا الله و كونوا مع الصادقین» (توبه/ ۱۱۹)

«افرأیت من اتخذ الهه هواه افانت تكون علیه وکیلا؛ ام تحسب ان اکثرهم یسمعون او یعقلون...» (فرقان/ ۲۳-۲۴)

❖ وحدت و هماهنگی در نظام خانواده:

«... لتسکنوا الیها؛ و جعل بینکم مودة و رحمة...» (روم/ ۲۱) / «... و الصلح خیر...» (نساء/ ۱۲۸)

❖ وحدت و هماهنگی در سازمانها و نظامات اجتماعی:

«... فاتقوا الله و اصلحوا ذات بینکم؛ و اطیعوا الله و رسوله ان کنتم مومنین» (انفال/ ۱)

❖ وحدت و هماهنگی در نظام اسلامی:

«و اعتصموا بحبل الله و لا تفرقوا...» (ال عمران/ ۱۰۳) / «ایها الذین امنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم؛ فان تنازعتم...» (نساء/ ۵۹)

❖ وحدت و هماهنگی با امت اسلام:

«انما المومنون اخوه؛ فاصلحوا بین اخویکم و اتقوا الله لعلکم ترحمون» (حجرات/ ۱۰)

❖ وحدت و هماهنگی با امت اهل کتاب:

«یا اهل الکتاب تعالوا الی کلمة سواء بیننا و بینکم الا نعبد الا الله و نشرک به شیئا و لا یتخذ بعضنا بعضا اربابا من دون الله...» (ال عمران/ ۶۴)

❖ وحدت و هماهنگی با مستضعفین عالم:

«و ما لکم لا تقاتلون فی سبیل الله و المستضعفین من الرجال و النساء و الولدان... ربنا اخرجنا من هذه القرية الظالم اهلها؛ و اجعل...» (نساء/ ۷۵)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله: «احدیت الهی» و رهنمود های مدیریتی

➤ وحدت و هماهنگی با نظام ملک و ملکوت:

«الله الذي سخر لكم ما فى السموات و ما فى الارض جميعا منه؛ ان فى ذلك لآيات لقوم يتفكرون» (جاثیه/۱۳)

«... تنزل عليهم الملائكة الا تخافوا و لا تحزنوا و ابشروا بالجنة التى كنتم توعدون نحن اولياؤكم فى الحياة الدنيا و فى الآخرة...» (فصلت/۲۰-۲۱)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«احدیت الهی» و رهنمود های مدیریتی

► پیش نیازها و الزامات تجلی احدیت الهی در جامعه:

➤ وحدت و هماهنگی در نظام تقنین قرآن محور:

مرجعیت قرآن و سنت معصومین(ع) / استقرار نظام تقنین صالح قرآنی (تفکیک مجلس کارشناسی و مجلس تقنین):

«... الم یؤخذ علیهم میثاق الكتاب الا یقولوا علی الله الا الحق و درسوا ما فیہ؛ و الدار الآخرة خیر للذین یتقون؛ افلاتتعقلون» (اعراف/۱۶۹)

➤ استقرار قانونی نظام شایسته سالار قرآن محور:

«و الذین یمسکون بالكتاب و اقاموا الصلوة انا لا نضیع اجر المصلحین... خذوا ما آتیناکم بقوة و اذکروا ما فیہ لعلکم تتقون» (اعراف/۱۷۰)

➤ استقرار نظام مشورت و مشارکت اجتماعی و سازمانی قرآن محور:

«و الذین استجابوا لربهم و اقاموا الصلوة؛ و امرهم شوری بینهم؛ و مما رزقناهم ینفقون...» (شوری/۳۸)

«و ما اختلفتم فیہ من شیء فحکمه الی الله» (شوری/۱۰)

➤ وحدت و هماهنگی حوزوی، کشوری و لشکری در نظام امامت و رهبری قرآنی:

«و اعتصموا بحبل الله جمیعا و لا تفرقوا...» (ال عمران/ /) «و اطیعوا الله و رسوله و لا تنازعوا فتشکروا و تذهب ریحکم و اصبروا...» (انفال/۲۶)

➤ استقرار نظام جامع دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر (نظام جامع بازرسی و نظارت):

«و لتکن منکم امة یدعون الی الخیر و یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر؛ و اولئک هم المفلحون؛ و لا تكونوا کالذین تفرقوا و اختلفوا من بعد ما جاءهم البینات؛ و اولئک لهم عذاب عظیم» (ال عمران/۱۰۴-۱۰۵)

➤ وحدت و هماهنگی در نظام قضایه قرآن محور:

«انا انزلنا الیک الكتاب بالحق لتحکم بین الناس بما اریک الله؛ و لا تکن للخائنین خصیما» (نساء/۱۰۵)

➤ استقرار نظام تنبیه و پاداش مضاعف نسیت به عملکرد سلسله مراتب مدیریت نظام اسلامی:

«... من یأت منکن بفاحشة مبینة یضاعف لها العذاب ضعفین؛... و من یقت منکن لله و رسوله و تعمل صالحا نؤتها اجرها مرتین...» (احزاب/۳۰-۳۱)

➤ استقرار نظام تنبیه غلاظ و شداد ناقصین وحدت اجتماعی و متعرضین به حیثیت سلسله مراتب مدیریت صالح،

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«احدیت الهی» و رهنمود های مدیریتی

احدیت الهی و عالم آخرت:

❖ «عالم آخرت»، تجلی گاه تمام عیار احدیت الهی (اسماء و صفات فعلی):

«مالک يوم الدين» (حمد/۴) / «يوم لا تملك نفس لنفس شيئا؛ و الامر يومئذ لله» (انفطار/۱۹)

«يوم هم بارزون؛ ...؛ لمن الملك اليوم؟! لله الواحد القهار» (غافر/۱۶)

❖ «باور به آخرت و آخرتگرایی»، موتور پیشران تحقق ارزش های الهی:

«هذا كتاب انزلناه مبارك ... و الذين يؤمنون بالآخرة يؤمنون به و هم على صلواتهم يحافظون» (انعام/۹۲) / «... فذكر بالقرآن من يخاف وعيد» (ق/۴۵)
«وابتغ فيما آتاك الله الدار الآخرة؛ و لا تنس نصيبك من الدنيا؛ و احسن ...؛ و لا تبغ الفساد في الارض؛ ان الله لا يحب المفسدين» (قصص/۷۷)

* توجه به «سنت اضطجاع»: اشتغال به ذکر الهی در حالت خوابیده به پهلو راست همچون میت در قبر، کمی قبل از نماز صبح بعد از نافلة صبح

تمرین امادگی اهل ایمان خصوصا مدیریت اسلامی برای سفر آخرت و ارزیابی عملکرد و حسابرسی الهی

احدیت الهی و مراتب الزامات دینی، و جایگاه سلسله مراتب مدیریت اسلامی

❖ مراتب الزامات دینی:

➤ «اسلام»: «الزامات فقهی حقوقی»

➤ «ایمان»: «الزامات فقهی حقوقی + حد اقل الزامات اخلاقی»

➤ «یقین (و احسان)»: «الزامات فقهی حقوقی + حد اقل الزامات اخلاقی + حد اقل الزامات عرفانی»

❖ «الزامات اهل ایمان»، حد اقل الزامات سلسله مراتب مدیریت اسلامی

❖ «ده فرمان»، الزامات اولیه اهل اسلام در دوره مکه، و پایه الزامات در مدینه

❖ «تداوم طهارت و تلاوت»، «اهتمام به نماز»، «ایتاء زکوة، و صبر بر عبادت، از معصیت و در مصیبت»،
الزام اولیه عموم اهل ایمان و خصوصا سلسله مراتب مدیریت اسلامی

❖ «ده فرمان» و پیوست محرمانه اولیه غذایی:

«قل لا اجد فی ما اوحی الی محرما علی طاعم... الا ان یکون میتة او دما مسفوحا او لحم خنزیر، فانه رجس او فسقا اهل لغير الله به؛...» (انعام/۱۴۵)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«احدیت الهی» و رهنمود های مدیریتی

▪ احدیت اعتقادی (توحید در اسماء و صفات الهی)، و سلوک مدیریت اسلامی:

(۱) سلوک شخصی:

➤ اهل عشق به خدا و انس به خلوت مستمر و مناجات با خدا و تلاوت قرآن:

«انما المومنون الذين اذا ذكر الله وجلت قلوبهم و اذا تليت عليهم اياته زادتهم ايمانا و على ربهم ينوكلون» (انفال/۲)

➤ اهل تواضع و فروتنی و دوری از منیت و خود خواهی و عجب و غرور:

«اذلة على المومنين...» (مائده/۵۴)

➤ زهد به دنیا و مراقبت از امور، موقعیتها و مصرف شبهه ناک:

«يا ايها الرسل كلوا من الطيبات و اعملوا صالحا...» (مومنون/۵۱) / «... لكيلا تأسوا على ما فاتكم و لا تفرحوا بما آتاكم...» (حدید/۲۳)

«و لاتمدن عينيك الى ما متعنا به ازواجنا منهم زهرة الحياة الدنيا لنتفتم فيه و رزق ربك خير و ابقى» (طه/۱۳۱)

➤ اهل محاسبه نفس و نقد جدی خود و طالب مستمر عفو و غفران و رحمت خدا:

«يا ايها الذين آمنوا عليكم انفسكم؛ لا يضرکم من ضل اذا اهتديتم؛ الى الله مرجعکم فينبئکم بما كنتم تعملون» (مائده/۱۰۵)

«لا اقسام بيوم القيمة و لا اقسام بالنفس اللوامة...» (قيامت/۱-۲)

«يا ايها الذين آمنوا اتقوا الله و لتنظر نفس ما قدمت لغد و اتقوا الله ان الله خير بما تعملون؛ و لا تكونوا كالذين نسوا الله فانسيهم انفسهم اولئك هم الفاسقون» (حشر/۱۸-۱۹)

«و اذکر ربک فی نفسک تضرعا و خيفة و دون الجهر من القول بالغدو و الاصال و لاتکن من الغافلين» (اعراف/۲۰۵)

➤

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«احدیت الهی» و رهنمود های مدیریتی

➤ احدیت اعتقادی (توحید در اسماء و صفات الهی)، و سلوک مدیریت اسلامی:

(۲) سلوک اجتماعی و سازمانی:

➤ جلوه گاه توحید و یاد خدا و عشق به آخرت:

«عدة من أصحابنا، عن أحمد بن محمد البرقي، عن شريف بن سابق، عن الفضل ابن أبي قرة، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه و آله: قالت الحواريون لعيسى: يا روح الله! من نجالس؟ قال: من يذكركم الله رؤيته؛ و يزيد في علمكم منطقه و يرغبكم في الآخرة عمله» (كافي، ۱ / ۳۹)

➤ اخلاص در فکر و نیت و عمل، و دوری از خود نمایی و ریاکاری

➤ دیدن ارزشهای اصیل دیگران و قدر شناسی مناسب از آنان:

«و الى مدین اخاعم شعيبا قال يا قوم ... فافوا الكيل و الميزان و لا تبخسوا الناس اشياءهم...» (اعراف/۸۵)
«ويل للمطففين الذين اذا اکتالوا على الناس يستوفون و اذا کالوهم او وزنوهم يخسرون ...» (مطففين/۱-۲)

➤ عشق به حقیقت و تشنه دانش کارگشا:

«قال له موسى: هل اتبعك على ان تعلمني مما علمت رشدا» (كهف/۶۶)

«وقفوا اسماعهم على العلم النافع لهم...» (ع): (خطبه متقین، ۱۹۳)

➤ اهل مشورت مستمر و دوری از استبداد رای:

«و شاورهم فی الامر» آل عمران/ / «و امرهم شوری بینهم» (شوری/۲۸)

➤ اهل رسیدگی به احوال نیازمندان (فقراء و مساکین، ایتام و ...):

«فآت ذالقربی حقه و المسکین و ابن السبل؛ ذلک خیر للذین یریدون وجه الله؛ و اولئک هم المفلحون» (روم/۲۸)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«احدیت الهی» و رهنمود های مدیریتی

➤ عشق و رحمت، و فروتنی و نرمش با اهل توحید و مقابله سخت نفوذ ناپذیر با دشمنان خدا:

«... اذلة على المومنين و اعزة على الكافرين...» (مائده/۵۴) / «... اشداء على الكفار و رحماء بينهم...» (فتح/۲۹)

➤ اهل توکل بر خدا و عدم واهمه از غیر خدا و قاطعیت و صلابت در بیان و دفاع از حق و عمل به آن:

«و على الله فليتوكل المؤمنون» (ابرهیم/) / «... يجاهدون في سبيل الله و لا يخافون لومة لائم...» (مائده/۵۴)

«الذين يبلغون رسالات الله و يخشونه و لا يخشون احدا الا الله و كفى بالله حسيبا» (احزاب/۳۹)

«سألت الرضا (عليه السلام) فقلت له: جعلت فداك، ما حد التوكل؟ فقال لي: أن لا تخاف مع الله أحدا» (امالی صدوق، ص ۳۱۱)

➤ ...

■ وحدت و هماهنگی مبتنی بر احدیت، و سلوک مدیریت اسلامی:

❖ پرچمداری حفظ وحدت و انسجام اجتماعی، سازمانی، ملی، منطقه ای و بین المللی، مبتنی بر ارزشهای انسانی و اسلامی:

➤ حمایت از وحدت و مبارزه با نماد های تفرقه و اختلاف افکنی

سیره امیر مومنان (ع) بعد از سقیفه برابر ابوسفیان و دارودسته بنی امیه

➤ سعه صدر در مواجهه فرهنگی با مخالفین و تلاش وافر برای حفظ وحدت:

سیره امیر مومنان (ع) در مواجهه با اصحاب سقیفه، حمل، معاویه و خوارج

➤ تحمل و پرداخت هزینه های حفظ وحدت و انسجام اجتماعی و سازمانی:

مدارای درآور فوق انتظار با اصحاب سقیفه (خلفای ثلاث)، و جنگ خونین با وحدت شکنان متجاوز

سیره امام خمینی ره: «اینجانب با تمام طاقت، در حصول وحدت همه اقشار ملت مسلمان کوشش کرده و می‌کنم، و از خداوند متعال در این امر بسیار مهم، که هستی ملت بدان پیوسته است، استمداد می‌نمایم». (صحیفه امام؛ ج ۲؛ ص ۲۲۸، نجف، ۱ شهریور ۱۳۵۷)

❖ جذب حداکثری مبتنی بر ارزشهای ثابت الهی، و دفع حداقلی

❖ ...

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«احدیت الهی» و نمونه رهنمود های مدیریتی

► جلوه هایی از تجلی «احدیت» فعلی در سیره مدیریتی انبیاء و اولیاء الهی:

❖ سیره مدیریتی حضرت ابراهیم (ع) در برابر نظام شرک:

«قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ:

إِنَّا بُرَاءٌ مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدَهُ؛

إِلَّا قَوْلَ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ لَأَسْتَغْفِرَنَّ لَكَ وَمَا أَمْلِكُ لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ؛

رَبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنَبْنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ؛ رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَاعْفِرْ لَنَا رَبَّنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ؛

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَمَنْ يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ» (ممتحنه ۴-۶)

❖ سیره مدیریتی پیامبر اسلام، در آغاز جنگ با مشرکان:

أَذِنَ لِلَّذِينَ يُفَاتِلُونَ بَاتِهِمْ طُلُمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ (۲۹)

الَّذِينَ أَخْرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بغيرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ؛ وَ لَوْلَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسِ بَعْضُهُمْ بَعْضًا لَهَدَمَتْ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَ مَسَاجِدٌ يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَ لِيَنْصُرَنَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ (۲۰)

الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوْا الزَّكَاةَ وَ أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ (۲۱)

❖ سیره امیرمومنان (ع) در جنگ جمل:

«... المقدام بن شريح بن هاني عن أبيه قال : إن أعرابيا قام يوم الجمل إلى أمير المؤمنين عليه السلام فقال:

يا أمير المؤمنين أتقول : ان الله واحد؟ قال:

فحمل الناس عليه و قالوا : يا أعرابي أما ترى ما فيه أمير المؤمنين من تقسم القلب؟

فقال أمير المؤمنين عليه السلام : دعوه فان الذي يريدہ الاعرابي هو الذي نريده من القوم ،...» (توحيد صدوق، ۸۳؛ نور الثقلين، ۵ / ۷۰۹)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله: «احدیت الهی» و نمونه رهنمود های مدیریتی

► .. جلوه هایی از تجلی «احدیت» فعلی در سیره مدیریتی انبیاء و اولیاء:

❖ سیره مدیریتی اصحاب کهف:

«نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ نَبَأَهُم بِالْحَقِّ إِنَّهُمْ فِتْنَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَرِذْنَاَهُمْ هُدًى؛

وَ رَبَطْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ إِذْ قَامُوا فَقَالُوا رَبُّنَا رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَنْ نَدْعُو مِنْ دُونِهِ إِلَهًا لَقَدْ قُلْنَا إِذَا شَطَطًا» (كهف/۱۳-۱۴)

❖ سیره مدیریتی اهل ایمان:

«إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ

نَحْنُ أَوْلِيَاؤُكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَ لَكُمْ فِيهَا مَا تَشْتَهِي أَنْفُسُكُمْ وَ لَكُمْ فِيهَا مَا تَدَّعُونَ؛ نُزِّلًا مِنْ غُفُورٍ رَحِيمٍ» (فصلت/۳۰-۳۲)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«احدیت الهی» و نمونه رهنمود های مدیریتی

➤ جلوه های اشکار و پنهان از حفظ وحدت اجتماعی مبتنی بر «احدیت»

در سیره مدیریتی انبیاء و اولیاء:

❖ سیره مدیریتی حضرت هارون (ع) در برخورد با گوساله پرستان: (صلاحیت رهبری و وحدت ارتدادی امت)

قَالَ يَا هَارُونُ مَا مَنَعَكَ إِذْ رَأَيْتَهُمْ ضَلُّوا؛ أَلَا تَتَّبِعَنِ أَفَعَصَيْتَ أَمْرِي؛ قَالَ يَا ابْنَ أُمَّ لَا تَأْخُذْ بِلِحْيَتِي وَلَا بِرَأْسِي؛

إِنِّي خَشِيتُ أَنْ تَقُولَ فَرَّقْتَ بَيْنَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَلَمْ تَرْقُبْ قَوْلِي (طه/ ۹۲-۹۴)

❖ سیره مدیریتی حضرت امیر مومنان(ع) در برخورد با اصحاب سقیفه:

«و من کلام له عليه السلام لما عزموا على بيعة عثمان: لقد علمتم اني اُحق الناس بها من غيري .

و و الله لأسلمن ما سلمت أمور المسلمين؛

و لم يكن فيها جور إلا علي خاصة التماسا لأجر ذلك و فضله، و زهدا فيما تنافستموه من زخرفه و زبرجه» (نهج، خ/ ۷۴)

➤ نمونه های اشکار و پنهان تعارض وحدت اجتماعی با «احدیت» در سیره مدیریتی انبیاء و اولیاء:

❖ سیره مدیریتی امام حسین(ع) با فتنه یزید: (همراهی امت غافل مرعوب با رهبری مرتد):

«... و یزید فاسق شارب الخمر و قاتل النفس؛ و «مثلی لایبایع مثله» ... قال(مروان) : اني امرک ببيعة یزید فإنه خیر لك في دینک و دنیاک!

فقال عليه السلام : إنا لله و إنا إليه راجعون؛ و على الإسلام السلام! إذ قد بليت الأمة براع مثل یزید

(الفتوح، ۵ / ۱۷، انساب الاشراف، بلاذری، ترجمه الحسين(ع)، ۱۶۶)

❖ سیره مدیریتی حضرت امام خمینی ره در مقابل محمد رضا پهلوی:

«سخنرانی امام ره در مورد تصویب کاپیتولاسیون» ۴ ابان ۱۳۴۳ قم، «مباحثه حضرت امام ره با مرحوم آقای حکیم» ۲۷ مهرماه ۱۳۴۴، نجف.

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«صمدیت الهی» و رهنمود های مدیریتی

➤ صمدیت الهی:

❖ بی نیازی ذاتی:

«حدثنا أبي رحمه الله ، قال : حدثني سعد بن عبد الله ، قال : حدثنا محمد ابن عيسى بن عبيد ، عن يونس بن عبد الرحمن ، عن الربيع بن مسلم ، قال : سمعت أبا الحسن عليه السلام و سئل عن الصمد فقال : الصمد الذي لا جوف له» (صدوق، توحيد، ۹۳)

❖ بی نیازی از غیر :

الله الصمد؛ لم يلد و لم يولد؛ و لم يكن له كفوا احد» (توحيد/۲-۵)

❖ مرجعیت رفع نیاز غیر:

«حدثنا علي بن أحمد بن محمد بن عمران الدقاق رحمه الله، قال: حدثنا محمد بن يعقوب، عن علي بن محمد، عن سهل بن زياد، عن محمد بن الوليد و لقبه شباب الصيرفي، عن داود بن القاسم الجعفري،

قال: قلت لأبي جعفر عليه السلام: جعلت فداك، ما الصمد؟ قال: السيد المصمود إليه في القليل و الكثير». (صدوق، توحيد، ۹۴)

❖ فرمانروایی محبوب عالم:

«قال الباقر عليه السلام : الصمد السيد المطاع الذي ليس فوقه أمر و ناه». (همو، همان، ۹۰)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«صمدیت الهی» و رهنمود های مدیریتی

صمدیت الهی و رهنمودهای مدیریتی:

❖ اصل اول: توکل بر خدا و استمداد از او:

«... و من يتوكل على الله فهو حسبه؛ ان الله بالغ امره قد جعل الله لكل شىء قدرا» (طلاق/۳)

«و توکل علی الحی الذی لایموت و سیح بحمده ...» (فرقان/۵۸)

❖ اصل دوم: تلاش و همت مستقل در کسب روزی:

«الكاد لعیاله كالمجاهد فی سبیل الله» (کافی، ۵ / ۸۸)

❖ اصل سوم: عزت نفس و بی نیازی از غیر، حتی خوبان، پرهیز از تملق و مذمت غیر:

«ما اكل احدكم طعاما قطّ خيرا من عمل يده» (ص): (کافی، ج ۸)

«الحسین بن محمد بن عامر، عن معلى بن محمد، عن صالح بن أبي حماد، جميعا عن الوشاء، عن أحمد بن عائذ، عن أبي خديجة سالم بن مكرم، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله): **من سألنا أعطينا و من استغنى أغناه الله**» (کافی، ۲ / ۱۳۸)

«اللَّهُمَّ صُنْ وَجْهِي بِالْبَيْسَارِ وَ لَا تَبْدُلْ جَاهِي الْإِفْتَارِ فَاسْتَرْزُقْ طَالِبِي رِزْقِكَ وَ اسْتَعْطِفْ شِرَارَ خَلْقِكَ - وَ ابْتَلِي بِحَمْدِي مَنْ أَعْطَانِي وَ أَفْتِنِي بِذَمِّ مَنْ مُنَعَنِي وَ أَنْتَ مِنْ وَرَاءِ ذَلِكَ كُلِّهِ وَ لِي الْإِعْطَاءُ وَ الْمَنْعُ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (نهج، خ ۲۲۵، ص ۲۴۸)

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ ، وَ صُنْ وَجْهِي بِالْبَيْسَارِ، وَ لَا تَبْدُلْ جَاهِي بِالْإِفْتَارِ فَاسْتَرْزُقْ أَهْلَ رِزْقِكَ، وَ اسْتَعْطِفْ شِرَارَ خَلْقِكَ، فَافْتِنِي بِحَمْدِي مَنْ أَعْطَانِي، وَ ابْتَلِي بِذَمِّ مَنْ مُنَعَنِي، وَ أَنْتَ مِنْ دُونِهِمْ وَ لِي الْإِعْطَاءُ وَ الْمَنْعُ» امام سجاد (ع): (صحیفه، دعای مکارم الاخلاق: دعای ۲۰)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«صمدیت الهی» و رهنمود های مدیریتی

❖ اصل چهارم: ضرورت حفظ عزت نفس، و پرهیز از ابراز نیاز به تبهکاران و بی دینان و منت کشی آنان، و بالعکس، ابراز نیازمندی به خدا و بندگان خوب خدا:

«عدة من أصحابنا، عن أحمد بن محمد بن خالد، عن علي بن حسان، عن حدثه، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال:

ما أقبح بالمؤمن أن تكون له رغبة تذله. «**ما أقبح ان تكون في مومن رغبة تذله**» (كافي، ٢ / ٣٢٠)

«علي بن إبراهيم عن أبيه عن عثمان بن عيسى عن عبد الله بن مسكان عن أبي بصير عن أبي عبد الله عليه السلام قال:
إن الله تبارك وتعالى فوض إلى المؤمن كل شئ إلا ادلال نفسه» (كافي، ٥ / ٦٣)

«محمد بن الحسين عن إبراهيم بن إسحاق الأحمر عن عبد الله بن حماد الأنصاري عن عبد الله بن سنان عن أبي الحسن الأحمسي عن أبي عبد الله عليه السلام قال: إن الله عز وجل فوض إلى المؤمن أموره كلها و لم يفوض إليه ان يكون ذليلا اما تسمع قول الله تعالى يقول:
«و لله العزة و لرسوله و للمؤمنين» فالمؤمن يكون عزيزا و لا يكون ذليلا؛

ثم قال: إن المؤمن أعز من الجبل ان الجبل يستقل منه بالمعاول و المؤمن لا يستقل من دينه بشئ» (كافي، ٥ / ٦٣؛ تهذيب، ٦ / ١٧٩)

«... و هَبْ لِي الْأُنْسَ بِكَ و بِأَوْلِيَايِكَ و أَهْلِ طَاعَتِكَ؛ و لَا تَجْعَلْ لِفَاجِرٍ و لَا كَافِرٍ عَلَيَّ مِنَّةً، و لَا لَهُ عِنْدِي يَدًا، و لَا بِي إِلَيْهِمْ حَاجَةٌ،
بَلِ اجْعَلْ سَكُونَ قَلْبِي و أَنْسَ نَفْسِي و اسْتِغْنَائِي و كِفَايَتِي بِكَ و بِخِيَارِ خَلْقِكَ» (امام سجاد (ع): (صحيفه، دعای ٢١)

❖ اصل پنجم: نهی شدید از سربرار دیگران شدن:

«عدة من أصحابنا، عن أحمد بن أبي عبد الله، عن أبي الخزرج الأنصاري، عن علي بن غراب، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال:

قال رسول الله (صلى الله عليه و آله) : **ملعون ملعون من ألقى كله على الناس، ملعون ملعون من ضيع من يعول**» (كافي، ٤ / ١٢)

«محمد بن يحيى، عن محمد بن الحسين، عن عبد الرحمن بن محمد الأسدي، عن سالم بن مكرم، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: اشتدت حال رجل من أصحاب النبي (صلى الله عليه وآله) فقالت له امرأته، لو أتيت رسول الله (صلى الله عليه وآله) فسألته فجاء إلى النبي (صلى الله عليه وآله) فلما رآه النبي (صلى الله عليه وآله) قال: **«من سألتنا أعطيناها و من استغنى أغناه الله»**، فقال الرجل: ما يعني غيري فرجع إلى امرأته فأعلمها، فقالت: إن رسول الله (صلى الله عليه وآله) بشر فأعلمه؛ فأتاه فلما رآه رسول الله (صلى الله عليه وآله) قال: **«من سألتنا أعطيناها و من استغنى أغناه الله»**، حتى فعل الرجل ذلك ثلاثا ثم ذهب الرجل فاستعار معولا ثم أتى الجبل، فصعده فقطع حطبا، ثم جاء به فباعه بنصف مد من دقيق فرجع به فأكله، ثم ذهب من الغد، فجاء بأكثر من ذلك فباعه، فلم يزل يعمل و يجمع حتى اشترى معولا، ثم جمع حتى اشترى بكرين و غلاما ثم أترى؛ حتى أيسر فجاء إلى النبي (صلى الله عليه وآله) فأعلمه كيف جاء يسأله و كيف سمع النبي (صلى الله عليه وآله) فقال النبي

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«صمدیت الهی» و نمونه رهنمود های مدیریتی

➤ جلوه هایی از تجلی «صمدیت» در سیره مدیریتی انبیاء و اولیاء:

"و لَكِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ جَعَلَ رُسُلَهُ أُولِي قُوَّةٍ فِي عَزَائِمِهِمْ ... مع قناعة تملأ القلوب و العيون غنى"؛ علی (ع)، (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۷ ص ۲۹۲)

❖ بی نیازی از دشمن در اقتصاد مقاومتی حضرت موسی (ع):

«وَ إِذْ قُلْتُمْ: يَا مُوسَى لَنْ نَصْبِرَ عَلَىٰ طَعَامٍ وَاحِدٍ! فَادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُخْرِجْ لَنَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ مِنْ بَقْلِهَا وَ قِنَائِهَا وَ قُومِهَا وَ عَدَسِهَا وَ بَصَلِهَا؛

قَالَ: أَتَسْتَبْدِلُونَ الَّذِي هُوَ أَدْنَىٰ بِالَّذِي هُوَ خَيْرٌ؟! اهْبِطُوا مِصْرًا فَإِنَّ لَكُمْ مَا سَأَلْتُمْ؛

وَ ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذَّلَّةُ وَ الْمَسْكَنَةُ وَ بَاءُوا بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ؛ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَ يَفْتُلُونَ النَّبِيِّينَ ... ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَ كَانُوا يَعْتَدُونَ» (بقره/۶۱)

«... وَ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ إِذِ اسْتَسْقَاهُ قَوْمُهُ أَنْ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانْبَجَسَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَشْرَبَتَهُمْ وَ ظَلَلْنَا عَلَيْهِمُ الْغَمَامَ وَ أَنْزَلْنَا عَلَيْهِمُ الْمَنَّاءَ وَ السَّلْوَكَ كُلُّوا مِنَ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَ مَا ظَلَمُونَا وَ لَكِنَّ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ (اعراف/۱۶۰)

«يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ قَدْ أَنْجَيْنَاكُمْ مِنْ عَدُوِّكُمْ وَ وَاعَدْنَاكُمْ جَانِبَ الطُّورِ الْأَيْمَنِ وَ نَزَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّاءَ وَ السَّلْوَكَ؛

كُلُّوا مِنَ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَ لَا تَطْغَوْا فِيهِ فَيَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبِي وَ مَنْ يَحِلِّ عَلَيْهِ غَضَبِي فَقَدْ هَوَىٰ» (طه/۸۰-۸۱)

❖ تذکر به تجربه های موفق کشورهای دیگر:

➤ ریاضت اقتصادی چند ده ساله، و خود تحریمی ۱۰ ساله چین (افزایش تولید با ساعات کار بیشتر، درآمد و مصرف کمتر!)

➤ ریاضت اقتصادی ژاپن بعد از جنگ جهانی دوم (افزایش تولید با ساعات کار بیشتر، درآمد و مصرف کمتر!)

➤ ریاضت اقتصادی آلمان بعد از جنگ جهانی دوم (افزایش تولید با ساعات کار بیشتر، درآمد و مصرف کمتر!)

➤ ریاضت اقتصادی در احیاء شرکت کرایسلر (افزایش تولید با ساعات کار بیشتر، با ثلث درآمد گذشته!)

... ➤

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«صمدیت الهی» و نمونه رهنمود های مدیریتی

❖ سیره پیامبر اسلام(ص) و مومنین در شعب ابی طالب در برابر محاصره اقتصادی و بایکوت اجتماعی:

➤ وضعیت شعب در گزارش امیر مومنان (ع):

«خویشان ما (قبیله قریش) بر این شدند که پیامبر ما را بکشند و نسل ما را براندازند. درباره ما تصمیم گرفتند و ستمها روا داشتند. خواروبار از ما قطع کردند و آب گوارا از ما بازگرفتند و ما را در جایگاه بیم و هراس نشانند و جاسوسها بر ما گماشتند و ما را ناچار ساختند تا در میان کوهی ناهموار پناه جویم و بدین اکتفا نکرده جنگ علیه ما افروختند و پیمان نامه در میان خود علیه ما نوشتند بدین مضمون که:

▪ با ما هم خوراک نشوند و با ما آب ننوشند؛

▪ و با ما وصلت و ازدواج نکنند؛

▪ و خرید و فروش نمایند؛

▪ و از آنان در امان نباشیم تا اینکه **محمد(ص)** را در اختیار آنان نهیم تا اینکه وی را بکشند و جسدش را مثله [=قطعه/قطعه] کنند.

جز در موسم **حج** و **عمره** ما **بنی هاشم** از امنیت برخوردار نبودیم. اما **مشیت خداوند** درباره ما چنین قرار گرفت که ما با تمام وجود از آن حضرت دفاع کنیم. و پروانه وار شمع وجودش را طواف نماییم و با شمشیرهای خود شب و روز از او حمایت کنیم. مومنانمان به انگیزه نیل به پاداش پروردگار و کافرانمان به منظور دفاع از حریم قوم و تبار از وجود مقدس وی حمایت می کردند.» علی (ع):

(شوشتری، بهج الصباغه، ۱۲۷۶ش، ج۲، ص۲۵۵، به نقل از نصر بن مزاحم، وقعه صفین)

➤ سیره و ابتلائات حضرت یوسف (ع)، از الگوهای الهی برای پیامبر و یاران در دوره محاصره:

«نزول سوره یوسف (ع) در دوره شب ابی طالب»

(مدت محاصره: محرم سال هفتم بعثت تا رجب سال دهم)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«صمدیت الهی» و نمونه رهنمود های مدیریتی

■ جلوه هایی از تجلی «صمدیت» در سیره مدیریتی انبیاء و اولیاء:

❖ سیره پیامبر(ص) و مومنین در برابر محاصره اقتصادی و نظامی جنگ احزاب:

➤ اوضاع سخت مسلمانان:

«مسلمانان از پشت سر خود (داخل مدینه) از جانب بنی قریظه در مورد خانواده هایشان ایمنی نداشتند و نیز از مقابل، با سپاه انبوه مشرکان که هر چندگاه از قسمت های تنگ خندق می گذشتند، درگیر می شدند، دچار هراس زیادی شدند». (واقعی، المغازی، ۱۹۶۶م، ج ۲، ص ۴۶۴-۴۷۴)

قرآن وحشت مسلمانان و بدگمانی آنان به وعده های خداوند را کاملا وصف کرده است. (طبری، ۱۲۲۰، ج ۱۰، ص ۲۷۰-۲۶۴):

«اذجاؤوکم من فوقکم و من اسفل منکم؛ و اذ زاغت الابصار و بلغت القلوب الحناجر و یظنون بالله الظنونا؛ هنالک ابتلی المومنون و زلزلوا زلزالا شديدا؛ و اذ يقول المنافقون و الذين فی قلوبهم مرض ما وعدنا الله و رسوله الا غرورا (احزاب/ ۱۰-۱۲)

این ترس به گونه ای بود که مُعْتَب بن قُشیر، از منافقان، گفت: محمد به ما وعده گشایش قصرهای کسری و قیصر را می داد، در حالی که اکنون کسی برای قضای حاجت هم جرات بیرون رفتن ندارد. (یعقوبی، ج ۲، ص ۵۱؛ طبری، تاریخ، ج ۲، ص ۵۷۲؛ سیره ابن هشام، ج ۲، ص ۲۲۳)

نقض عهد بنی قریظه، سرماي شدید، قحطی و گرسنگی و فشار بر مسلمانان به اوج خود رسید. ابن هشام، ج ۲، ص ۲۲۳.

قرآن نیز ضمن آوردن آیاتی به این مطلب اشاره کرده است. (واقعی، المغازی، ۱۹۶۶م، ج ۲، ص ۴۹۵):

«ام حسبتم ان تدخلوا الجنة و لما یاتکم مثل الذين خلوا من قبلكم؛ مستهم البأساء و الضراء و زلزلوا حتی یقول الرسول و الذين آمنوا:

متی نصر الله؟؛ الا ان نصر الله قریب» (بقره/ ۲۱۴)

➤ سیره پیامبر(ص) و مومنین:

«لقد کان لکم فی رسول الله اسوة حسنة ...»

«من المومنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیه و منهم من قضی نحبه و منهم من ینتظر و ما بدلوا تبدیلا» (احزاب ۲۱-۲۳)

«الآن نغزوهم و لا یغزوننا» (ص): (صحیح بخاری، ۵ / ۲۸؛ حلیه الاولیاء، ۴ / ۳۴۵)

مسلمانان روز و شب در سرما و گرسنگی شدید به نوبت از خندق پاسداری می کردند. (واقعی، المغازی، ۱۹۶۶م، ج ۲، ص ۴۶۵، ۴۶۸)

معجزاتی از رسول خدا(ص) درباره سیرکردن مسلمانان نقل شده است. (ابونعیم اصفهانی، دلائل النبوة، ۱۳۹۷ق، ص ۴۳۳)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله: «صمدیت الهی» و نمونه رهنمود های مدیریتی

❖ صمدیت و فشار اقتصادی مومنین:

«يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَتَبَيَّنُوا وَ لَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْقَى إِلَيْكُمُ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا! تَبْتَغُونَ عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ مَغَانِمٌ كَثِيرَةٌ كَذَلِكَ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلُ فَمَنَّ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَتَبَيَّنُوا إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا» (نساء / ۹۴)

«يا ايها الذين آمنوا انما المشركون نجس؛ فلا يقربوا المسجد الحرام بعد عامهم هذا؛
و ان خفتم عيلة فسوف يغنيكم الله من فضله ان شاء؛ ان الله عليم حكيم» (توبه / ۲۸)

❖ جلوه لطيف صمدیت در سیره جناب سلمان:

«دعا سلمان ابا ذر "ره" ذات يوم إلى ضيافة فقدم إليه من جرابه كسرة يابسة و بلها من ركوته؛ فقال أبو ذر:
ما أطيب هذا الخبز، لو كان معه ملح؛ فقام سلمان و خرج و رهن ركوته بملح و حمله إليه؛ فجعل أبو ذر يأكل ذلك الخبز و يذر عليه ذلك الملح و يقول:
الحمد لله الذي رزقنا هذا القناعة؛ فقال سلمان: «لو كانت قناعة لم تكن ركوتي مرهونة!»

امام جواد از پدران معصوم از امام سجاد (ع): (عيون اخبار الرضا، صدوق، ۲ / ۵۸؛ بحار، ۲۲ / ۲۲۱)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«مبتنی بر تبیین سوره حمد»:

اسماء الله محور و فراگیر در افعال الهی: «الله، رحمن، رحیم»

► نگرشی اجمالی بر ویژگی های سوره حمد:

«بسم الله الرحمن الرحيم»

«الحمد لله رب العالمين؛ الرحمن الرحيم؛ مالك يوم الدين» (حمد/۱-۴)

«اياك نعبد و اياك نستعين» (۵)

اهدنا الصراط المستقيم» (۶)

«صراط الذين انعمت عليهم غير المغضوب عليهم، و لا الضالين» (۷)

❖ اسامی با مسماى سوره:

حمد، فاتحة الكتاب، ام الكتاب، سبعا من المثاني...

❖ سوره حمد خلاصه كل قرآن:

«بسم الله ...» خلاصه سوره حمد، «سوره حمد»، خلاصه قرآن:

«و لقد آتيناك سبعا من المثاني و القرآن العظيم» (حجر/)

❖ حاوی اسم اعظم الهی:

«و عن جعفر بن محمد (عليهما السلام)، أنه قال: من قرأها - يعني سورة الفاتحة - فتح الله عليه خير الدنيا و الآخرة ،

و قال (ع): ان اسم الله الأعظم مقطع في هذه السورة». (مستدرک الوسائل، نوری، ۴ / ۲۳۰)



گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«مبتنی بر تبیین سوره حمد»: اسماء الله محور و فراگیر در افعال الهی: «الله، رحمن، رحیم»

«بسم الله الرحمن الرحيم»

«الحمد لله رب العالمين؛ الرحمن الرحيم؛ مالك يوم الدين» (حمد/ ۱-۵)

❖ «الله»: اسم اعظم الهی، مستجمع جميع صفات:

➤ خالق هستی:

«الله خالق كل شيء و هو على كل شيء وكيل» (زمر/ ۶۲)

➤ رب العالمين:

«ربنا الذي اعطى كل شيء خلقه ثم هدى» (طه/ ۵۰).

❖ «الرحمن»:

➤ اسم اعظم مختص الله:

«قل ادعوا الله او ادعوا الرحمن؛ ايا ما تدعوا فله اسماء الحسنی...» (اعراف/)

➤ رحمت ابتدایی فراگیر:

ناظر به نحوه ربوبیت در «نظام خلقت و هدایت» :

«الرحمن على العرش استوى» (طه/ ۵)/ «و رحمتی وسعت كل شيء...» (اعراف/ ۱۵۶)

❖ «الرحيم»: رحمت پاداشی:

«هو الذي يصلى عليكم و ملائكته ليخرجكم من الظلمات الى النور و كان بالمؤمنين رحيمًا» (احزاب/ ۲۳)/ «و سأكتبها للذين يتقون و يؤتون الزكوة و الذين هم بآياتنا يؤمنون» (اعراف/ ۱۵۶)

«لئن شكرتم لازيدنكم و لئن كفرتم، ان عذابي لشديد»/ «نبئ عبادى انى انا الغفور الرحيم؛ و ان عذابي هو العذاب الاليم» (حجر/ ۴۹-۵۰)

❖ مالك يوم الدين: (غضب مستتر: شديد العقاب بودن)

«و ما ادريك ما يوم الدين ثم ما ادريك ما يوم الدين؛ يوم لا تملك نفس لنفس شيئا و الامر يومئذ لله» (انفطار/)

«... و كان (على بن الحسين عليه السلام) إذا قرأ "مالك يوم الدين" يكررها حتى كاد أن يموت». (كافى، ۲ / ۶۰۲)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:
«مبتنی بر تبیین سوره حمد»: اسماء الله محور و فراگیر در افعال الهی: «الله، رحمن، رحیم»

➤ **رحمانیت و رهنمود های مدیریتی:**

❖ **مدیریت رحمانی، حاکم بر عالم هستی:**

«قل ادعوا الله او ادعوا الرحمن؛ ایا ما تدعوا فله اسماء الحسنی...» (اسراء/۱۱۰)/ «الرحمن على العرش استوی» (طه/۵)

❖ **رحمت شامل بر بندگان خدا {انفس(مسلمان و غیرمسلمان) و آفاق(ملک و ملکوت: جماد، نبات، حیوان، جن و ملک):**

«و رحمتی وسعت کل شیء...» (اعراف/۱۵۶)/ «ربنا وسعت کل شیء رحمة و علما؛ فاغفر للذین تابوا و اتبعوا سبیلک...» (غافر/۷)

«الله الذی سخر لكم البحر... و سخر لكم ما فی السموان و الارض جمیعا منه؛ ان فی ذلک لآیات لقوم یتفکرون» (جاثیه/۱۲-۱۳)

«و الی ثمود اخاهم صالحا قال یا قوم اعبدوا الله ما لکم من الهه غیره؛ هو انشأکم من الارض و استعمرکم فیها فاستغفروه ثم توبوا الیه؛

ان ربی قریب مجیب» (هود/۶۱)

«اتقوا الله فی عباده و بلاده؛ فانکم مسئولون حتی عن البقاع و البهائم» علی (ع): (نهج، خ ۱۶۷)

❖ **تخریب زمین و تباهی منابع انسانی و محیط زیست، نماد مدیریت شیطانی مدعی ارزش های انسانی معنوی:**

«و من الناس من یعجبک قوله فی الحیوة الدنیا و یشهد الله علی ما فی قلبه و هو الذی خصام؛ اذا تولى سعی فی الارض لیفسد فیها و یهلك الحرث و النسل؛ و الله لا یحب الفساد» (بقره/۲۰۵)

❖ **پیمانهای بین المللی محیط زیست و مدیریت رحمانی:**

(پیمان کیوتو، پاریس، گلاسکو و ...)

❖ **جامعیت در رفع نیاز مادی و معنوی، و اصالت و اولویت معنویات بر مادیات:**

«الرحمن علم القرآن خلق الانسان علمه البیان» (الرحمن/۱-۴)

❖ **مقدمیت مادیات جهت تحقق معنویات:**

«و ابتغ فیما آتیک الله الدار الآخرة و لا تنس نصیبک من الدنیا...» (قصص/۷۷)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«مبتنی بر تبیین سوره حمد»: اسماء الله محور و فراگیر در افعال الهی: «الله، رحمن، رحیم»

➤ **ادامه مبحث «رحمانیت و رهنمود های مدیریتی»:**

❖ **تکریم در رحمانیت (نظام تکوین و نظام هدایت):**

«یا ایها الانسان ما غرک بربک الکریم الذی خلقک فسویک فعدلک ...» (انفطار/ /) «اقراً و ربک الاکرم الذی علم بالقلم؛ علم الانسان ...» (علق/ ۱-۵)

❖ **ترجیح معنویات بر مادیات:**

«و الذین تبوءوا الدار و الایمان ...؛ یحبون من هاجر الیهم ... و یؤثرون علی انفسهم و لو کان بهم خصاصة و من یوق شح نفسه فاولئک هم المفلحون» (حشر/ ۹)

«یا ایها الذین آمنوا انما المشرکون نجس فلا یقربوا المسجد الحرام ...؛ و ان خفتم عیلة فسوف یغنیکم الله من فضله ان شاء؛ ان الله علیم حکیم» (توبه/ ۲۸)

❖ **رعایت اقتضات و مصلحتها:**

«الله لطیف بعباده یرزق من یشاء و هو القوی العزیز» (شوری/ ۱۹) «و لو بسط الله الرزق لعباده لبغوا فی الارض؛ ...» (شوری/ ۲۷)

❖ **بلاء، پیک ویژه رحمت خدا:**

«و لنبلونکم بشیء من الخوف و الجوع و نقص من الاموال و الانفس و الثمرات؛ فبشر الصابرین... اولئک علیهم صلوات و رحمة؛ و ...» (بقره/ ۱۵۵)

❖ **مدیریت رحمانی، و التزام به پیوست اخلاقی در رعایت الزامات فقهی حقوقی:**

«ان الله یأمر بالعدل و الاحسان؛ و ایتاء ذی القربی و الیتامی، و ینهی عن الفحشاء و المنکر و البغی؛ یعظکم لعلکم تذكرون» (نحل/ ۹۰)

❖ ...

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«مبتنی بر تبیین سوره حمد»

➤ **نظام پاداش و تنبیه رحمانی در دنیا (رحیمیت و شدت عقاب) و رهنمودهای مدیریتی:**

❖ **فوریت بازخورد گرایشی و منشی عملکرد نیک و بد (نظام عکس العمل):**

«قل کل يعمل علی شاکلته...» (اسراء/۸۲)/ «لن تنالوا البر حتی تنفقوا مما تحبون...» (آل عمران/۹۲) / «... و من یبخل فانما یبخل عن نفسه...» (محمد/۲۸) / «... و ما یخدعون الا انفسهم و ما یشعرون» (بقره/۹) / «... و ما یضلون الا انفسهم و ما یشعرون» (آل عمران/۶۹) / «... و ان یهلكون الا انفسهم و ما یشعرون»؛ «... و ما یمكرون الا بانفسهم و ما یشعرون» (انعام/۲۶ و ۱۲۲)

❖ **قطعیت در پاداش و «عفو و غفران» و «تانی (درنگ)» در تنبیه:**

«لئن شکرتم لازیدنکم و لئن کفرتم، ان عذابی لشدید» (ابراهیم/۷)/ «نبئ عبادی انی انا الغفور الرحیم؛ و ان عذابی هو العذاب الالیم» (حجر/۴۹-۵۰) «ما اصابکم من مصیبة فیما کسبت ایدیکم و یعفو عن کثیر» (شوری/)

❖ **تقدم پاداش بر تنبیه:**

«هو الذی یصلی علیکم و ملائکته لیخرجکم من الظلمات الی النور و کان بالمؤمنین رحیما» (احزاب/۲۳)

«و سأکتبها للذین یتقون و یؤتون الزکوة و الذین هم بأیاتنا یؤمنون» (اعراف/۱۵۶)

«یا من وسعت کل شیء رحمته، یا من سبقت رحمته غضبه» (ص)/ «یا من سبقت رحمته غضبه» علی (ع) : (بحار، ۹/ ۲۸۶ و ۲۳۹)

❖ **اصیل بودن پاداش، و فرعی بودن تنبیه:**

«صراط الذین انعمت علیهم؛ غیر المغضوب علیهم و لا الضالین» (حمد/۷)

❖ **ده ها و صدها برابری پاداش، و همانندی در تنبیه:**

«من جاء بالحسنة فله عشر امثالها و من جاء بالسيئة فلا یجزی الا مثلها و هم لا یظلمون» (انعام/۱۶۰)

«مثل الذین ینفقون ... کمثل حبة انبتت سبع سنابل فی کل سنبله مائة حبة؛ و الله یضاعف لمن یشاء؛ و الله واسع علیم» (بقره/۲۶۱)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«مبتنی بر تبیین سوره حمد»:

نظام پاداش و تنبیه رحمانی در دنیا (رحیمیت و شدت عقاب)، و رهنمودهای مدیریتی:

❖ همراهی پاداش مادی با رشد معنوی:

«و اذ تاذن ربکم: لئن شکرتم لازیدنکم...» (ابراهیم/۷)

«یا ابا ذر، إذا أراد الله بعبد خيرا فقهه في الدين، و زهده في الدنيا، و بصره بعيوب نفسه». (ص):

«إذا أراد الله بعبد خيرا منحه عقلا قويا و عملا مستقيما». على (ع): (عيون الحكم و المواعظ، واسطی، ۱۲۶)

«إذا أراد الله بعبد خيرا ألهمه الاقتصاد و حسن التدبير، و جنبه سوء التدبير و الاسراف». على (ع): (مستدرک الوسائل، ۱۵ / ۲۶۶)

❖ همراهی «تنبیه مادی» با عبرت آموزی، تذکر معنوی و اصلاح:

«و ما ارسلنا فی قرية من نبي الا اخذنا اهلها بالاساء و الضراء؛ **لعلهم يضرعون**»؛ «و لقد آخذنا آل فرعون بالسنين و نقص من الثمرات **لعلهم يذكرون**» (اعراف/۹۴ و ۱۲۰) / «و لنذيقنهم من العذاب الادنى دون العذاب الاكبر **لعلهم يرجعون**» (سجده/۲۱).

❖ تنبیه موقت دنیوی اصلاحگر، مقدمه پاداش ابدی اخروی:

«عدة عن أحمد عن علي بن الحكم عن ابن جندب عن سفيان بن السمط قال قال أبو عبد الله عليه السلام:

« إذا أراد الله بعبد خيرا فأذنب ذنبا أتبعه بنعمة و يذكره الاستغفار ... ». (الكافي، ۲ / ۴۵۲)

❖ پاداش ظاهری موقت مادی دنیوی مقدمه تنبیه ابدی اخروی:

نظام تنبیه استدراجی خالق هستی: حاکم بر افراد گنهکار سرکش مصر به ضدیت با حق:

«و الذين كذبوا بآياتنا سنستدرجهم من حيث لا يعلمون و املی لهم ان كیدی متین» (اعراف/۱۸۲-۱۸۳)

«و لقد ارسلنا الى امم من قبلك فآخذناهم بالبايآء و الضراء لعلهم يتضرعون؛ فلو لا اذ جاءهم تضرعوا و لكن قست قلوبهم و زين لهم الشيطان ما كانوا يعملون؛ فلما نسوا ما ذكروا به فتحنا عليهم ابواب كل شيء حتى اذا فرحوا بما اوتوا، آخذناهم بغيته فأذا هم مبلسون؛

فقطع دابر القوم الذين ظلموا و الحمد لله رب العالمين» (انعام/۴۲-۴۵) / «سأرهقه صعودا» (مدثر/۱۷)

«... و إذا أراد بعبد شرا فأذنب ذنبا أتبعه بنعمة لينسيه الاستغفار و يتمادی بها و هو قول الله تعالى:

« **سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ** » بالنعم عند المعاصي». (الكافي، ۲ / ۴۵۲)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«مبتنی بر تبیین سوره حمد»

نظام پاداش و تنبیه رحمانی در دنیا (رحیمیت و شدت عقاب)، و رهنمودهای مدیریتی:

«علي(بن ابراهيم) عن أبيه عن القاسم بن محمد عن المنقري عن حفص بن غياث عن أبي عبد الله عليه السلام قال:

« كم من مغرور بما أنعم الله تعالى عليه و كم من مستدرج يستر الله تعالى عليه؛ و كم من مفتون بثناء الناس عليه » (الكافي، ٢ / ٤٥٢).

❖ **«تنبیه مضاعف» مدیریت و بستگان گنهگار، و «تکریم مضاعف» مدیریت و بستگان خدمتگذار:**

«يا نساء النبي من يأت منكن بفاحشة مبينة يضاعف لها العذاب ضعفين و كان على الله يسيرا» (احزاب/٢٠)

«و من يقنت منكن لله و رسوله و تعمل صالحا نُؤْتها اجرها مرتين و اعتدنا لها رزقا كريما» (احزاب/٢١)

«و تفقد الطير فقال ما لى لا ارى الهدهد ام كان من الغائبين؛ لا عذبه عذابا شديدا او لاذبحنه؛ او ليأتيني بسلطان مبين» (نمل/٢٢)

❖ **عفو و گذشت و مدارای هرچه بیشتر با سطوح نازل سازمانی و جامعه:**

«خذ العفو و امر بالعرف و اعرض عن الجاهلين» (اعراف/١٩٩)

❖ **هلاکت جوامع بر اثر وارونگی نظام پاداش و تنبیه:**

«... إنما هلك من كان قبلكم بمثل هذا؛ كانوا يقيمون الحدود على ضعفائهم و يتركون أقوياءهم و أشرافهم فهلكوا». (ص): (دعائم ...)

«إنما هلك بنو إسرائيل لأنهم كانوا يقيمون الحدود على الوضيع دون الشريف». (دعائم...)

« عن علي (ع) أنه كتب إلى رفاعة (بن شداد بجلى، قاضيه فى الاهواز):

أقم الحدود في القريب يجتنبها البعيد، لا تطل الدماء و لا تعطل الحدود» (دعائم الاسلام، ٢ / ٢٤)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«مبتنی بر تبیین سوره حمد»

نظام پاداش و تنبیه رحمانی در دنیا (رحیمیت و شدت عقاب)، و رهنمودهای مدیریتی:

❖ قاعده کلی عملکرد جامعه انسانی و نظام پاداش و تنبیه عالم هستی در حیات دنیوی:

« لَهُ مُعَقَّبَاتٌ مِّنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ؛

إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَّ لَهُ وَمَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَالٍ (رعد/۱۱)

➤ عملکرد صالح جامعه:

وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْغُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (اعراف/۹۶)

وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْكِتَابِ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَكَفَّرْنَا عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَأَدْخَلْنَاَهُمْ جَنَّاتِ النَّعِيمِ (مائده/ ۶۵)

وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْهِمْ مِنْ رَبِّهِمْ لَأَكَلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِن تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ مِنْهُمْ أُمَّةٌ مُّقْتَصِدَةٌ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ سَاءَ مَا يَعْمَلُونَ (مائده/۶۶)

➤ عملکرد فاسد جامعه:

«و ما أصابكم من مصيبة فيما كسبت أيديكم و يعفوا عن كثير» (شورى/ ۳۰)

وَاتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» (انفال/ ۲۵)

«ظهر الفساد فى البر و البحر بما كسبت ايدى الناس ليزيقهم بعض الذى عملوا لعلهم يرجعون» (روم/)

ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَىٰ قَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (انفال/ ۵۳)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«مبتنی بر تبیین سوره حمد»:

نظام پاداش و تنبیه رحمانی در آخرت: «مالک یوم الدین» و رهنمودهای مدیریتی:

■ مقدمه: نظام تجسم اعمال در دنیا و آخرت:

مالکیت مطلق، و نظام پاداش و تنبیه مدیریت رحمانی، در «مراحل عالم آخرت»:

❖ مرحله ابتدایی برزخ:

«حسابرسی کلی و پاداش و تنبیه موقت»

❖ مرحله میانی قیامت:

«حسابرسی تفصیلی نهایی»

❖ مرحله نهایی بهشت و جهنم:

«پاداش و تنبیه نهایی»

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«مبتنی بر تبیین سوره حمد»:

نظام پاداش و تنبیه رحمانی در آخرت: «مالک يوم الدين» و رهنمودهای مدیریتی:

❖ **مرحله برزخ: نظام پاداش و تنبیه مدیریت رحمانی ابتدایی: «حسابرسی کلی و پاداش و تنبیه موقت»:**

«حتی اذا جاء احدهم الموت قال رب ارجعونی لعلي اعمل صالحا فيما تركت؛ كلا!؛ ... و من ورائهم برزخ الی يوم یبعثون» (مومنون/۹۹-۱۰۰)

«محمد ، عن ابن عیسی ، عن أحمد بن محمد ، عن عبد الرحمن بن حماد ، عن عمرو بن یزید ، قال : قلت لأبي عبد الله عليه السلام ...

و لكني و الله أتخوف عليكم في البرزخ» قلت : و ما البرزخ قال: القبر منذ حين موته إلى يوم القيامة» (الكافي ۳ : ۲۴۲)

➤ **نظام پاداش و تنبیه و گذرگاه مرگ:(نظام تجسم اعمال):**

«كل نفس ذائقة الموت ...» (آل عمران/۱۸۵، انبياء/۳۵، عنكبوت /۵۷) / «كل من عليها فان و يبقى وجه ربك ذو الجلال و الاكرام» (الرحمن/۲۶-۲۷)

✓ **مرگ شیرین و آسان: آخرت گرایان مجاهد فی سبیل الله:** «اهل ایمان و یقین (اصحاب یمین و مقربین)»

✓ **مرگ های متنوع دردناک: مریض القلب های دلبسته دنیا:** « بسیاری از مسلمانان و اهل کتاب»

✓ **مرگ های هولناک: اهل نفاق، و کفر دلبسته دنیا:** «منافقین، اهل کتاب معاند، مشرکین و ملحدین»:

«**زين للناس حب الشهوات من النساء و البنين ... ذلك متاع الحیوة الدنيا...**» (آل عمران/۱۴) / «**كلا بل تحبون العاجلة و تذرون الآخرة**» (قیامت/۲۰-۲۱)

«و لو ترى اذ الظالمون فی غمرات الموت و الملكة باسطوا ايديهم؛ **اخرجوا انفسكم**؛ اليوم تجزون عذاب الهون ...» (انعام/۹۲)

«و التفت الساف و بالساق.. فلا صدق و لا صلی و لكن كذب و تولى ثم ...؛ **اولی لك فاولی؛ ... ثم اولی لك فاولی**» (قیامت/۲۹-۳۵)

✓ **مرگ های نامعلوم: دنیا گریزان غیر مسلمان: (?)**

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«مبتنی بر تبیین سوره حمد»:

نظام پاداش و تنبیه رحمانی در آخرت: «مالک يوم الدين» و رهنمودهای مدیریتی:

➤ موضوعات حسابرسی کلی برزخ:

✓ سؤالات اعتقادی: از «پروردگار / دین / نبوت و امامت و رهبری الهی»

عن سوید بن عفلة قال : قال أمير المؤمنين عليه السلام: ... فيقولان له : من ربك؟ و ما دينك؟ و من نبيك؟ ... و من امامك؟» (كافي ٢ / ٢٢١ - ٢٢٩) «... عن الحضرمي قال: قلت لأبي جعفر عليه السلام: أصلحك الله... و عم يسألون» قال: «عن الحجة القائمة بين أظهرهم...» (الكافي ٢ : ٢٢٧)

✓ سؤالات دیگر: از «الزامات اولیه عبادی و اقتصادی»:

➤ محور اصلی افراد مورد سوال: رهبران و پیروان خالص در ایمان و کفر:

«... عن الحضرمي قال: قلت لأبي جعفر عليه السلام: أصلحك الله من المسؤولون في قبورهم؟ قال: من محض الإيمان و من محض الكفر؛ قلت: فبقية هذا الخلق قال: يلهي و الله عنهم، ما يعاب بهم...» (الكافي ٢ / ٢٢٧)

➤ نظام پاداش و تنبیه و قرارگاه موقت برزخ:

✓ بهشت برزخی: شهداء و اولیاء الهی و ...: (انعمت عليهم):

«و لا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله امواتا بل احياء عند ربهم يرزقون؛ فرحين بما آتاهم الله من فضله و يستبشرون بالذين لم يلحقوا بهم من خلفهم الا خوف عليهم و لا هم يحزنون» (آل عمران/١٦٩-١٧٠)

✓ جهنم برزخی: تبهکاران، منافقین و کفار (مغضوبین):

«النار يعرضون عليها غدوا و عشيا؛ و يوم تقوم الساعة ادخلوا آل فرعون اشد العذاب» (غافر/٤٦)

✓ خواب برزخی: (شیرین و یا آشفته)

➤ تغییر و تحول پرونده اعمال از برزخ تا روز قیامت:

«ينبؤا الانسان يومئذ بما قدم و اخر...» (قيامت/١٢)

➤ سه عامل مکمل در ارتقاء پرونده اعمال بعد از مرگ: «فرزند صالح، سنت حسنه، وقف جاری»:

عن عبد الخالق بن عبد ربه قال : قال أبو عبد الله عليه السلام : خير ما يخلفه الرجل بعده ثلاثة : ولد بار يستغفر له ، و سنة خير يقتدى به فيها ، و صدقة تجري من بعده» (بحار الأنوار، ٦ / ٢٩٤)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«مبتنی بر تبیین سوره حمد»:

نظام پاداش و تنبیه رحمانی در آخرت: «مالک يوم الدين» و رهنمودهای مدیریتی:
مراحل مالکیت و ملوکیت الهی در روز قیامت:

«يَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ وَالسَّمَوَاتُ وَ بَرَزُوا لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ» (ابراهيم / ۴۸)

«يَوْمَ هُمْ بَارِزُونَ لَا يَخْفَىٰ عَلَى اللَّهِ مِنْهُمْ شَيْءٌ؛ لمن الملك اليوم؟؛ لله الواحد القهار» (غافر/ ۱۶)

«لايسئل عما يفعل و هم يسئلون» (انبیاء/ ۲۳)

❖ مرحله فوق العاده مالک «يوم الدين»: قدرت نمایی خدای رحمان:

«و ما ادريک ما يوم الدين؟؛ ثم ما ادريک ما يوم الدين؟؛ يوم لا تملك نفس لنفس شيئا و الامر يومئذ لله» (انفطار/)

«و خشعت الاصوات للرحمن فلا تسمع الا همسا... و عنت الوجوه للحي القيوم...» (طه/ ۱۰۸)

«حَتَّىٰ إِذَا تَصَرَّحَتِ الْأُمُورُ - وَتَقَضَّتِ الدُّهُورُ وَأَزَفَ النَّشُورُ - أَخْرَجَهُمْ مِنْ ضَرَائِحِ الْقُبُورِ وَأَوْكَارِ الطُّيُورِ - وَأَوْجِرَةَ السَّبَّاحِ وَمَطَارِحِ الْمَهَالِكِ سِرَّاعًا إِلَىٰ أَمْرِهِ - مَهْطَعِينَ إِلَىٰ مَعَادِهِ رَعِيلًا صُمُوتًا قِيَامًا صُفُوفًا - يَبْغِذُهُمُ الْبَصَرُ وَيُسْمِعُهُمُ الدَّاعِي - عَلَيْهِمْ لُبُوسٌ الْأَسْتِكَانَةِ وَصَرَعُ الْأَسْتِسْلَامِ وَالذَّلَّةِ - فَذَلَّتِ الْحَيْلُ وَانْقَطَعَ الْأَمَلُ وَهَوَتْ الْأَفِيدَةُ كَاطِمَةً - وَخَشَعَتِ الْأَصْوَاتُ مُهَيَّبَةً - وَالْجَمُّ الْعَرَقُ وَعَظْمُ الشَّقَقِ وَأُرْعِدَتِ الْأَسْمَاعُ - لِزَبْرَةِ الدَّاعِي إِلَىٰ فَصْلِ الْخِطَابِ وَمُقَابِيضَةِ الْجَزَاءِ - وَنَكَالِ الْعِقَابِ وَنَوَالِ الثَّوَابِ» (نہج، خ ۸۳، ص ۱۰۹)

«سليمان بن جعفر ، باسناده ، عن جعفر بن محمد بن علي بن الحسين عليه السلام ، أنه قال : إذا كان يوم القيامة جمع الله عز وجل الخلق

عراة ، فيوقفون بالمحشر ، حتى يعرقوا عرقا " شديدا " و تشند أنفاسهم ، فيمكثون بذلك مقدار خمسين عاما " ، و ذلك قول الله عز وجل :

" و خشعت الأصوات للرحمان فلا تسمع إلا همسا» (شرح الاخبار ، قاضى نعمان، ۲ / ۴۶۸ ؛ بحار الانوار، ۷ / ۱۰۱).

❖ مرحله عمومی مالک «يوم الدين»: سيطره اقتدار مطلق الهی بر تمام عرصه های آخرت:

«يَسْأَلُونَ أَيَّانَ يَوْمِ الدِّينِ؛ يَوْمَ هُمْ عَلَى النَّارِ يُفْتَنُونَ» (ذاريات/ ۱۲-۱۳)/ وَإِنَّ الْفُجَارَ لَفِي حَجِيمٍ؛ يَصْلَوْنَهَا يَوْمَ الدِّينِ» (انفطار/ ۱۴-۱۵)

وَالَّذِي أَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لِي خَطِيئَتِي يَوْمَ الدِّينِ» (صافات / ۸۲) / وَإِنَّ عَلَيْكَ لَعْنَتِي إِلَى يَوْمِ الدِّينِ» (ص / ۷۸)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«مبتنی بر تبیین سوره حمد»:

نظام پاداش و تنبیه رحمانی در آخرت: «مالک يوم الدين» و رهنمودهای مدیریتی:

❖ مرحله مالک «يوم الحساب»: حسابرسی از خالق و مخلوق!:

«فلنستئن الذين ارسل اليهم و لنستئن المرسلين» (اعراف/۶)

➤ حسابرسی از خالق! و رسولان الهی!:

✓ حسابرسی از خدای رحمان:

«... أَوْلَمْ نَعْمَرِكُمْ مَا يَنْذَكُرُ فِيهِ مَنْ تَذَكَّرَ وَجَاءَكُمُ النَّذِيرُ...» (فاطر/۳۷)

✓ حسابرسی از کارگزاران (انبیاء و معصومین صاحب منصب):

«يَا مَعْشَرَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ: أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِنْكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي وَيُنذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا؟

قَالُوا شَهِدْنَا عَلَى أَنْفُسِنَا وَغَرَّبْنَاهُمْ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَشَهِدُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كَانُوا كَافِرِينَ» (انعام/۱۳۰)

➤ حسابرسی از خلائق (پرونده فردی و تشکیلاتی):

«و يوم يناديهم فيقول: ماذا اجبتم المرسلين؟...» (قصص/۶۵)

«أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ؛ لِيَوْمٍ عَظِيمٍ؛ يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ (مطففين/۲-۶)

✓ حسابرسی به پرونده اعمال فردی:

«اقرا کتابک کفی بنفسک اليوم علیک حسیبا» (اسراء/۱۴) / «و وضع الكتاب؛ فتری المجرمین مشفقین مما فیہ؛ و یقولون: یا ویلتنا! ما لهذا الكتاب لا یغادر صغیرة و لا کبیرة الا احصیها؟! و وجدوا ما عملوا حاضرا؛ و لا یظلم ربک احدا» (کہف/۴۹)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«مبتنی بر تبیین سوره حمد»:

نظام پاداش و تنبیه رحمانی در آخرت: «مالک يوم الدين» و رهنمودهای مدیریتی:

✓ حسابرسی به پرونده اعمال تشکیلاتی و سازمانی (اعمال رهبری، و اعضای سازمان):

• پرونده مشترک اعضای سازمان:

«تری کل امة جاثیه!؛ کل امة تدعی الی کتابها؛ الیوم تجزون ما کنتم تعملون» (جاثیه/۲۸)

«فَعَقَرُوهَا فَاصْبَحُوا نَادِمِينَ» (شعراء/۱۵۷)/ «... اذ انبعث اشقيها؛ ... فکذبوه فَعَقَرُوهَا؛ فدمدم عليهم ربهم بذنبهم ... و لا يخاف عقبيها» (شمس/۱۲-۱۵)

أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا يَجْمَعُ النَّاسَ الرَّضَا وَالسُّخْطُ - وَإِنَّمَا عَقَرَ نَاقَةَ ثَمُودَ رَجُلٌ وَاحِدٌ - فَعَمَّهُمُ اللَّهُ بِالْعَذَابِ لَمَّا عَمَّوهُ بِالرِّضَا - فَقَالَ سُبْحَانَهِ: «فَعَقَرُوهَا فَاصْبَحُوا نَادِمِينَ» * - فَمَا كَانَ إِلَّا أَنْ خَارَتْ أَرْضُهُمْ بِالْخَسْفَةِ - خَوَارَ السِّكَّةَ الْمُحَمَّاةَ فِي الْأَرْضِ الْخَوَارَةَ» (نہج، خ ۲۰۱، ص ۳۱۹)

«فَوَاللَّهِ لَوْ لَمْ يُصِيبُوا مِنَ الْمُسْلِمِينَ - إِلَّا رَجُلًا وَاحِدًا مُعْتَمِدِينَ لِقَتْلِهِ - بِلَا جُرْمٍ جَرَّهَ لِحَلِّ لِي قَتْلِي ذَلِكَ الْجَبِشِ كُلِّهِ - إِذْ حَصَرُوهُ فَلَمْ يُنْكِرُوا - وَلَمْ يَدْفَعُوا عَنْهُ بِلِسَانٍ وَلَا بِيَدٍ - دَعَا مَا أَنَّهُمْ قَدْ قَتَلُوا مِنَ الْمُسْلِمِينَ - مِثْلَ الْعِدَّةِ الَّتِي دَخَلُوا بِهَا عَلَيْهِمْ»

(نہج، خ ۱۷۲؛ الغارات، ثقفی کوفی، ۱/ ۲۱۰؛ الامامه و السياسه، ابن قتیبہ دینوری، ۱/ ۱۲۵)

فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ ... قَالَ ادْخُلُوا فِي أُمَّةٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ فِي النَّارِ كُلَّمَا دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَعَنَتْ آخِثًا حَتَّى إِذَا ادَّارَكُوا فِيهَا جَمِيعًا قَالَتْ أَخْرَاهُمْ لِأَوْلَادِهِمْ: رَبَّنَا هَؤُلَاءِ أَصْلُونَا فَأْتِهِمْ عَذَابًا ضِعْفًا مِنَ النَّارِ قَالَ لِكُلِّ ضِعْفٍ وَلَكِنْ لَا تَعْلَمُونَ» (اعراف/۲۷-۲۸)

• پرونده سرنوشت ساز رهبری سازمان:

«یوم ندعوا کل اناس بامامهم...» (اسراء/۷۱)

«يقدم قومه يوم القيمة فاوردهم النار؛ و بنس الورد المورود» (هود/ /) «وَجَعَلْنَاَهُمْ أَيْمَةً يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يُنصَرُونَ» (قصص/۴۱)

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ مَاذَا أَنْزَلَ رَبُّكُمْ قَالُوا آسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ؛ لِيَحْمِلُوا أَوْزَارَهُمْ كَامِلَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَمِنْ أَوْزَارِ الَّذِينَ يُضِلُّونَهُمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ أَلَا سَاءَ مَا يَزِرُونَ (بقره/۲۴-۲۵)

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا: اتَّبِعُوا سَبِيلَنَا وَلْنَحْمِلْ خَطَايَاكُمْ وَمَا هُمْ بِحَامِلِينَ مِنْ خَطَايَاهُمْ مِنْ شَيْءٍ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ؛

وَلِيَحْمِلَنَّ أَثْقَالَهُمْ وَأَثْقَالًا مَعَ أَثْقَالِهِمْ وَلَيَسْأَلَنَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَمَّا كَانُوا يَفْتَرُونَ» (عنكبوت/۱۲-۱۳)

يَا لَيْتَنَا أَطَعْنَا اللَّهَ وَأَطَعْنَا الرَّسُولَ؛ وَقَالُوا رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكُبَرَاءَنَا فَأَضَلُّونَا السَّبِيلًا؛ رَبَّنَا آتِهِمْ ضِعْفَيْنِ مِنَ الْعَذَابِ وَالْعَنَهُمْ لَعْنًا كَبِيرًا (احزاب/۶۶-۶۸)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«مبتنی بر تبیین سوره حمد»:

نظام پاداش و تنبیه رحمانی در آخرت: «مالک يوم الدين» و رهنمودهای مدیریتی:

❖ مرحله مالک «يوم الجزاء»:

➤ سرنوشت امت مسلمان:

✓ مقربان:

فَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ؛ فَرَوْحٌ وَرَيْحَانٌ وَجَنَّةٌ نَعِيمٍ (واقعه/۸۸-۸۹) / «صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ...» (حمد/۷)
وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا» (نساء/ ۶۹)

✓ اصحاب یمین:

وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ أَصْحَابِ الْيَمِينِ؛ فَسَلَامٌ لَكَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ» (واقعه/۹۰-۹۱)
وَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ» (بقره/۲۰۱)

✓ مریض القلب ها(ضالین):

«...فَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَاقٍ» (بقره/ ۲۰۰)

✓ منافقان(مغضوبین):

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيُشْهَدُ اللَّهُ عَلَيْهِ مَا فِي قَلْبِهِ وَهُوَ أَلَدُّ الْخِصَامِ؛ وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ
الْفُسَادَ؛ وَإِذَا قِيلَ لَهُ اتَّقِ اللَّهَ أَخَذَتْهُ الْعِزَّةُ بِالْإِثْمِ فَحَسْبُهُ جَهَنَّمُ وَلَيْسَ الْمِهَادِ (بقره/۲۰۲-۲۰۶)

➤ سرنوشت امت بشری:

✓ مغضوبین:

✓ ضالین:

وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُكَذِّبِينَ الضَّالِّينَ؛ فَنُزُلٌ مِنْ حَمِيمٍ؛ وَتَصْلِيَةٌ جَحِيمٍ (واقعه/۹۲-۹۴) / «غير المغضوب عليهم و لا الضالین» (حمد/۷)

✓ آزادگان بی خبر از اسلام

➤ بلاتکلیفان(بالغان متحیر، نابالغان و سفیهان):

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«مبتنی بر تبیین سوره حمد»

► نجلی احدیت در اعتقاد و سلوک جامعه، در سوره حمد و رهنمود های مدیریتی:

❖ احدیت و توکل الهی:

«ایک نعبد و ایک نستعین» (حمد/۵)

«لا حول و لا قوة الا بالله ...»

❖ احدیت و دغدغه مستمر لغزش و سقوط:

«اهدنا الصراط المستقیم» (حمد/۶)

❖ احدیت و امت واحده:

«ایک نعبد و ایک نستعین» (حمد/۵)

«ان هذه امتكم امة واحدة و انا ربكم فاعبدون؛ و تقطعوا امرهم بينهم؛ كل الينا راجعون» (انبیاء / ۹۲-۹۳)

«و ان هذه امتكم امة واحدة و انا ربكم فاتقون؛ فتقطعوا امرهم بينهم زبرا؛ كل حزب بما لديهم فرحون؛ فذرهم فی غمرتهم...» (مومنون / ۵۲-۵۴)

❖ احدیت و الگوهای سلسله مراتب امامت و رهبری الهی:

«صراط الذين انعمت عليهم...» (حمد/۷)

«و من يطع الله و الرسول فاولئك الذين انعم الله عليهم من النبيين و الصديقين و الشهداء و الصالحين؛ و حسن اولئك رفيقا؛

ذلك الفضل من الله و كفى بالله عليما» (نساء/۵۹)

❖ احدیت و اسباب شناسی گروه ها و رهبران اجتماعی معارض، و موضع گیری مناسب در برابر انها:

«غير المغضوب عليهم و لا الضالين» (حمد/۷)

«الله لا اله الا هو؛ ... فمن يكفر بالطاغوت و يؤمن بالله فقد استمسك بالعروة الوثقى، لا انفصام لها؛ و الله سميع عليم؛ الله ولي الذين آمنوا
...» (بقره/۲۵۵-۲۵۷)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

رهنمودهای مدیریتی «مبتنی بر تبیین سوره حمد»

■ امامت الهی و وحدت امت اسلامی:

. «ایاک نعبد و ایاک نستعین» (حمد/۵)

• «ان هذه امتكم امة واحدة و انا ربكم؛ فاتقون» (مومنون/۵۲)

«و من يشاقق الرسول من بعد ما تبين له الهدى و يتبع غير سبيل المومنين، نوله ما تولى و نصله جهنم و ساءت مصيرا» (نساء/۱۱۵)

❖ امامت اعتقادی و سیاسی و وحدت در مکتب اهل بیت (ع):

«و علم آدم الاسماء كلها؛ ثم عرضهم على الملكة» (بقره/۳۱) / «و جعلناهم ائمة يهدون بامرنا...» (انبياء/۷۲)

«لو بقيت الارض بغير امام لساخت» امام صادق (ع): (كافي، ۱/ ۱۷۹، ۳/ ۱۹۸)

«اللهم بلى لا تخلو الارض من قائم لله بحجة اما ظاهرا مشهورا او خائفا مغمورا، لئلا تبطل حجج الله و بيناته» على (ع): (نهج، حكمت ۱۲۷)

• «... حدثني أبو علي بن - همام قال : سمعت محمد بن عثمان العمري - قدس الله روحه - يقول : سمعت أبي يقول : سئل أبو محمد الحسن بن علي عليهما السلام و أنا عنده عن الخبر الذي روي عن أبائه عليهم السلام :

" أن الأرض لا تخلو من حجة لله على خلقه إلي يوم القيامة و أن من مات و لم يعرف إمام زمانه مات ميتة جاهلية»

فقال (ع): إن هذا حق كما أن النهار حق ، ف قيل له : يا ابن رسول الله فمن الحجة و الامام بعدك ؟

فقال ابني محمد ، هو الامام و الحجة بعدي ، من مات و لم يعرفه مات ميتة جاهلية» (كمال الدين، ۴۰۹)

• قال رسول الله (ص) : من مات لا يعرف إمام دهره مات ميتة جاهلية»: امام صادق(ع): (دعائم الاسلام، ۱/ ۲۷)

• عن ابى عبد الله (ع)، عن رسول الله (ص): «و من مات بغير إمام مات ميتة جاهلية» (مستدرک، ۱۸/ ۱۷۶)

• «... قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع حَدَّثَنِي عَمَّا بُنِيَتْ عَلَيْهِ دَعَائِمُ الْإِسْلَامِ ... وَ الْوَلَايَةُ الَّتِي أَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهَا وَ لَايَةُ آلِ مُحَمَّدٍ ص فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص قَالَ:

«مَنْ مَاتَ وَ لَا يَعْرِفُ إِمَامَهُ مَاتَ مَيِّتَةً جَاهِلِيَّةً؛ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُوَلِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ : (نساء/۵۹)» (كافي، ۲/ ۲۱)

• حدثنا بهذا الدعاء ، و ذكر أن الشيخ العمري قدس الله روحه أملاه عليه و أمره أن يدعو به و هو الدعاء في غيبة القائم عليه السلام:

«اللهم! عرفني نفسك فإنك إن لم تعرفني نفسك لم أعرف رسولك، اللهم! عرفني رسولك فإنك إن لم تعرفني رسولك لم أعرف حجتك،

اللهم! عرفني حجتك فإنك إن لم تعرفني حجتك ضللت عن ديني، اللهم! لا تمنني ميتة جاهلية و لا تزغ قلبي بعد إذ هديتني، (كمال الدين، ۵۱۲)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

رهنمودهای مدیریتی «مبتنی بر تبیین سوره حمد»

❖ امامت اعتقادی و سیاسی و وحدت در مکتب اهل سنت:

• «من مات بغير امام، مات ميتة جاهلية» (ص): (کنز العمال، ۱ / ۱۰۳)

• «و من مات ليس له إمام جماعة عليه طاعة بعثه الله يوم القيامة بعث من مات ميتة جاهلية» (مسند الشاميين، طبرانی، ۳ / ۲۶۰)

• «حدثنا أبو النعمان ... حدثني أبو رجاء العطاردي قال سمعت ابن عباس رضي الله عنهما عن النبي (ص) قال من رأى من أميره شيئاً يكرهه فليصبر عليه فإنه من فارق الجماعة شبراً فمات الا مات ميتة جاهلية» (صحيح بخارى، ۸ / ۸۷)

• «... فإنه ليس أحد يفارق الجماعة شبراً فيموت الا مات ميتة جاهلية» (همان، ۱۰۵)

• «حدثنا عبد الله ... ابن جريح قال أخبرني عاصم بن عبيد الله:

ان النبي (ص) قال: ... من فارق الجماعة مات ميتة جاهلية» (مسند احمد، ۳ / ۲۴۵)

• «... سمعت ابن عباس يرويه عن النبي (ص) قال: من رأى من أميره شيئاً يكرهه فليصبر فإنه ليس من أحد يفارق الجماعة شبراً فيموت الا مات ميتة جاهلية» (سنن دارمی، ۲ / ۲۴۱)

• حدثنا إسماعيل ... عن جنادة بن أبي أمية قال دخلنا على عبادة بن الصامت وهو مريض فقلنا: أصلحك الله حدث بحديث ينفعك الله به سمعته من النبي (ص)؛ قال: دعانا النبي (ص) فبايعنا فقال فيما اخذ علينا: ان بايعنا على السمع و الطاعة في منشطنا و مكرهنا و عسرنا و يسرنا و أثرة علينا و ان لا ننازع الامر أهله الا ان تروا كفراً بواحا عندكم من الله فيه برهان» (صحيح بخارى، ۸ / ۸۸)

• «حدثنا مسدد، حدثنا يحيى بن سعيد عن عبيد الله حدثني نافع عن عبد الله رضي الله عنه عن النبي صلى الله عليه و سلم قال:

«السمع و الطاعة على المرء المسلم فيما أحب وكره ما لم يؤمر بمعصية فإذا امر بمعصية فلا سمع و لا طاعة» (صحيح بخارى، ۸ / ۱۰۶)

• «حدثنا عمر بن حفص بن غياث ... عن أبي عبد الرحمن عن علي رضي الله عنه قال:

بعث النبي صلى الله عليه وسلم سرية و أمر عليهم رجلاً من الأنصار و أمرهم ان يطيعوه فغضب عليهم و قال أليس قد امر النبي صلى الله عليه و سلم ان تطيعوني قالوا بلى قال عزمت عليكم لما جمعتم حطبا و أوقدتم ناراً ثم دخلتم فيها فجمعوا حطبا فأوقدوا فلما هموا بالدخول فقام ينظر بعضهم إلى بعض فقال بعضهم: إنما تبعدنا النبي صلى الله عليه و سلم فراراً من النار أفندخلها فبينما هم كذلك إذ خمدت النار و سكن غضبه؛ فذكر للنبي (ص) فقال: لو دخلوها ما خرجوا منها ابداً إنما الطاعة في المعروف» (همان، ۸ / ۱۰۶)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

رهنمودهای مدیریتی «مبتنی بر تبیین سوره حمد»

❖ امامت اعتقادی و سیاسی و وحدت در مکتب اهل سنت:

- حدثنا إسحاق بن منصور ... اتينا معقل بن يسار نعوذه فدخل عبید الله فقال له معقل أحدثك حديثا سمعته من رسول الله صلى الله عليه وسلم فقال : **ما من وال يلي رعية من المسلمين فيموت وهو غاش لهم الا حرم الله عليه الجنة**» (صحيح بخارى، ١٠٧ / ٨)
- «... عن أبي هريرة عن النبي صلى الله عليه وسلم أنه قال: **من خرج من الطاعة و فارق الجماعة فمات مات ميتة جاهلية؛** و من قاتل تحت راية عميه يغضب لعصبة أو يدعو إلى عصبة أو ينصر عصبة فقتل فقتله جاهليه و من خرج على أمتي يضرب برها و فاجرها و لا يتحاش من مؤمنها و لا يفي لذي عهد عهده فليس منى و لست منه» (صحيح مسلم، ٢١ / ٦)
- «وحدثني عثمان بن أبي شيبة ... عن عرفة قال سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول: من اتاكم و أمركم جميع على رجل واحد يريد ان يشق عصاكم أو يفرق جماعتكم فاقتلوه» (صحيح مسلم، ٢٣ / ٦)
- حدثنا الحسين بن إسحاق التستري حدثنا سهل بن عثمان ثنا وكيع عن سفيان عن عبد الملك بن عمير عن جابر قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم **«لا يزال هذا الأمر قائما حتى يكون اثنا عشر خليفة»** (المعجم الكبير، طبرانى، ٢١٤ / ٢)
- حدثنا عثمان بن أبي شيبة ، ثنا أبو داود الحفري ، ثنا ياسين ، عن إبراهيم بن محمد بن الحنفية ، عن أبيه عن علي قال : قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: **" المهدي منا أهل البيت يصلحه الله في ليلة "** (سنن بن ماجه، ١٢٤٧ / ٢).
- و أخرجه أيضا ابن ماجه في السنن قال : حدثنا أبو بكر بن أبي شيبة ، ثنا أحمد بن عبد الملك ، ثنا أبو المليح الرقي ، عن زياد بن بيان ، عن علي بن نفيل ، عن سعيد بن المسيب ، قال : كنا عند أم سلمة فتذاكرنا المهدي فقالت : سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول : **«المهدي من ولد فاطمة "** (سنن بن ماجه، ١٢٤٨ / ٢) .

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

رهنمودهای مدیریتی «مبتنی بر تبیین سوره حمد»

► قرآن و اهل البيت (ع) محور وحدت اسلامی

«و اعتصموا بحبل الله جميعا و لا تفرقوا» (ال عمران/۱۰۲) / «و اطيعوا الله و رسوله و لا تنازعوا فتشلقوا و تذهب ريحكم و اصبروا ...» (انفال/۴۶)

«انه لقرآن كريم ...؛ لا يمسه الا المطهرون» (واقعه/۷۸۰۷۹) / «انما يريد الله ليذهب عنكم الرجس اهل البيت و يطهركم تطهيرا» (احزاب/۳۳)

• حدثنا عبد الله حدثني أبي ثنا أبو النصر ثنا محمد يعني ابن طلحة عن الأعمش عن عطية العوفي عن أبي سعيد الخدري عن النبي صلى الله عليه و سلم قال إني أوشك أن أدعى فأجيب و انى تارك فيكم الثقلين كتاب الله عز وجل و عترتي كتاب الله حبل ممدود من السماء إلى الأرض؛

و عترتي أهل بيتي و ان اللطيف الخبير أخبرني انهما لن يفترقا حتى يردا على الحوض فانظروني بم تخلفوني فيهما» (مسند احمد، ۱۷ / ۳)

• «انى تارك فيكم ما إن تمسكتم به بعدى لن تضلوا: كتاب الله و عترتي أهل بيتي؛

و انهما لن يفترقا حتى يردا على الحوض» (ص): (كنز العمال، ۱ / ۱۸۶)

• «إن مثل أهل بيتي فيكم مثل سفينة نوح، من ركبها نجا و من تخلف عنها هلك» ابوذر از پیامبر (ص): (كنز العمال، ۱۱۲ / ۹۴)

• «النجوم أمان لأهل السماء؛ و أهل بيتي أمان لامتي» پیامبر (ص): (كنز العمال، ۱۱۲ / ۹۶)

• «أنا و علي و فاطمة و الحسن و الحسين يوم القيامة في قبة تحت العرش» پیامبر (ص): (كنز العمال، ۱۱۲ / ۱۰۰)

• «خير رجالكم علي؛ و خير شبابكم الحسن و الحسين؛ و خير نسائك فاطمة» ابن مسعود از پیامبر (ص): (كنز العمال، ۱۱۲ / ۱۰۲)

• «عرض لي ملك استأذن ان يسلم علي و يبشرني ببشرى:

ان فاطمة سيدة نساء أهل الجنة و ان الحسن و الحسين سيدا شباب أهل الجنة» حذيفة از پیامبر (ص): (كنز العمال، ۱۱۲ / ۱۰۲)

» ... عن علي بن أبي طالب عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه و آله: النجوم أمان لأهل السماء فإذا ذهبت النجوم ذهب أهل السماء، و أهل بيتي أمان لأهل الأرض فإذا ذهب أهل بيتي ذهب أهل الأرض» (كمال الدين، صدوق، ۲۰۵)

«... حدثني أبو الطفيل [عامر بن واثلة] أنه رأى أبا ذر قائما عند باب الكعبة و هو ينادي: أيها الناس من عرفني فقد عرفني و من لم يعرفني فأنا جندب الغفاري صاحب رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم ألا إني أبو ذر؛ ألا إني سمعت رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم يقول:

مثل أهل بيتي فيكم مثل سفينة نوح من ركبها نجا و من تخلف عنها غرق ...» (مناقب الامام اميرالمومنين، محمد بن سليمان كوفى، ۱۲۶ / ۲)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

**رهنمودهای مدیریتی «مبتنی بر تبیین سوره حمد»
امت واحده اسلامی و امامت سیاسی واحد:**

❖ ملاکات شایستگی جانشینی پیامبر اسلام و رهبری معصومانه امت اسلام:

«منسوب از جانب خدا/ برترین در معنویت/ علم کامل به دین/ پهلوان امت!/ صاحب اعجاز/ وارث آثار نبوت/ هم سخن با ملائکه»

❖ «ان الله قد بعث لكم طالوت ملكا...؛ قال: ان الله اصطفيه عليكم و زاده بسطة في العلم و الجسم، ... ان اية ملكه ان يأتكم التابوت و فيه سكينه من ربكم و بقیة مما ترك آل موسى و آل هارون، تحمله الملائكة...» (بقره/ ۲۴۷-۲۴۸)

❖ امام زمان (ع) حلقه وصل میان خالق و مخلوق (ملک و ملکوت، زمین و آسمان، دنیا و آخرت):

• «الحمد لله رب العالمين ... مالک يوم الاديم؛ اياک نعبد و اياک نستعين؛ اهدنا الصراط المستقیم... و لا الضالين»

• «قال الإمام أبو محمد الحسن(ع)، قال أمير المؤمنين (ع): فاتحة الكتاب هذه أعطاها الله محمدا صلى الله عليه و آله و أمته؛

بدأ فيها بالحمد لله و الثناء عليه، ثم ثنى بالدعاء لله عز وجل؛ و لقد سمعت رسول الله صلى الله عليه و آله يقول :

قال الله عز وجل : **قسمت الحمد بيني و بين عبدي نصفين ، فنصفها لي ، و نصفها لعبدي ...**» (تفسیر منسوب به امام حسن عسکری، ۵۸)

«و حدثناه إسحاق بن إبراهيم الحنظلي أخبرنا سفيان بن عيينة عن العلاء عن أبيه عن أبي هريرة ... فقال ... فاني سمعت رسول الله صلى الله عليه و سلم يقول قال الله تعالى: **قسمت الصلاة بيني و بين عبدي نصفين ...** فإذا قال: **«إياك نعبد و إياك نستعين»** قال: **هذا بيني و بين عبدي...** فإذا قال: **«اهدنا الصراط المستقیم ...»** قال: **هذا لعبدي...**» (صحيح مسلم، ۹ / ۲)

• «... أَيْنَ وَجْهَ اللَّهِ الَّذِي إِلَيْهِ يَتَوَجَّهَ الْأَوْلِيَاءُ؛ أَيْنَ السَّبَبِ الْمُتَّصِلُ بَيْنَ الْأَرْضِ و السَّمَاءِ...» (مفاتيح الجنان، دعای ندبه)

➤ **نماز ویژه امام زمان(ع):**

• ۲ رکعت: در هر رکعت، ۱۰۰ مرتبه تکرار ایه «ایاک نعبد و ایاک نستعين» در سوره حمد، و... + ۱۰۰ مرتبه صلوات در سجده» (مفاتيح الجنان)

➤ **مدیریت و رهبری امام زمان(ع):**

• «و لقد سبقت كلمتنا لعبادنا المرسلين انهم لهم المنصورون و ان جندنا لهم الغالبون» (صافات/ ۱۷۱-۱۷۳)

• «...إِقَامَةً لِدِينِكَ و حُجَّةً عَلَى عِبَادِكَ و لِئَلَّا يَزُولَ الْحَقُّ عَنْ مَقَرِّهِ و يَغْلِبَ الْبَاطِلُ عَلَى أَهْلِهِ...» (مفاتيح الجنان، دعای ندبه)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

رهنمودهای مدیریتی «مبتنی بر تبیین سوره حمد»

❖ ملاکات شایستگی رهبری امت اسلام در دوره غیبت کبری:

➤ مشروعیت دینی

«علم به دین / تقوی / علم به زمان / شجاعت / فدرت تدبیر»

« ان الله يامرکم ان تؤدوا الامانات الی اهلها... » (نساء/ ۵۸)

➤ مقبولیت مردمی:

«و الذين استجابوا لربهم و اقاموا الصلوة و امرهم شوری بينهم و مما رزقناهم ینفقون...» (شوری/ ۲۸)

«لو لا حضور الحاضر و قیام الحجة بوجود الناصر...» علی (ع): (نهج / خطبه ۳)

❖ پیش بسوی رهبری واحد امت اسلامی:

➤ اتحادیه کشورهای اسلامی: وحدت در اقتصاد، سیاست، امنیت و ...

➤ نظام فدرالی مبتنی بر رای امت مسلمان و خبرگان رهبری

➤ مقام معظم رهبری، حائز بالاترین امتیاز صلاحیت رهبری در «مشروعیت دینی و مقبولیت مردمی»:

«ملاکات مشترک مکتب اهل البيت (ع) و مکتب اهل سنت»

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

رهنمودهای مدیریتی «مبتنی بر تبیین سوره حمد»

اصول بنیادین و سطوح وحدت اسلامی: (سطوح وحدت خانواده رحمانی):

«الرحمن علم القرآن؛ خلق الانسان؛ علمه البيان؛... و السماء رفعها و وضع الميزان؛ الا تطغوا فى الميزان؛... و الارض وضعها للانام...» (الرحمن/۱-۱۰)

❖ **اصول بنیادین وحدت میان امت اسلامی: (خانواده اسلامی):**

«انما المؤمنون اخوة؛ فاصلحوا بين اخويكم؛ و اتقوا الله لعلكم ترحمون» (حجرات/۱۰)

➤ **اصول وحدت با عموم شیعیان:**

رعایت حرمت «محکقات مسلمین (محکقات ۱۰ فرمان + محکقات دیگر) + «محکقات مکتب اهل البيت (ع)»

➤ **اصول وحدت با عموم مسلمین:**

رعایت حرمت «محکقات مسلمین (محکقات ۱۰ فرمان + محکقات دیگر)»، مبتنی بر «عدم تعرض به مقدسات خاص یکدیگر»

❖ **اصول بنیادین وحدت با اهل کتاب: (خانواده توحیدی)**

رعایت حرمت «محکقات ۱۰ فرمان» + «محکقات مشترک دیگر با اهل کتاب»، مبتنی بر «عدم تعرض دینی و سرزمینی»

«قل يا اهل الكتاب: تعالوا الى كلمة سواء بيننا و بينكم ان لانعبد الا الله و لا نشرك به شيئا و لا يتخذ بعضنا بعضا اربابا من دون الله...» (آل عمران/۶۴)

❖ **اصول بنیادین وحدت با بشریت: (خانواده بشری)**

«يا ايها الناس انا خلقناكم من ذكر و انثى و ... ان اكرمكم عند الله اتقيكم؛ ان الله عليم خبير» (حجرات/۱۳)

رعایت حرمت «محکقات حقوق و تکالیف بشری با محوریت محکقات مشترک ۱۰ فرمان»، مبتنی بر «عدم تعرض دینی و سرزمینی»

التزام به «عدالت محوری بر مبنای عقلانیت فطری»

«... و لايجرمنكم شأن قوم على الا تعدلوا؛ اعدلوا هو اقرب للتقوى؛ و اتقوا الله؛ ان الله خير بما تعملون» (مائده/۸)

«لاينهيكم الله عن الذين لم يقاتلوكم فى الدين و لم يخرجوكم من دياركم ان تبروهم و تقسطوا اليهم؛ ان الله يحب المقسطين» (ممتحنه/۸)

«ان الله يامر بالعدل و الاحسان و ايتاء ذى القربى؛ و ينهى عن الفحشاء و المنكر و البغى؛ يعظكم لعلكم تذكرون» (نحل/۹۰)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

رهنمودهای مدیریتی «مبتنی بر تبیین سوره حمد»

■ مدیریت رحمانی و آسیب شناسی امت واحده (خانواده رحمانی):

«... غیر المغضوب عليهم و لا الضالین» (حمد/۷)

❖ جریان های معارض امت واحده:

➤ گروه «مغضوبین» (عالمان حق پوش، شبهه افکنان معاند، منافقین، کفار معاند، ستمگران، مرتکبین و مروجین فحشاء، و...):

✓ مصادیق: «ابلیس، سامری، بلعم باعورا، قوم عاد و ثمود، فرعون، هامان، قارون، و...»

«... و إِنْ يَدْعُونَ إِلَّا شَيْطَانًا مَّرِيدًا؛ لَعْنَةُ اللَّهِ ...» (نساء/۱۱۷-۱۱۸) / «... وَ اتَّبِعُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَةً وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ...» (هود/۶۰)

إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَ الْهُدَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَٰئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَ يَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ» (بقره/۱۵۹)

«فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا... ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ» (آل عمران/۶۱)

«وَ الَّذِينَ يُحَاجُّونَ فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا اسْتُجِيبَ لَهُ حُجَّتُهُمْ دَاحِضَةً عِنْدَ رَبِّهِمْ وَ عَلَيْهِمْ غَضَبٌ وَ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ» (شوری/۱۶)

«وَ اتَّبِعُوا فِي هَذِهِ لَعْنَةً وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَنْسِ الرَّفْدُ الْمَرْفُودُ» (هود/۹۹) / «... فَبَاءُوا بِغَضَبٍ عَلَى غَضَبٍ وَ لِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ مُهِينٌ» (بقره/۹۰)

«... وَ لَكِنْ مَنْ شَرَحَ بِالْكَفْرِ صَدْرًا فَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ مِنَ اللَّهِ وَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (نحل/۱۰۶)

«وَ الْخَامِسَةُ أَنَّ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنْ كَانَ مِنَ الْكَاذِبِينَ ... وَ الْخَامِسَةُ أَنَّ غَضَبَ اللَّهِ عَلَيْهَا إِنْ كَانَ مِنَ الصَّادِقِينَ» (نور/۷ و ۹)

«فَإِذَنْ مُؤَدِّنُ بَيْنَهُمْ أَنْ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ؛ الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا وَهُمْ بِالْآخِرَةِ كَافِرُونَ» (اعراف/۲۴-۲۵)

✓ وضعیت باطنی: بیماران لاعلاج، مردگان (کوران، کران و لال ها) در قبر!:

«فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا وَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ» (بقره/۱۰)

«صم بكم عمى فهم لا يرجعون»؛ «صم بكم عمى؛ فهم لا يعقلون» (بقره/۱۸ و ۱۷) / «انك لاتسمع الموتى» (نمل/۸۰؛ روم/۵۲)

«و ما انت بمسمع من فى القبور» (فاطر/۲۲)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

رهنمودهای مدیریتی «مبتنی بر تبیین سوره حمد»

➤ اقسام جماعت «ضالین»:

✓ راه گم کردگان حق طلب:

«قَالَ لَنْ لَمْ يَهْدِنِي رَبِّي لَأَكُونَنَّ مِنَ الْقَوْمِ الضَّالِّينَ» (انعام/۷۷) / «قَالَ فَعَلَّهَا إِذَا وَأَنَا مِنَ الضَّالِّينَ» (شعراء/۲۰) / «وَمَنْ يُؤْمِن بِاللَّهِ يَهْدِ اللَّهُ قَلْبَهُ» (تغابن/)

✓ گمراهان آلوده: «فی قلوبهم مرض»:

«فَتَرَى الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يُسَارِعُونَ فِيهِمْ يَقُولُونَ نَخْشَى أَنْ تُصِيبَنَا دَائِرَةٌ»

فَعَسَى اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَ بِالْفَتْحِ أَوْ أَمْرٍ مِنْ عِنْدِهِ فَيُصْبِحُوا عَلَى مَا أَسْرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ نَادِمِينَ» (مائده/۵۲)

«وَأَغْرُ لِأَبِي إِنَّهُ كَانَ مِنَ الضَّالِّينَ» (شعراء/۸۶) / «لَنْ لَمْ يَنْتَه الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ، وَالْمُرْجِفُونَ...» (احزاب/۴۰)

«إِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ غَرَّ هَوَاءٌ دِينَهُمْ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (انفال/ ۴۹)

«و إِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا» (احزاب/۱۲)

«وَيَقُولُ الَّذِينَ آمَنُوا لَوْلَا نُزِّلَتْ سُورَةٌ فَإِذَا أُنزِلَتْ سُورَةٌ... وَ ذَكَرَ فِيهَا الْقِتَالَ رَأَيْتَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ نَظَرَ الْمَغْشِيِّ عَلَيْهِ... فَأُولَى لَهُمْ (محمد/ ۲۰)

«...اذا تمنى الفى الشيطان فى امنيته... لِيَجْعَلَ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ فِتْنَةً لِلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمْ وَإِنَّ الظَّالِمِينَ لَفِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ» (حج/۵۲-۵۳)

الف. کران نغرت زده:

«گنهکاران معتاد/گنهکاران جو زده/گنهکاران صدمه خورده از بعضی متدینین»:

«و جَاءَهُ قَوْمُهُ يُهْرَعُونَ إِلَيْهِ وَمِنْ قَبْلُ كَانُوا يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ» (هود/۷۸) / «... و لا تسمع الصم الدعاء اذا ولوا مدبرين؛ (روم/۵۲)

«انهم أَلْفُوا آبَاءَهُمْ ضَالِّينَ؛ فَهُمْ عَلَى آثَارِهِمْ يُهْرَعُونَ» (صافات/۶۹-۷۰)

ب. کوران گرفتار:

«گنهکاران معتاد/گنهکاران جو زده/گنهکاران هم مشرب با مسلمان نماها»:

«و ما انت بهادى العمى عن ضلالتهم...» (روم/۵۳)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

رهنمودهای مدیریتی «مبتنی بر تبیین سوره حمد»

➤ **مدیریت رحمانی و آسیب شناسی امت واحده (خانواده رحمانی):**

❖ **تبعات خطرناک و هول انگیز تفرقه:**

«و لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (آل عمران / ۱۰۵)

➤ **نماد شرک عملی و کفر به آخرت، و ملازم ریاکاری، بخل و خشونت اجتماعی:**

«...منیبین الیه و اتقوه و اقیموا الصلوة و لا تكونوا من المشرکین؛ من الذین فرقوا دینهم و كانوا شیعا؛ کل حزب بما لديهم فرحون» (روم / ۲۱-۲۲)

«... انما الهکم اله واحد؛ فاستقیموا الیه و استغفروه؛ و ویل للمشرکین الذین لایؤتون الزکوة و هم بالآخرة هم کافرون» (فصلت ۶-۷)

«ارایت الذی یکذب بالذین فذلک الذی یدع الیتیم و لا یحض علی طعام المسکین؛ فویل للمصلین... و الذینهم یراؤون و یمنعون الماعون» (ماعون / ۱-۷)

➤ **از دست رفتن ابرو و عزت اجتماعی:**

«و أَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ و لا تنازعوا فتفشلوا و تذهب ریحکم و اصبروا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (انفال / ۲۶)

➤ **فرو غلطیدن در گرداب تباهی اهداف و برنامه های متعالی انسانی الهی:**

«ان هذه امتکم امة واحده و انا ربکم فاتقون؛ فتقطعوا امرهم بینهم زیرا؛ کل حزب بما لديهم فرحون؛ فذرهم فی غمرتهم حتی حین!» (مومنون / ۵۲-۵۴)

➤ **نابودی منابع قدرت و امنیت اجتماعی و حیثیت اخلاقی و ناموسی:**

«ان فرعون علا فی الارض و جعل اهلها شیعا؛ یتضعف طائفة منهم؛ یذبح ابناءهم و یتحی نساءهم؛ انه کان من المفسدین» (قصص / ۴)

➤ **از دست رفتن هویت انسانی الهی، و اسارت در بند و بندگی فراعنه گردنکش:**

«فاستخف قومه فاطاعوه؛ انهم كانوا قوما فاسقین» (زخرف / ۵۴)

... ➤

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

رهنمودهای مدیریتی «مبتنی بر تبیین سوره حمد»

❖ آسیب شناسی امت واحده اسلامی (خانواده اسلامی):

➤ وضعیت عموم مسلمین:

«و لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ» (بقره/ ۲۴۳؛ یوسف/ ۳۸؛ غافر/ ۶۱) / «و لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» (اعراف/ ۱۸۷؛ یوسف/ ۲۱، ۴۰، ۶۸، نحل/ ۳۸؛ روم/ ۳۰ و ۳۱؛ سبأ/ ۲۸ و ۲۹؛ غافر/ ۵۷؛ جاثیه/ ۲۶) / «و لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ» (هود/ ۱۷، رعد/ ۱؛ غافر/ ۵۹) / «بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ» (عنکبوت/ ۶۳؛ حجرات/ ۲)

• جهل به دین و بی خبری اکثریت از عقاید مشترک مذاهب یکدیگر

• گرفتار اقسام تعصبات قومی مذهبی

• کثرت محرومیت از الگوهای راهبر و حدتگرا

• ضعف تقید اعتقادی رفتاری اکثریت مسلمین

«الی الله اشکو من معشر يعيشون جهالا و يموتون ضلالا» (نهج/ خطبه ۱۷)

➤ وضعیت اکثریت سران و رهبران مسلمین:

• ضعف مشورت، و شیوع استبداد رأی

• ضعف تقید دینی و عملی اکثر سیاستمداران مسلمان

• حزب گرایی و غلبه گرایش های ملی مذهبی، بر شمول گرایی اسلامی در اکثریت رهبران

• سیطره نظام های سکولار در اکثر کشورهای مسلمان

• وابستگی و یا انفعال اکثریت علمای مسلمان در نظام های مسلمان سکولار

• وابستگی اکثر نظام های مسلمین به قدرت های جهانی غیر مسلمان

❖ راهبرد بصیرت دهی و اصلاح مبتنی بر قسط و عدل در دفع آسیبها، با حفظ هویت و حیثیت خانواده اسلامی:

«قل هذه سبيلي؛ ادعوا الى الله على بصيرة انا و من اتبعني؛ سبحان الله و ما انا من المشركين» (يوسف/ ۱۰۸)
«و ان طائفتان من المؤمنين اقاتلوا فاصلحوا بينهما؛ فان بغت احديهما على الاخرى فقاتلوا التي تبغى حتى تغىء الى امر الله؛ فان فاءت فاصلحوا بينهما بالعدل و اقسطوا؛ ان الله يحب المقسطين؛ انما المؤمنون اخوة فاصلحوا بين اخويكم...» (حجرات/ ۹-۱۰)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

**رهنمودهای مدیریتی «مبتنی بر تبیین سوره حمد»
❖ آسیب شناسی امت واحده توحیدی: (خانواده توحیدی)**

➤ وضعیت روان شناختی و جامعه شناختی یهود:

«جریان فرهنگ جمود فکری/دنیاگرایی شدید/استکبار و گردنکشی/ نژادپرستی شدید و نفی مسئولیت فرا نژادی!»

«لتجدن اشد الناس عداوة للذين آمنوا اليهود و الذين اشركوا؛ ...» (مائده/۸۲)

«...و منهم ان تَأْمَنَهُ بَدِينَارٍ لَا يُؤَدُّهُ إِلَيْكَ إِلَّا مَا دُمْتَ عَلَيْهِ فَإِمَّا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَيْسَ عَلَيْنَا فِي الْأُمِّيْنَ سَبِيلٌ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبُ...» (آل عمران/۷۵)

➤ وضعیت روان شناختی و جامعه شناختی مسیحیت:

«جریان فرهنگ حقیقت جویی/دنیا گریزی/تواضع و فروتنی»

«... و لتجدن اقربهم مودة للذين آمنوا الذين قالوا انا نصارى؛ ذلك بان منهم قسيسين و رهبانا و انهم لايسنكبرون» (مائده/۸۲)

«و من اهل الكتاب من ان تَأْمَنَهُ بِقِنطَارٍ يُؤَدُّهُ إِلَيْكَ و ...» (آل عمران/۷۵)

➤ عملکرد اکثریت سران و رهبران یهود و مسیحیت:

«ازار فراوان اهل ایمان/کتمان حقیقت/حسادت شدید!/شبهه افکنی/توطئه جنگ مذهبی و تلاش بر ارتداد مسلمین»:

«... مِنْهُمْ الْمُؤْمِنُونَ و أَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ» (آل عمران/۱۱۰)

«... و لتسمعن من الذين اتوا الكتاب من قبلكم و الذين اشركوا اذى كثيرا و ان تصبروا و تتقوا؛ فان ذلك من عزم الامور» (آل عمران/۱۸۶)

«يَا اَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَلْبِسُونَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ و تَكْتُمُونَ الْحَقَّ و انتم تعلمون» (آل عمران/۷۱)

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ان تَطِيعُوا فَرِيقًا مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ يَرُدُّوكُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ كَافِرِينَ» (آل عمران/ ۱۰۰)

«وَدَّ كَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّوكُمْ مِّنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا حَسَدًا مِّنْ عِنْدِ أَنفُسِهِمْ مِّنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ فَاعْفُوا و اصْفَحُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (بقره/۱۰۹)

« قالت اليهود ... كلما اوقدوا نارا للحرب اطفاها الله؛ و يسعون فى الارض فسادا؛ و الله لايجب المفسدين» (مائده/۶۴)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

رهنمودهای مدیریتی «مبتنی بر تبیین سوره حمد»

❖ آسیب شناسی امت واحده بشری: (خانواده بشری):

➤ «عدم تمایل سران کفر و شرک به هرگونه پیشرفت نظام اسلامی:

«مَا يَودُّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَ لَا الْمُشْرِكِينَ أَنْ يُنَزَّلَ عَلَيْكُمْ مِنْ خَيْرٍ مِنْ رَبِّكُمْ؛ ...» (بقره/ ۱۰۵)

➤ عدم التزام به پیمانها و تعهدات:

« لَا يَرْقُبُونَ فِي مُؤْمِنٍ إِلَّا وَ لَا ذِمَّةً وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُعْتَدُونَ » (توبه/ ۱۰)

➤ فتنه گری و ترور، جنگ مستمر تا ارتداد امت مسلمان:

«... وَ الْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ وَ لَا يَزَالُونَ يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ إِنِ اسْتِطَاعُوا؛ ...» (بقره/ ۲۱۷)

➤ تظاهر به جهل و بی خبری به حقوق و تکالیف:

«... وَ لَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ يَجْهَلُونَ» (انعام/ ۱۱۱)

➤ عادت به شکستن حدود و ضوابط انسانی و الهی:

نَلِكَ الْفُرَى نَقْصٌ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَائِهَا وَ لَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا بِمَا كَذَّبُوا مِنْ قَبْلُ كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِ الْكَافِرِينَ؛

وَ مَا وَجَدْنَا لِأَكْثَرِهِمْ مِنْ عَهْدٍ وَ إِنْ وَجَدْنَا أَكْثَرَهُمْ لَفَاسِقِينَ» (اعراف/ ۱۰۱-۱۰۲)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

رهنمودهای مدیریتی «مبتنی بر تبیین سوره حمد»

❖ راهبرد مدیریت رحمانی در مقابل فتنه گری و شیطنت زورگویان عالم:

➤ آمادگی همه جانبه برای دفع آسیب دشمنان (خصوصا آمادگی نظامی):

«آمادگی نظامی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی برای دفع تهدید و تهاجم دشمنان آشکار و پنهان»:

«و اعدوا لهم ما استطعتم من قوة و من رباط الخيل؛ ترهبون به عدو الله و عدوكم و آخرین من دونهم لا تعلمونهم و الله يعلمهم؛

و ما تنفقوا من شىء فى سبيل الله يوف اليكم و انتم لا تظلمون» (انفال/۶۰)

«و ان نكثوا ايمانهم من بعد عهدهم و طعنوا فى دينكم فقاتلوا ائمة الكفر؛ انهم لا ايمان لهم لعلهم ينتهون» (توبه/۱۲)

«و قاتلوهم حتى لا تكون فتنه و يكون الدين لله فان انتهوا فلا عدوان الا على الظالمين» (بقره/۱۹۲)

«و قاتلوهم حتى لا تكون فتنه و يكون الدين كله لله فان انتهوا فان الله بما تعملون بصير» (انفال/۲۹)

«عدة من أصحابنا، عن أحمد بن محمد، عن علي بن الحكم، عن عمر بن أبان، عن أبي عبد الله (ع) قال: قال رسول الله صلى الله عليه و آله :

الخير كله في السيف و تحت ظل السيف و لا يقيم الناس إلا السيف و السيوف مقاليد الجنة و النار» (كافى، كلينى ، ۵ / ۲)

«أحمد بن محمد بن سعيد، عن جعفر بن عبد الله العلوي، وأحمد بن محمد الكوفي، عن علي بن العباس، عن إسماعيل بن إسحاق جميعا، عن أبي روح فرج بن قره، عن مسعدة بن صدقة قال: حدثني ابن أبي ليلى، عن أبي عبد الرحمن السلمى قال: قال

أمير المؤمنين صلوات الله عليه: أما بعد **فإن الجهاد باب من أبواب الجنة**، فتحه الله لخاصة أوليائه و سوغهم كرامة منه لهم و نعمة ذخرها، و الجهاد هو لباس التقوى و درع الله الحصينة و جنته الوثيقة، فمن تركه رغبة عنه ألبسه الله ثوب الذل و شمله البلاء؛ و فارق الرضا و ديث بالصغار و القماءة، و ضرب على قلبه بالأسداد و أدب الحق منه بتضييع الجهاد و سئم الخسف و منع النصف،...:

اغزوهم قبل أن يغزوكم فوالله ما غزي قوم قط في عقر دارهم إلا ذلوا،... و قد بلغني أن الرجل منهم كان يدخل على المرأة المسلمة و الأخرى المعاهدة، فينتزع حجلها و قلبها و قلائدها و رعاثها ما تمنع منه إلا بالاسترجاع و الاسترحام، ثم انصرفوا وافرین ما نال رجلا منهم كلم و لا أريق له دم؛ **فلو أن امرءا مسلما مات من بعد هذا أسفا ما كان به ملوما بل كان عندي به جديرا»** (كافى، كلينى ، ۵ / ۵)

➤ **حمايت از مظلومان ناتوان طالب نجات به قدر توان:**

«و ما لكم لا تقاتلون فى سبيل الله و المستضعفين من الرجال و النساء و الولدان الذين يقولون ربنا اخرجنا من هذه القرية الظالم اهلها...» (نساء/۷۵)

«لايكلف الله نفسا الا وسعها...» (بقره/۲۸۶)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

رهنمودهای مدیریتی «مبتنی بر تبیین سوره حمد»

► ایرانیان و محور وحدت اسلامی:

❖ پرچمداری قرآن و عترت در آخر الزمان:

- يا ايها الذين امنوا من یرتد منكم عن دينه، فسوف يأتي الله بقوم يحبهم و يحبونه اذلة على المومنين اعزة على الكافرين يجاهدون في سبيل الله لا يخافون لومة لائم؛ ذلك فضل الله يؤتيه من يشاء و الله واسع عليم؛
- انما وليكم الله و رسوله و الذين آمنوا ... و هم راکعون؛ و من يتول الله و رسوله و الذين آمنوا **فان حزب الله هم الغالبون**» (مائده/۵۴-۵۶)
- «... فان يكفر بها هؤلاء، **فقد وكلنا بها قوما ليسوا بها بكافرين**» (انعام/۸۹) / «و ان تتولوا **يستبدل قوما غيركم** ثم لا يكونوا امثالكم» (محمد/۲۸)
- هو الذي بعث في الاميين رسولا منهم، يتلوا عليهم آياته و ... و **آخرين منهم لما يلحقوا بهم** و هو العزيز الحكيم؛
- ذلك فضل الله يؤتيه من يشاء و الله ذو الفضل العظيم» (جمعه/۲-۳)
- «و روى أن النبي صلى الله عليه و آله سئل عن هذه الآية (مائده/۵۴)، فـضرب بيده على عاتق سلمان فقال هذا و ذوهه ، ثم قال:
- **لو كان الدين معلقا بالثريا لناله رجال من أبناء فارس**» (نور الثقلين، ۱ / ۶۲۲)
- «أخرج سعيد بن منصور وابن جرير و ابن المنذر و ابن أبي حاتم و ابن مردويه عن أبي هريرة رضي الله عنه قال لما نزلت «و ان تتولوا **يستبدل قوما غيركم** (محمد/۲۸)؛ قيل: **من هؤلاء؟** و سلمان رضي الله عنه إلى جنب النبي صلى الله عليه و سلم؛
- فقال(ص): **هم الفرس؛ و هذا و قومه**» (الدرالمنثور ، ۶ / ۶۷) و أخرج عبد الرزاق و عبد بن حميد و الترمذي و ابن جرير و ابن أبي حاتم و الطبراني في الأوسط و البيهقي في الدلائل عن أبي هريرة رضي الله عنه قال تلا رسول الله صلى الله عليه و سلم هذه الآية: «و ان تتولوا **يستبدل قوما غيركم** ثم لا يكونوا أمثالكم» (محمد/۲۸)
- فقالوا: يا رسول الله؛ من هؤلاء الذين ان تولينا استبدلوا بنا ثم لا يكونوا أمثالنا ؟
- فـضرب رسول الله صلى الله عليه و سلم على منكب سلمان ثم قال(ص):
- **هذا و قومه؛ و الذي نفسي بيده لو كان الايمان منوطا بالثريا لتناوله رجال من فارس**» (الدرالمنثور ، ۶ / ۶۷)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

رهنمودهای مدیریتی «مبتنی بر تبیین سوره حمد»

و أخرج ابن مردويه عن جابر رضي الله عنه ان النبي صلى الله عليه وسلم تلا هذه الآية: «و ان تتولوا يستبدل قوما غيركم...» (محمد/٢٨):

• فسئل «من هم؟ قال(ص): **فارس؛ لو كان الدين بالثريا لتناوله رجال من فارس**» (الدرالمنثور، ٦ / ٤٧)

• و أخرج سعيد بن منصور و البخاري و مسلم و الترمذي و النسائي و ابن جرير و ابن المنذر و ابن مردويه و أبو نعيم و البيهقي معا في الدلائل عن أبي هريرة قال كنا جلوسا عند النبي صلى الله عليه و سلم حين أنزلت سورة الجمعة فتلاها فلما بلغ «**و آخرين منهم لما يلحقوا بهم**» (جمعه/٣) قال له رجل: يا رسول الله من هؤلاء الذين لم يلحقوا بنا ؟ فوضع يده على رأس سلمان الفارسي و قال(ص):

و الذي نفسي بيده **لو كان الايمان بالثريا لناله رجال من هؤلاء**» (الدر المنثور، ٦ / ٢١٥)

• و أخرج سعيد بن منصور و ابن مردويه عن قيس بن سعد بن عبادة ان رسول الله صلى الله عليه و سلم قال:

«**لو أن الايمان بالثريا لناله رجال من أهل فارس**» (الدر المنثور، ٦ / ٢١٥)

❖ پرچمداری علم در آخر الزمان:

• «... عن جعفر عن أبيه (ع) أن رسول الله (ص)، قال: **لو كان العلم منوطا بالثريا لتناوله رجال من فارس**» (قرب الإسناد، ؛ بحار الانوار، ١ / ١٩٥)

• حدثنا عبد الله حدثني أبي، ثنا عبد الوهاب بن عطاء، ثنا عوف عن شهر بن حوشب قال: قال أبو هريرة:

قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: **لو كان العلم بالثريا لتناوله ناس من أبناء فارس**» (مسند احمد، ٢ / ٢٢٠؛ جامع الصغير، السيوطي، ٢ / ٢٢٢؛ كنز العمال، ١١ / ٤٩١؛ ح ٣٣٢٤٣، ١٢ / ٩١، ح ٣٤١٣١)

• أخبرنا أحمد بن يحيى شعبة البصري في كتابه ثنا يعقوب بن غيلان ثنا محمد بن الصباح عن سفيان بن عيينة عن عبد الرحمن بن القاسم عن أبيه عن عائشة أن النبي (ص) قال: **لو كان العلم معلقا بالثريا لناله ناس من أبناء فارس**» (ذكر اخبار اصبهان، ابو نعيم اصبهاني، ١ / ٨)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«مبتنی بر تبیین سوره حمد»

► دو فتنه جهانی یهود، و رسالت ایرانیان در آزادی قدس، و بستر سازی حکومت جهانی امام زمان (ع):

❖ دو فتنه جهانی آخر زمانی یهود:

• «و قضینا الی بنی اسرائیل فی الکتاب: لتفسدون فی الارض مرتین و لتعلن علوا کبیرا» (اسراء/۴)

➤ ویژگی های مشترک دو فتنه:

فتنه: جهانی / فتنه گر: قوم یهود / مرکز فتنه: فلسطین / سرکوبگر فتنه: فداییان سلحشور اسلام (عبادا لنا اولی باس شدید)

➤ فتنه جهانی اول یهود و رسالت ایرانیان در سرکوبی آن و بستر سازی ظهور (رفع مانع ظهور):

«فاذا جاء وعد اولیهما، بعثنا علیکم عبادا لنا اولی باس شدید فجاسوا خلال الدیار و کان وعدا مفعولا» (اسراء/۵)

• «عن بعض أصحابنا (قال): کنت عند أبي عبد الله (ع) جالسا إذ قرأ هذه الآية:

«فاذا جاء وعد اولاهما بعثنا علیکم عبادا لنا اولی باس شدید، فجاسوا خلال الدیار وکان وعدا مفعولا»

فقلنا: جعلنا فداک، من هؤلاء؟ فقال: ثلاث مرات: هم و الله اهل قم!» (بحار الانوار، ۶۰ / ۲۱۶) .

➤ فتنه جهانی دوم یهود، و سرکوبی آن به رهبری بی واسطه امام زمان (ع):

«ثم ردنا لکم الکره علیهم؛ و امددناکم باموال و بنین و جعلناکم اکثر نفیرا؛ ...

فاذا جاء وعد الآخرة ليسؤوا وجوهکم و لیدخلوا المسجد كما دخلوه اول مرة و لیتبروا ما علوا تتبیرا...» (اسراء/۶-۷)

• عن حمران ، عن أبي جعفر عليه السلام قال كان یقرأ: " بعثنا علیکم عبادا لنا اولی باس شدید "

ثم قال : و هو القائم (ع) و أصحابه اولی باس شدید» (تفسیر العیاشی، ؛ بحار الانوار، ج ۵۱ ص ۵۷)

• «اللهم إنا نرغب إلیک فی دولة کریمة، تعز بها الاسلام و أهله، و تذلل بها النفاق و أهله، و تجعلنا فیها من الدعاة إلی طاعتک و القادة إلی سبیلک، و ترزقنا بها کرامة الدنيا و الآخرة» امام باقر(ع): دعا در خطبه نماز جمعه: (کافی، ۲ / ۲۲۴)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«مبتنی بر تبیین سوره حمد»: ویژگی های مدیر رحمانی

❖ **عباد الرحمن، و امام المتقین (مدیران و رهبران فرشته خوی، الگوی پیروان اهل تقوی):**

«و عباد الرحمن ... و اجعلنا للمتقین اماما» (فرقان/۶۳) / «وَجَعَلُوا الْمَلَائِكَةَ الَّذِينَ هُمْ عِبَادُ الرَّحْمَنِ ...» (زخرف/۱۹)

❖ **افتاده احوالی:**

«و عباد الرحمن الذين يمشون على الارض هونا» (فرقان/۶۳)

❖ **مدارا با جاهلان...:**

«و اذا خاطبهم الجاهلون قالوا سلاما»

❖ **اهل خلوت با خود و خدا: تهجد و شب زنده داری:**

«و الذين يبيتون لربهم سجدا و قياما»

❖ **یاد آخرت و نگران از عواقب عملکرد های خود:**

«و الذين يقولون ربنا اصرف عنا عذاب جهنم؛ ان عذابها كان غراما؛ انها ساءت مستقرا و مقاما»

❖ **اعتدال در رسیدگی به احوال نیازمندان:**

«و الذين اذا انفقوا لم يسرفوا و لم یقتروا و كان بین ذلك قواما»

❖ **مصون از شرک و قتل و فحشاء و شهادت ناحق و امور بیهوده و جاهلانه:**

«و الذين لا يدعون مع الله الها اخر؛ و لا يقتلون النفس التي حرم الله الا بالحق و لا یزنون؛ و من یفعل ذلك یلق اثاما؛ یضاعف لها العذاب یوم القیمة و یخلد فیها مقاما... و الذين لا یشهدون الزور؛... و اذا مروا باللغو مروا کراما»

❖ **متذکر به آیات قرآن کریم و نظام تکوین:**

«و الذين اذا ذکروا بآیات ربهم لم یخروا علیها صما و عمیانا»

❖ **دغدغه مند رشد و صلاح خانواده؛ و طالب توفیق هدایت و رهبری اهل تقوی:**

«و الذين یقولون ربنا هب لنا من ازواجنا و ذریاتنا قره اعین و اجعلنا للمتقین اماما» (فرقان/۷۴)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«مبتنی بر تبیین سوره حمد»: ویژگی های مدیر رحمانی

❖ **یاد آخرت و سنت موکد اضطجاع (ذکر خدا، قبل از اذان صبح، خوابیده به حالت میت در قبرا!):**

(تمرین امادگی مواجهه صاحبان قدرت با مرگ و حسابرسی هولناک عالم قبر و قیامت):

از عوامل یاد آخرت:

استمرار در «خلوت با خود و خدا، انس با نماز و قرآن، انس با اهل آخرت، زیارت اهل قبور، رسیدگی به احوال فقرا و مساکین و ...»

«فذكر بالقرآن من يخاف وعيد» (ق/ /) «يا ايها الانسان انك كادح الى ربك ... فلا اقسم بالشفق و الليل و ما وسق ... لتركن طبعا عن طبق...» (انشقاق/ ۶-۱۹)

«اذكروا هادم اللذات» على (ع): (عيون الحكم، ۸۸) / «تجهزوا رحمكم الله فقد نودي فيكم بالرحيل» (نهج، خ/ ۲۰۴) / «كيف غفلتكم عما لا يغفلكم» (نهج/)

«باسناده عن علي (ع): ان رسول الله صلى الله عليه و آله كان إذا صلى ركعتين قبل صلاة الغداة اضطجع على شقه الأيمن و جعل يده اليمنى تحت خده اليمنى ثم قال: استمسكت بالعروة (بعروة الله - خ) الوثقى التي لا انفصام لها و استعصمت بحبل الله المتين أعوذ بالله من فورة العرب و العجم و أعوذ بالله من شر شياطين الانس و الجن توكلت على الله طلبت حاجتي من الله حسبي الله و نعم الوكيل لا حول و لا قوة الا بالله العلي العظيم». (الجعفریات ۳)

«الحسين بن سعيد عن فضالة عن حسين بن عثمان عن ابن مسكان و محمد بن سنان عن ابن مسكان عن سليمان بن خالد قال: سئلته عما أقول إذا اضطجعت على يميني بعد ركعتي الفجر فقال أبو عبد الله عليه السلام:

اقرأ **الخمسة آيات التي في آخر آل عمران إلى أنك لا تخلف الميعاد** و قل استمسكت (استمسك - يب ط) بعروة الله الوثقى التي لا انفصام لها و اعتصمت بحبل الله المتين و أعوذ بالله من شر فسقة العرب و العجم آمنت بالله توكلت على الله الجأت ظهري إلى الله و فوضت امرى إلى الله و من يتوكل على الله فهو حسبه ان الله بالغ امره قد جعل الله لكل شئ قدرا حسبي الله و نعم الوكيل . اللهم من أصبحت حاجته إلى مخلوق فان حاجتي و رغبتى إليك الحمد لرب الصباح الحمد لخالق الاصباح ثلثا». (التهديب، ۲/ ۱۳۶)

«عن أبي عبد الله (ع) انه إذا صلى ركعتي الفجر و كان لا يصليهما حتى يطلع الفجر يتكى على جانبه الأيمن ثم يضع يده اليمنى تحت خده الأيمن يستقبل القبلة ، ثم يقول استمسكت بعروة الله الوثقى التي لا انفصام لها و اعتصمت بحبل الله المتين أعوذ بالله من شر شياطين الانس و الجن؛ أعوذ بالله من شر فسقة العرب و العجم حسبي الله توكلت على الله الجأت ظهري إلى الله طلبت حاجتي من الله لا حول و لا قوة الا بالله؛

اللهم اجعل لي نورا في قلبي و نورا في سمعي و نورا في بصري و نورا في لساني و نورا في شعري و نورا في بشرى و نورا في لحمى و نورا في دمي و نورا في عظامي و نورا في عصبي و نورا من بين يدي و نورا من خلفي و نورا عن يميني و نورا عن يساري و نورا من فوقى و نورا من تحتي . اللهم عظم لي نورا و نعمة و سرورا ثم يقرء **خمسة آيات من آخر آل عمران** ان في خلق السماوات و الأرض إلى قوله انك لا تخلف الميعاد ثم يقول سبحان رب الصباح و خالق الاصباح و جاعل الليل سكنا و الشمس و القمر حسباننا ثلثا؛ اللهم اجعل أول يومى هذا صلاحا و أوسطه فلاحا و آخره نجاحا اللهم من أصبح و حاجته و طلبته إلى مخلوق فان حاجتي و طلبتي إليك وحدك لا شريك لك؛ ثم يقرء **آية الكرسي و المعوذتين** و يقول **سبحان ربى العظيم و بحمده استغفر الله و أتوب اليه** مئة مرة و كان يقول من قال هذا بنى الله له بيتا فى الجنة». (الدعائم، ۱/ ۱۶۶؛ جامع إحدیث، ۵/ ۲۲۳)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«مبتنی بر تبیین سوره حمد»: ویژگی های مدیر رحمانی

❖ **یاد آخرت و سنت موکد اضطجاع (ذکر خدا، قبل از اذان صبح، خوابیده به حالت میت در قبرا):**

(تمرین امامدگی مواجهه صاحبان قدرت با مرگ و حسابرسی هولناک عالم قبر و قیامت):

(القول في الضجعة بين ركعتي الفجر و ركعتي الغداة):

«اضطجع بين ركعتي الفجر و (ركعتي - خ) الغداة على يمينك مستقبل القبلة؛ و قل في ضجعتك:

«استمسك بعروة الله الوثقى التي لا انفصام لها و اعتصمت بحبل الله المتين و أعوذ بالله من شر فسقة الجن و الإنس؛ سبحان رب الصباح فالق الاصبح سبحان رب الصباح فالق الاصبح ثم يقول بسم الله وضعت جنبي لله فوضت امرى إلى الله اطلب حاجتي إلى الله توكلت على الله حسبي الله و نعم الوكيل و من يتوكل على الله فهو حسبه ان الله بالغ امره قد جعل الله لكل شئ قدرا اللهم و من أصبح و حاجته إلى مخلوق فان حاجتي و رغبتى إليك و تقرا خمس آيات من آخر آل عمران ان في خلق السماوات و الأرض إلى قوله انك لا تخلف الميعاد و صل على محمد و آل محمد مئة مرة فإنه روى ان من صلى على محمد و آل (آله - خ ل) محمد مئة مرة بين ركعتي الفجر و ركعتي الغداة وقى الله وجهه حر النار و من قال مئة مرة سبحان (الله - خ) ربي العظيم و بحمده استغفر الله ربي و أتوب اليه بنى الله له بيتا في الجنة و من فرأ احدى و عشرين مرة قل هو الله أحد بنى الله له بيتا في الجنة فان قرئها أربعين مرة غفر الله له». (الفقيه، ١/ ٤٩٢، ١٢٢٢)

«و لا بأس بان تصليهما (اي ركعتي الفجر) إذا بقي من الليل ربع و كلما قرب من الفجر كان أفضل ثم اضطجع على يمينك مستقبل القبلة و قل:

«استمسك (استمسكت - ك) بالعروة الوثقى التي لا انفصام لها و بحبل الله المتين و أعوذ بالله من شر فسقة الجن و الإنس اللهم رب الصباح و رب المساء فالق الاصبح سبحان الله رب الصباح و فالق الاصبح و جاعل الليل سكنا بسم الله فوضت امرى إلى الله و ألجأت ظهري إلى الله و اطلب حوائجي من الله توكلت على الله حسبي الله و نعم الوكيل و لا حول و لا قوة الا بالله العلى العظيم»

فإنه من قالها كفى ما أهمه ثم يقرأ خمس آيات من آخر آل عمران و يقل مئة مرة سبحان ربي العظيم و بحمده استغفر الله ربي و أتوب اليه مئة مرة فإنه من قالها بنى الله له بيتا في الجنة». (فقه الرضا، ١٢؛ جامع احاديث، ٥/ ٢٦١٧)

«باسناده عن علي بن جعفر عن أخيه موسى بن جعفر (ع) قال: سئلته عن الرجل: هل يصلح له ان يتكلم إذا سلم في الركعتين قبل الفجر قبل أن يضطجع على يمينه؟ قال(ع): نعم». (قرب الإسناد ٩١؛ جامع احاديث، ٥/ ح ٢٦١٩)

«محمد بن يعقوب عن علي بن محمد عن سهل بن زياد عن علي بن أسباط عن إبراهيم ابن أبي البلاد قال صليت خلف الرضا عليه السلام في المسجد الحرام صلاة الليل فلما فرغ جعل مكان الضجعة سجدة». (الكافي، ٣/ ٢٢٨؛ التهذيب، ٢/ ١٣٧؛ جامع احاديث، ٥/ ح ٢٦٢٠)

«محمد بن الحسين عن إبراهيم بن أبي البلاد قال صلى أبو الحسن الأول صلاة الليل في المسجد الحرام و انا خلفه فصلى الثمان و أوتر و صلى الركعتين ثم جعل مكان الضجعة سجدة». (قرب الإسناد، حميرى، ١٢٨)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«مبتنی بر تبیین سوره حمد»: ویژگی های مدیر رحمانی

❖ **یاد آخرت و سنت موکد اضطجاع (ذکر خدا، قبل از اذان صبح، خوابیده به حالت میت در قبرا):**

(تمرین امادگی مواجهه صاحبان قدرت با مرگ و حسابرسی هولناک عالم قبر و قیامت):

«محمد بن علي بن محبوب عن محمد بن عبد الحميد محمد بن عمر بن يزيد عن محمد بن عذافر عن عمر بن يزيد قال قال أبو عبد الله عليه السلام ان خفت الشهرة في التكاأة فقد يجزيك ان تضع يدك على الأرض و لا تضطجع و أوماً بأطراف أصابعه من كفه اليمنى فوضعها في الأرض قليلاً؛

و حكى أبو جعفر عليه السلام ذلك». (تهذيب ۲۲۲ - جامع احاديث، ۵ / ح ۳۶۲۲)

«احمد عن موسى بن القاسم و أبي قتادة عن علي بن جعفر عن أخيه موسى عليه السلام قال: **سئلته عن رجل نسي ان يضطجع على يمينه بعد ركعتي الفجر فذكر حين اخذ في الإقامة كيف يصنع؟** قال يقيم و يصلى و يدع ذلك فلا بأس».

(مسائل على بن جعفر، ۱۸۲؛ قرب الاسناد، ۲۲۲؛ التهذيب، ۲ / ۳۲۸؛ جامع احاديث، ۵ / ۲۴۶)

«علي بن جعفر في كتابه مثله بإسناده عن علي بن جعفر عن أخيه موسى بن جعفر (ع) مثله». (قرب الإسناد ۹۲؛ جامع احاديث، ۵ / ح ۳۶۲۲)

«و يستحبّ الضجعة بعد نافلة الفجر على الجانب الأيمن ، و الدعاء فيها بالمأثور للمستفيضة الخاصية و العامية».

(بهبهانی، وحید، مصابيح الظلام فی شرح مفاتيح الشرائع، ۲ / ۵۱۵)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«مدیریت رحمانی» و «عرش تدبیر و فرماندهی نظام عالم»

■ عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی:

- «إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُدِيرُ الْأَمْرَ...» (يونس/٣)
- «الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَىٰ» (طه/٥)

■ صفات عرش الهی: مجد، کرامت و عظمت:

- «فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ» (مومنون / ١١٦)
- «اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ» (نمل / ٢٦)
- «ذُو الْعَرْشِ الْمَجِيدُ؛ فَعَالٌ لِمَا يُرِيدُ» (بروج/١٥-١٦)

■ تسبیحات اربعه، چهار رکن عرش الهی، حاکم بر تارو پود عالم:

- «و روى عن الصادق عليه السلام انه سئل لم سميت الكعبة كعبة؟؛ قال (ع): لأنها مربعة؛ ف قيل له و لم صارت مربعة؟ قال(ع): لأنها بحذاء البيت المعمور و هو مربع؛ ف قيل له و لم صار البيت المعمور مربعاً؟ قال(ع): لأنه بحذاء العرش و هو مربع؛ ف قيل له و لم صار العرش مربعاً؟

قال(ع): لان الكلمات التي بنى عليها الاسلام أربع و هي: **سبحان الله و الحمد لله و لا إله إلا الله و الله أكبر**». (علل الشرايع، ٢ / ٢٩٨)

■ حقیقت تسبیحات اربعه، حاکم بر تارو پود «بینش، گرایش و رفتار» اهل ایمان:

- «تفسیر علی بن ابراهیم : ابي ، عن ابن ابي عمير ، عن جميل ، عن ابي عبد الله عليه السلام قال : قال: رسول الله صلى الله عليه و آله: لما أسري بي إلى السماء دخلت الجنة فرأيت فيها (قيعان و رايت فيها) ملائكة بينون لينة من ذهب و لينة من فضة و ربما أمسكوا؛ فقلت لهم: ما لكم ربما بنيتم و ربما أمسكتم؟ فقالوا: حتى تجيئنا النفقة، فقلت لهم : و ما نفقتكم؟ فقالوا: قول المؤمن في الدنيا: **سبحان الله و الحمد لله و لا إله إلا الله و الله أكبر**، فإذا قال، بنينا ، و إذا أمسك، أمسكنا!».

(بحار الانوار، ٨ / ١٢٢؛ حر عاملی، وسائل الشیعه، ٧ / ١٨٨، طوسی، امالی، ٤٧٢)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله: «مدیریت رحمانی» و «عرش تدبیر و فرماندهی نظام عالم»

مقدمه:

❖ «حاکمیت مطلق اراده الهی بر نظام خلقت»:

- «ذو العرش المجید فعال لما یرید» (بروج/۱۵-۱۶)
- «اذا قضی امرنا فانما یقول له کن فیکون» (بقره/۱۱۷؛ آل عمران/۴۷؛ مریم/۳۵)
- «إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ؛ فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ» (یس/۸۲-۸۳)

❖ فرایند حاکمیت اراده الهی بر فکر و اراده و عملکرد انسانی:

- «حاکمیت الهی بر اندیشه انسانی / بر شوق و اراده / بر قدرت عمل / بر توفیق عمل، و ضرورت اذن الهی»
- «یا ایها الذین آمنوا اسنجبوا لله و للرسول اذا دعاکم لما یحییکم؛ و اعلموا ان الله یحول بین المرء و قلبه و انه الیه تحشرون» (انفال/۲۴)
- «و ان یمسک الله بضر فلا کاشف له الا هو؛ و ان یمسک بخیر، فهو علی کل شیء قدیر» (انعام/۱۷)
- «و ما تشاؤون إلاّ ان یشاء الله ربّ العالمین» (تکویر /)

❖ عرصه های تجلی آشکار حاکمیت الهی در زندگی انسان:

- «عرفت الله سبحانه و تعالی بفسخ العزائم، و حل العقود، و نقض الهمم» (نهج، حکمت ۲۵۰)
- «عرف الله سبحانه و تعالی بفسخ العزائم و حل العقود و كشف الضر و البلیة عن اخلص له النیة» علی (ع): (عیون الحکم، واسطی، ۳۳۹)
- «حدّثنا أحمد بن هارون القاضي (الغامی)، و جعفر بن محمد ابن مسرور، قال: ... حدّثنا أحمد بن أبي عبد الله البرقي، عن أبيه، عن محمد بن أبي عمير، عن هشام بن سالم، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: سمعت أبي يحدث عن أبيه (عليه السلام): أن رجلا قام إلى أمير المؤمنين (عليه السلام) فقال له: يا أمير المؤمنين بما عرفت ربّك؟ قال (عليه السلام): بفسخ العزائم و نقض الهمم، لما أن هممت فحال بيني و بين همّي، و عزمت فخالف القضاء عزمي، فعلمت أنّ المدبّر غيري، ...» (خصال، صدوق، ۱/ ۱۲۲)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«مدیریت رحمانی» و «عرش تدبیر و فرماندهی نظام عالم»

از «صاحب نظران مدیریت»، چند پرسش مطرح می شود:

۱- در سازمانی که من، ظاهراً، مدیر آن هستم، «وجود نامرئی حیرت آوری» با خصوصیات ذیل حضور دارد:

➤ در همه بخشهای سازمان حضور دارد:

▪ «هو معکم اینما کنتم» (حدید /)

➤ بر همه سازمان اشراف اطلاعاتی دارد:

▪ «ألا إِنَّه بکلّ شیءٍ محیط» (فصلت / ۵۴)

➤ حتی در فکر و قلب من حضور دارد:

«نحن أقرب إلیه من حبل الوريد» (ق /)

➤ بدون اجازه اش، نه تنها حق، بلکه امکان هدفگذاری،... و تصمیم گیری در سازمان، برای من وجود ندارد:

▪ «إِنَّ الله یحول بین المرء و قلبه...» (انفال /)؛

▪ «و ما تشاؤون إلاّ أن یشاء الله ربّ العالمین» (تکویر /)

➤ بدون اجازه اش، حتی، امکان کسب قدرت ندارم؛ بلکه، جوانی، پیری، و مرگ و زندگی ام نیز، در اختیار اوست:

▪ «الله الذی خلقکم من ضعف؛ ثمّ جعل من بعد قوّة ضعفا...» (روم /)

▪ «کیف تکفرون بالله و کنتم امواتا فأحیاکم ثمّ یمیتکم ثمّ یحییکم؛ ثمّ إلیه ترجعون» (بقره /)

➤ او، در کتاب راهنمایش، از نوع مدیریت، علمکرد و توصیه هایش، سخن گفته، عمل بر طبق آن را، تاکید دارد:

▪ «لقد انزلنا الیکم کتابا فیه ذکرکم افلا تعقلون» (انبیاء /)

▪ «انا انزلنا الیک الكتاب بالحقّ لتحکم بین الناس بما اریک الله و لا تکن للخائنین خصیما» (نساء / ۱۰۵)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله: «مدیریت رحمانی» و «عرش تدبیر و فرماندهی نظام عالم»

➤ او از عواقب تخلف از دستور هایش، به من هشدار می دهد؛ و در مقابل، از غفران و رحمتش در صورت عذر خواهی و جبران، سخن می گوید:

▪ «نَبِّئْ عِبَادِي أَنِّي أَنَا الْغَفُورُ الرَّحِيمُ؛ وَأَنَّ عَذَابِي هُوَ الْعَذَابُ الْأَلِيمُ» (حجر/۴۹-۵۰)

➤ سبک برخوردش با من، شبیه ترکیبی از سبک های مدیریت و رهبری است:

از دستوری تا مشارکتی و تفویضی:

▪ «انما امره اذا اراد شيئا ان يقول له كن فيكون» (يس/۸۲) / «فعال لما يريد» (بروج/)

▪ «انا هديناه السبيل اما شاكرا و اما كفورا» (انسان/)

▪ «إِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنْكُمْ وَ لَا يَرْضَىٰ لِعِبَادِهِ الْكُفْرَ وَ إِن تَشْكُرُوا يَرْضَهُ لَكُمْ» (زمر/۷)

➤ به ظاهر، به من اجازه هدفگذاری، برنامه ریزی، سازماندهی، هدایت و رهبری، ... و نظارت و کنترل می دهد؛ لیکن با حضور و اشراف لحظه لحظه اش بر کار و وجود من، هر جا مصلحت ببیند، بدون اجازه ام، با اقتدار کامل، دخل و تصرف می کند و اراده اش را بر من و سازمانم حاکم می کند:

▪ «قل اللهم مالك الملك؛ تؤتي الملك من تشاء؛ و تنزع الملك ممن تشاء؛ و تعزّ من تشاء و تدلّ من تشاء...» (آل عمران/)

▪ «و ابتغ فيما آتاك الله الدار الآخرة؛ و لا تنس نصيبك من الدنيا؛ و أحسن كما أحسن الله إليك...» (قصص/)

▪ «ليس للإنسان إلا ما سعى...» (نجم/)

➤ «نحوه مدیریت او، با چگونگی بینش، گرایش، منش، و عملکرد من، ارتباط شدیدی دارد:

▪ «قل ما يعبؤا بكم ربّي لولا دعاؤكم؛ فقد كذبتم فسوف يكون لزاما» (فرقان/)

▪ «ادعوني استجب لكم؛ إنّ الذين يستكبرون عن عبادتي سيدخلون جهنم داخرين» (شوری/)

▪ «ما أصابكم من مصيبة فيما كسبت أيديكم و يعفو عن كثير» (شوری/)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله: «مدیریت رحمانی» و «عرش تدبیر و فرماندهی نظام عالم»

➤ او لحظه به لحظه مرا در مسیر رسیدن به اهداف متعالی سازمان و هدف نهایی خلافت و جانشینی خود در عالم، یاری می دهد:

«بسم الله الرحمن الرحيم» ... «ایاک نعبد و ایاک نستعین»

«هو الذی انشأکم من الارض و استعمرکم فیها؛ فاستغفروه ثم توبوا الیه؛ ان ربی قریب مجیب» (هود/۶۱)

▪ «... إني جاعل في الأرض خليفة...» (بقره /)

▪ «تخلقوا بأخلاق الله» (ص): {بحار الأنوار، ۵۸ / ۱۲۹؛ مستدرک، حاکم نیشابوری، باب فضائل علی (ع)؛ ارشاد القلوب، دیلمی، ب ۲۸ ص ۱۲۷}

▪ «عن زید بن أسلم، قال: قيل أوحى الله إلى داود (ع): **تخلّق بأخلاقی و إن من أخلاقی الصبر**» .

(الحر العاملي في الجواهر السنّية ص ۷۸ عن كتاب مسكن الفؤاد؛ الزمخشري في ربيع الأبرار؛ ۲ / ۵۲۹).

➤ او مدیرانی با الگوی نمایندگی مدیریت خود، در ارتباط با من قرار داده است:

▪ «فالمديرات أمرا...» (نازعات /)

▪ «لا يعصون الله ما أمرهم و يفعلون ما يؤمرون» (تحریم/۶)

▪ «لا يسبقونه بالقول و هم بأمره يعملون» (انبیاء/۲۷)

▪ «نحن أولياؤکم في الحياة الدنيا و في الآخرة...» (فصلت/۳۱)

▪ «الله يصطفي من الملائكة رسلا و من الناس؛ إنّ الله سمیع بصیر؛ يعلم ما بین أيديهم و ما خلفهم؛ و إلى الله ترجع الأمور» (حج/۷۵-۷۶)

▪ «لقد لكم في رسول الله أسوة حسنة لمن كان يرجوا الله و اليوم الآخر و ذكر الله كثيرا» (احزاب/۲۱)

۲- «حال از صاحب نظران مدیریت، می پرسم»:

«مدیر ارشد این سازمان ، کیست؟ من هستم یا او؟!»

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

مراحل سلوک الهی:

«تخلیه / تحلیه / تجلیه / فناء فی الله (مقام محو: بندگی تمام عیار):»

«سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

▪ «ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون» (ذاریات/۵۶)

مراتب سلوک الهی:

❖ مرتبه اسلام:

التزام به الزامات فقهی حقوقی

(احکام تکلیفی: محرمات و واجبات؛ احکام وضعی: صحت، بطلان، و ...)

❖ مرتبه ایمان:

التزام به الزامات فقهی حقوقی + اخلاقی

❖ مرتبه یقین

التزام به الزامات فقهی حقوقی + اخلاقی + عرفانی

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

❖ مرحله تسبیح: سبحان الله:

➤ معرفت و باور به خالقیت و ربوبیت مطلق الهی در نظام تکوین و تشریح:

«سُبْحَانَهُ هُوَ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ»... «الله خالق کل شیء» (زمر/ ۴ و ۶۲) / «فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ» (یس / ۸۳)

➤ بینش و باور و اعتراف به نفی هرگونه عیب و نقص در ذات مقدس خدای رحمان، و در نظام خلقت و تشریح الهی:

«سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى...» (اسراء/ ۱)

«سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُثْبِتُ الْأَرْضُ وَمِنْ أَنْفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ» (یس/ ۳۶)

«وَالَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنَ الْعُلُكِ وَالْأَنْعَامِ مَا تَرْكَبُونَ؛ لِتَسْتَوُوا عَلَى ظُهُورِهِ ثُمَّ تَذْكُرُوا نِعْمَةَ رَبِّكُمْ إِذَا اسْتَوَيْتُمْ عَلَيْهِ وَتَقُولُوا: سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ؛ وَإِنَّا إِلَى رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ» (زخرف/ ۱۲-۱۴)

«مَا اتَّخَذَ اللَّهُ مِنْ وَلَدٍ وَمَا كَانَ مَعَهُ مِنْ إِلَهٍ...؛ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ؛ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ» (مومنون/ ۹۱-۹۲)

«قُلْ إِنْ كَانَ لِلرَّحْمَنِ وَلَدٌ فَأَنَا أَوَّلُ الْعَابِدِينَ؛ سُبْحَانَ رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ» (زخرف/ ۸۱-۸۲)

«هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَ... هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ؛ هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ؛ هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ... لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى؛ يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (حشر/ ۲۲-۲۴)

«تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ؛ الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْعَفُورُ؛ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا مَا تَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِنْ تَفَوتٍ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَى مِنْ فُطُورٍ؛ ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنْقَلِبْ إِلَيْكَ الْبَصَرُ خَاسِئًا وَهُوَ حَسِيرٌ» (ملك/ ۴)

«وَرَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ مَا كَانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ سُبْحَانَ اللَّهِ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ» (قصص/ ۶۸)

«سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ؛ إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلِصِينَ» (صافات/ ۱۵۹-۱۶۰)

«وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ؛... سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ؛ وَ سَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ؛ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (صافات/ ۱۷۱-۱۸۲)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

➤ بینش و باور و اعتراف به فقر و نیاز وجودی مطلق خود و نظام خلقت، به خالق بی نیاز پاسخگوی نیازها:

▪ «یا ایها الناس انتم الفقراء الى الله؛ و الله هو الغنی الحمید» (فاطر/۱۵)

➤ آسیب شناسی وجود خود، و معرفت و اعتراف به قصور و تقصیر بندگی، و عذر خواهی به درگاه الهی و طلب عفو و گذشت و رحمت الهی:

«و نَفْسٍ و مَا سَوَّاهَا؛ فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا؛ قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا؛ وَ قَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا» (شمس/۷-۱۰)

«... رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَ لَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إِصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَي الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَ لَا تُحْمِلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَ اعْفُ عَنَّا وَ اغْفِرْ لَنَا وَ ارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ» (بقره/۲۸۶)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

➤ مطالعه اسبب شناسانه اهداف، برنامه ها و عملکرد مدیریت های غیر الهی (طاغوتی و شیطانی) با استمداد از رهنمود ها و الگوی عملی سیره اولیاء الهی، خصوصاً اهل البيت (ع):

▪ «... فمن يكفر بالطاغوت و يؤمن بالله فقد استمسك بالعروة الوثقى، لا انفصام لها و الله سميع عليم» (بقره/۲۵۶)

▪ «و الَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ اَنْ يَعْبُدُوهَا و اَنَابُوا اِلَى اللّٰهِ لَهُمُ النُّبُورَى؛ فَبَشِّرْ عِبَادِ» (زمر/۱۷)

▪ «قُلْ سِيرُوا فِي الْاَرْضِ ثُمَّ انظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ» (انعام/۱۱)

▪ «قُلْ سِيرُوا فِي الْاَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ» (نمل / ۶۹)

▪ «قُلْ سِيرُوا فِي الْاَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلُ كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُشْرِكِينَ» (روم/۴۲)

▪ «... أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْاَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ و لَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ اتَّقَوْا أَفَلَا تَعْقِلُونَ» (يوسف / ۱۰۹)

▪ «أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْاَرْضِ فَتَكُونْ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا أَوْ آدَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا فَإِنَّهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَلَكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ (حج/۲۶)

▪ «أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْاَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا أَكْثَرَ مِنْهُمْ و أَشَدَّ قُوَّةً وَّآثَارًا فِي الْاَرْضِ فَمَا أَعْنَى عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ؛

فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَرَحُوا بِمَا عِنْدَهُمْ مِنَ الْعِلْمِ و حَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ؛ فَلَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا قَالُوا آمَنَّا بِاللّٰهِ وَحَدَهُ و كَفَرْنَا بِمَا كُنَّا بِهِ مُشْرِكِينَ؛ فَلَمْ يَكُ يَنْفَعُهُمْ إِيمَانُهُمْ لَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا سِنَّةَ اللّٰهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ فِي عِبَادِهِ و خَسِرَ هُنَالِكَ الْكَافِرُونَ» (غافر/۸۲-۸۵)

▪ «لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ لِأُولِي الْأَلْبَابِ مَا كَانَ حَدِيثًا يُفْتَرَى و لَكِنْ تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ ... و هُدًى و رَحْمَةً لِّعَوْمٍ يُؤْمِنُونَ» (يوسف/۱۱۱)

▪ «فَأَخَذَهُ اللّٰهُ نَكَالَ الْآخِرَةِ و الْأُولَى؛ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِّمَنْ يَخْشَى» (نازعات/۲۵-۲۶)

▪ «و اعلموا انكم لن تعرفوا الرشده حتى تعرفوا الذى تركه؛ و لن تاخذوا بميثاق الكتاب حتى تعرفوا الذى الذى نقضه؛ و لن تمسكوا به حتى تعرفوا

الذى نبذه؛ فالتمسوا ذلك من عند أهله فإنهم عيش العلم و موت الجهل؛ هم الذين يخبركم حكمهم عن علمهم، و صمتهم عن منطقتهم، و ظاهرهم

عن باطنهم؛ لا يخالفون الدين و لا يختلفون فيه، فهو بينهم شاهد صادق، و صامت ناطق ...» على (ع): (خ/۱۲۷، ص/۲۰۵)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

➤ سیاست وارونه بنی امیه و معاویه، در سنت آسیب شناسی ارزشها و پیروان جبهه حق و باطل:

✓ ازادی تعلیم ایمان و ممنوعیت تبیین کفر و شرک و نفاق:

▪ «علي بن إبراهيم، عن أبيه، عن القاسم بن محمد، عن المنقري، عن سفيان ابن عيينة، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: إن بني أمية أطلقوا للناس تعليم الايمان و لم يطلقوا تعليم الشرك لكي إذا حملوهم عليه لم يعرفوه» (كافي، كليني، ۲ / ۲۱۵)

✓ تنقیص مقام عصمت: شخصیت انبیاء(ع) و پیامبر اسلام(ص):

▪ «لا أوتى برجل يزعم أن داود تزوج امرأة أوريا الا جلده حيا للنبوة و حيا للاسلام» علی (ع): (نورالثقلين، حویزی، ۴ / ۲۴۶)

▪ «حدثنا قتيبة بن سعيد الثقفي و أبو كامل الجحدري و تقاربا في اللفظ و هذا حديث قتيبة قال: حدثنا أبو عوانة عن سماك عن موسى بن طلحة عن أبيه قال: مررت مع رسول الله صلى الله عليه و سلم بقوم على رؤس النخل؛ فقال ما يصنع هؤلاء؟!؛

فقالوا يلقحونه يجعلون الذكر في الأنثى فيتلقح فقال رسول الله صلى الله عليه و سلم: ما أظن (يعنى ذلك) شيئا؛

قال: فأخبروا بذلك فتركوه فأخبر رسول الله صلى الله عليه و سلم بذلك فقال: إن كان ينفعهم ذلك فليصنعوه فاني إنما ظننت ظنا فلا تؤاخذوني بالظن و لكن إذا حدثتكم عن الله شيئا فخذوا به فاني لن أكذب على الله عز وجل» (صحيح مسلم، ۵ / ۹۵)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر»

«حدثنا عبد الله بن الرومي اليمامي و عباس بن عبد العظيم العنبري و أحمد بن جعفر المعقري قالوا حدثنا النضر بن محمد حدثنا عكرمة (و هو ابن عمار) حدثنا أبو النجاشي حدثني رافع بن خديج قال: قدم نبي الله صلى الله عليه و سلم المدينة و هم يأبرون النخل يقولون يلقحون النخل؛ فقال(ص): ما تصنعون؟!»

قالوا كنا نصنعه قال(ص): لعلكم لو لم تفعلوا كان خيرا؛ فتركوه فنفضت أو فنقصت؛ قال: فذكروا ذلك له؛ فقال(ص): إنما انا بشر إذا أمرتكم بشئ من دينكم فخذوا به و إذا أمرتكم بشئ من رأيي فإنما انا بشر؛ (قال عكرمة أو نحو هذا قال المعقري فنقصت و لم يشك) « (صحيح مسلم، ٥ / ٩٥)

«حدثنا أبو بكر بن أبي شيبة و عمرو الناقد كلاهما عن الأسود بن عمرو قال أبو بكر حدثنا اسود بن عامر حدثنا حماد بن سلمة عن هشام بن عروة عن أبيه عن عائشة و عن ثابت عن انس ان النبي صلى الله عليه و سلم مر بقوم يلقحون؛ فقال(ص):

لو لم تفعلوا لصلح؛ قال: فخرج شبيصا!! فمر بهم فقال ما لنخلكم قالوا: قلت كذا و كذا؛ قال(ص): أنتم اعلم بأمر دنياكم!» (صحيح مسلم، همو، همان)

✓ معرفی تناقض امیز امثال عشره مبشره بالجنه:

«حدثنا قتيبة اخبرنا عبد العزيز بن محمد، عن عبد الرحمن بن حميد، عن ابيه، عن عبد الرحمن بن عوف، قال: «قال رسول الله (صلى الله عليه وآله): «أَبُو بَكْرٍ فِي الْجَنَّةِ، وَ عُمَرُ فِي الْجَنَّةِ، وَ عَلِيٌّ فِي الْجَنَّةِ، وَ عُثْمَانُ فِي الْجَنَّةِ، وَ طَلْحَةُ فِي الْجَنَّةِ، وَ الزَّيْبُرُ فِي الْجَنَّةِ، وَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ بْنِ عَوْفٍ فِي الْجَنَّةِ، وَ سَعْدُ بْنُ أَبِي وَقَّاصٍ فِي الْجَنَّةِ، وَ سَعِيدُ بْنُ زَيْدٍ فِي الْجَنَّةِ وَ أَبُو عَتْبَةَ ابْنُ الْجَرَّاحِ فِي الْجَنَّةِ» (سنن ترمذی، ٥ / ٢١١)

«أخبرنا أبو مصعب قراءة عن عبد العزيز بن محمد عن عبد الرحمن بن حميد عن أبيه عن سعيد بن زيد عن النبي صلى الله عليه و سلم نحوه؛ و لم يذكر فيه عن عبد الرحمن بن عوف، و قد روى هذا الحديث عن عبد الرحمن حميد عن أبيه عن سعيد بن زيد عن النبي صلى الله عليه و سلم نحو هذا، و هذا أصح من الحديث الأول». (سنن ترمذی، ٥ / ٢١٢)

«حدثنا صالح بن مسمار المروزي أخبرنا ابن أبي فديك عن موسى بن يعقوب عن عمر بن سعيد عن عبد الرحمن بن حميد عن أبيه أن سعيد بن زيد حدثه في نفر أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: " عشره في الجنة: **أبو بكر** في الجنة، و **عمر** في الجنة، و **علي** و **عثمان** و **الزبير** و **طلحة** و **عبد الرحمن** و **أبو عبدة** و **سعد بن أبي وقاص**؛ قال: فعد هؤلاء التسعة و سكت عن العاشر؛ فقال القوم: ننشدك الله يا أبا الأعور من العاشر؟ قال: نشدتموني بالله؛ **أبو الأعور** في الجنة، قال: هو سعيد ابن زيد بن عمرو بن نفيل، و سمعت محمدا يقول هذا أصح من الحديث الأول» (همو، همان)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

➤ قرآن کریم، منبع الهی حیرت آور در سنت آسیب شناسی امور افراد، تشکیلات، جوامع و نظامات بشری:

✓ فرمان انصاف و عدالت ورزی قولی و عملی در برخورد با دشمنان و دوستان راه حق:

▪ «و إِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَ لَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ وَ بَعْدَ اللَّهِ أَوْفُوا ذَلِكُمْ وَ صَاكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» (انعام/۱۵۲)

▪ «ان الله يأمر بالعدل و الاحسان و إيتاء ذی القربى و ينهى عن الفحشاء و المنکر و البغی يعظکم لعلکم تذكرون» (نحل/۹۰)

▪ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَ لَوْ عَلَيَّ أَنْفُسِكُمْ أَوْ الْوَالِدِينَ وَ الْأَقْرَبِينَ إِنْ يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا وَ إِنْ تَلَّوْا أَوْ نَعَرَضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا (نساء/ ۱۲۵)

▪ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحِلُّوا شَعَائِرَ اللَّهِ وَ ... وَ لَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاَنًا قَوْمٌ أَنْ صَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَنْ تَعْتَدُوا وَ تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَىٰ وَ لَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعَدْوَانِ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ (مائده/ ۲)

▪ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَ لَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاَنًا قَوْمٌ أَنْ تَعْدِلُوا؛ اعدلوا هو اقرب للتقوى؛ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ» (مائده/ ۸)

▪ «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ لَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» (ممتحنه/ ۸)

▪ «وَ إِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَت إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَىٰ فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّىٰ تَفِيءَ إِلَىٰ أَمْرِ اللَّهِ؛

فَإِنْ فَاءَتْ فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَ أَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» (حجرات/ ۹)

▪ «عدة من أصحابنا ، عن أحمد بن محمد بن خالد ، عن إسماعيل بن مهران ، عن عثمان بن جبلة ، عن أبي جعفر (عليه السلام) قال : قال رسول الله (صلى الله عليه وآله) : ثلاث خصال من كن فيه أو واحدة منهن كان في ظل عرش الله يوم لا ظل إلا ظله :

رجل أعطى الناس من نفسه ما هو سائلهم ، و رجل لم يقدم رجلا و لم يؤخر رجلا حتى يعلم أن ذلك لله رضى ، و رجل لم يعب أخاه المسلم بعب حتى ينفي ذلك العيب عن نفسه؛ فإنه لا ينفي منها عيبا إلا بدا له عيب!؛ و كفى بالمرء شغلا بنفسه عن الناس» (كافى، كلينى، ۲ / ۱۲۷)

▪ «علي بن إبراهيم ، عن أبيه ، عن النوفلي ، عن السكوني ، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله):

سيد الأعمال إنصاف الناس من نفسك و مؤاساة الأخ في الله و ذكر الله عز وجل على كل حال». (كافى، كلينى، ۲ / ۱۲۵).

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر»

- «محمد بن یحیی ، عن أحمد بن محمد بن عیسی، عن علي بن الحكم ، عن الحسن ابن حمزة، عن جده [عن] أبي حمزة الثمالي، عن علي بن الحسين (صلوات الله علیهما) قال: كان رسول الله (صلى الله عليه و آله) يقول في آخر خطبته: طوبى لمن طاب خلقه و طهرت سجيته و صلحت سريرته و حسنت علانيته و أنفق الفضل من ماله و أمسك الفضل من قوله و **أنصف الناس من نفسه**». (كافی، كلینی، ۲/ ۱۴۴)
- «أبو علي الأشعري، عن محمد بن عبد الجبار ، عن ابن فضال، عن غالب بن عثمان، عن روح ابن أخت المعلى، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: **اتقوا الله و اعدلوا، فإنكم تعيون على قوم لا يعدلون**». (كافی، كلینی، ۲/ ۱۴۷).
- «علي، عن أبيه، عن ابن محبوب، عن هشام بن سالم، عن زرارة، عن الحسن البزاز قال: قال لي أبو عبد الله (عليه السلام): **ألا أخبرك بأشد ما فرض الله على خلقه [ثلاث]**؛ قلت: بلي قال: **إنصاف الناس من نفسك و مؤاساتك أخاك و ذكر الله في كل موطن، أما إنني لا أقول سبحان الله و الحمد لله و لا إله الا الله و الله أكبر و إن كان هذا من ذاك و لكن ذكر الله عز وجل في كل موطن، إذا هجمت على طاعة أو على معصية**» (كافی، كلینی، ۲/ ۱۴۵)
- «ابن محبوب، عن أبي أسامة قال: قال أبو عبد الله (عليه السلام) : **ما ابتلي المؤمن بشئ أشد عليه من خصال ثلاث يجرمها، قيل : و ما هن؟** قال: **المؤاساة في ذات يده و الانصاف من نفسه و ذكر الله كثيرا ، أما إنني لا أقول : سبحان الله و الحمد لله ، [و لا إله الا الله] و لكن ذكر الله عندما أحل له و ذكر الله عندما حرم عليه**». (كافی، كلینی، ۲/ ۱۴۶).
- «يا بني، **اجعل نفسك ميزانا فيما بينك و بين غيرك، فاحب لغيرك ما تحب لنفسك، و أكره له ما تكره لها، و لا تظلم كما لا تحب أن تظلم، و أحسن كما تحب أن يحسن إليك، و استقبح من نفسك ما تستقبحه من غيرك، و ارض من الناس بما ترضاه لهم من نفسك**» (نهج، نامه ۳۱، ص ۳۹۷)

✓ **أسبب شناسی پیروان جبهه حق در عين تبیین و دفاع از حقانیت سبیل الله:**

«أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَ مَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ أَنْ يَتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَ قَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ وَ يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا؛ وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَى مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَ إِلَى الرَّسُولِ رَأَيْتَ الْمُنَافِقِينَ يَصُدُّونَ عَنْكَ صُدُودًا» (نساء/ ۶۰-۶۱)

✓ **أسبب شناسی پیروان جبهه باطل، به همراه تبیین بطلان سبیل الشیطان:**

▪ «... وَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَائُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» (بقره/ ۲۵۷)

▪ «وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَ يَتَّبِعُ كُلَّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ؛ كُتِبَ عَلَيْهِ أَنَّهُ مَنْ تَوَلَّاهُ فَأَنَّهُ يُضِلُّهُ وَ يَهْدِيهِ إِلَى عَذَابِ السَّعِيرِ» (حج/ ۳-۴)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

اسیب شناسی و نقد متواضعانه و عالمانه اهداف، برنامه ها و عملکردهای خود و خودی ها و تلاش بر رفع آنها:

▪ «ان الذين اتقوا اذا مسهم طائف من الشيطان تذكروا فاذا هم مبصرون» (اعراف/ ۲۰۱)

▪ «يا ايها الذين آمنوا اتقوا الله و لتنظر نفس ما قدمت لغد و اتقوا الله، ان الله خبير بما تعملون» (حشر/ ۱۸)

▪ «و اذكر ربك في نفسك تضرعا و خيفة و دون الجهر من القول بالغدو و الاصال و لا تكن من الغافلين» (اعراف/ ۲۰۵)

▪ «بصرتكم صدق النية» على (ع): (نهج، خ ۴)

➤ سعه صدر در پی جویی دیدگاه های منتقدانه مخالفان نسبت به اهداف، برنامه ها و عملکرد خود

و بازخورد عالمانه و عادلانه به موقع به آنها:

• در صورت وارد بودن نقدها:

پذیرش عذر خواهانه و اصلاح، و یا عذرخواهی و استعفاء:

«سیره اهل ایمان و یقین»

«و الذين اذا فعلوا فاحشة او ظلموا انفسهم ذكروا الله فاستغفروا لذنوبهم، و من يغفر الذنوب الا الله و لم يصروا على ما فعلوا...» (آل عمران/ ۱۲۵)

• در صورت سوء تفاهم در نقد ها:

تبیین و رفع سوء تفاهم و مدارا با لجاجتها بشرط عدم نقض حقوق انسانی و اسلامی دیگران توسط منتقدین

«سیره امیرمنان (ع) در برخورد با خوارج و مخالفین»

➤ عذر خواهی دائمی به درگاه الهی، سنت اهل ایمان و یقین، خصوصا در شرائط پیروزی و موفقیت!:

▪ «اذا جاء نصر الله و الفتح و رایت الناس یدخلون فی دین الله افواجا فسیح بحمد ربك و استغفره انه كان توابا» (نصر/ ۱-۲)

▪ «الذين يقولون ربنا اننا آمننا فاغفر لنا ذنوبنا و قنا عذاب النار الصابرين و الصادقين و المنفقين و المستغفرين بالاسحار» (آل عمران/ ۱۷)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

■ اثار و برکات تسبیح و استغفار:

❖ بن بست گشایی، نزول برکات اقتصادی و رزق معنوی:

■ «وَأَنِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ؛ يُمَتِّعْكُمْ مَتَاعًا حَسَنًا إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى و يُؤْتِ كُلَّ ذِي فَضْلٍ فَضْلَهُ؛ و إِن تَوَلَّوْا فَإِنِّي أَخَافُ...عَذَابَ...كَبِيرٍ» (هود/۲)

■ «و يَا قَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ؛ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا و يَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَىٰ قُوَّتِكُمْ و لَا تَتَوَلَّوْا مُجْرِمِينَ» (هود/۵۲)

■ «فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا؛ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا؛ و يُمِدِّدْكُمْ بِأَمْوَالٍ و بَنِينَ و يُجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ و يُجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا» (نوح/۱۰-۱۲)

■ «و عن ابن عباس رضي الله عنهما قال ، قال رسول الله صلى الله عليه و سلم :

"من لزم الاستغفار جعل الله له من كل ضيق مخرجاً، و من كل هم فرجاً، و رزقه من حيث لا يحتسب" رواه أبو داود . (رياض الصالحين، نووی، ۷۲۲)

■ «... إِنَّ اللَّهَ يَبْتَلِي عِبَادَهُ عِنْدَ الْأَعْمَالِ السَّبِيَّةَ - يَنْقُصُ الثَّمَرَاتِ و حَسِبَ الْبَرَكَاتِ - و إِعْلَاقِ خَزَائِنِ الْخَيْرَاتِ لِيُتُوبَ تَائِبٌ؛ و يُفْلِعَ مُفْلِعٌ و يَتَذَكَّرَ مُتَذَكِّرٌ و يَزِدْجِرَ مُزْدَجِرٌ؛ و قَدْ جَعَلَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ الْإِسْتِغْفَارَ سَبَبًا - لِذُرُورِ الرِّزْقِ و رَحْمَةً الْخَلْقِ فَقَالَ سُبْحَانَهُ:

- «اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا - يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا - و يُمِدِّدْكُمْ بِأَمْوَالٍ و بَنِينَ - و يُجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ و يُجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا»-

- فَرَحِمَ اللَّهُ امْرَأً اسْتَفْبَلَ تَوْبَتَهُ؛ و اسْتَفَالَ خَطِيئَتَهُ و بَادَرَ مَنِيئَتَهُ؛ ... و لَا تُؤَاخِذْنَا بِمَا فَعَلَ السُّفَهَاءُ مِنَّا يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ...» (نہج، خ ۱۲۳)

❖ مصونیت از عذاب الهی:

«و ما كان الله ليعذبهم و انت فيهم و ما كان الله معذبهم و هم يستغفرون» (انفال/۳۳)

وَحَكَى عَنْهُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ الْبَاقِرِ (ع) ، أَنَّهُ قَالَ - كَانَ فِي الْأَرْضِ أَمَانَانِ مِنْ عَذَابِ اللَّهِ - وَقَدْ رُفِعَ أَحَدُهُمَا فِدْوَانُكُمْ الْآخِرَ فَتَمَسَّكُوا بِهِ - أَمَّا الْأَمَانُ الَّذِي رُفِعَ فَهُوَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) - وَأَمَّا الْأَمَانُ الْبَاقِي فَالِاسْتِغْفَارُ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

«وما كان الله ليعذبهم و أنت فيهم - وما كان الله معذبهم و هم يستغفرون» (نہج، حکمت ۸۸)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

❖ پاک شدن از آلودگی ها، برطرف شدن نقائص وجودی (غیر معصومین)، و ارتقاء وجودی معصومین (ع) و پیروان:

▪ «رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَقَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ» (آل عمران / ۱۹۳)

▪ «فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَكُنْ مِنَ السَّاجِدِينَ؛ وَاعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ» (حجر/۹۸-۹۹)

▪ «ألا أخبركم بدائكم من دوائكم؟ قلنا: بلى يا رسول الله، قال (ص) : دأؤكم الذنوب و دواؤكم الاستغفار». (ص): (بحارالانوار، ۹۰ / ۲۸۲)

❖ رسیدن به جامعیت و کمال الهی:

▪ «فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَ سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَ قَبْلَ غُرُوبِهَا وَ مِنْ أَنَاءِ اللَّيْلِ فَسَبِّحْ وَ اطَّرَافَ النَّهَارِ لَعَلَّكَ تَرْضَىٰ؛

و لَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَ رِزْقُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَ أَبْقَىٰ» (طه / ۱۳۰-۱۳۱)

➤ رسیدن به جامعیت الهی (مقام رکوع)

▪ «فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ» (واقعه/۷۴) / «إِنَّ هَذَا لَهُوَ حَقُّ الْيَقِينِ؛ فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ» (واقعه/۹۵-۹۶)

▪ «وَ إِنَّهُ لَحَقُّ الْيَقِينِ؛ فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ» (حاقه/۵۱-۵۲)

▪ «سبحان ربی العظیم و بحمده»

▪ «سأل رجل أمير المؤمنين عليه السلام فقال: يا ابن عم خير خلق الله عز وجل ما معنى مد عنقك في الركوع فقال(ع):

تأويله، آمنت بالله(بوحدايتك) و لو ضربت عنقي» (من لا يحضره الفقيه، ۱ / ۳۱۱؛ علل الشرايع، ۲ / ۳۲۰)

➤ رسیدن به کمال الهی (مقام سجده)

▪ «سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَىٰ؛ الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّىٰ؛ وَ الَّذِي قَدَّرَ فَهَدَىٰ؛ وَ الَّذِي أَخْرَجَ الْمَرْعَىٰ؛ فَجَعَلَهُ غُثَاءً أَحْوَىٰ» (اعلىٰ/۱-۵)

▪ «سبحان ربی الاعلی و بحمده»

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر»

تلازم تسبیح و استغفار:

❖ دو تسبیح سجده حیات و ممات دنیوی و استغفار تمام عیار فیما بین:

«سبحان ربی الاعلی و بحمده» / «استغفر الله ربی و اتوب الیه» / «سبحان ربی الاعلی و بحمده»

«مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَ فِيهَا نُعِيدُكُمْ وَ مِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَى» (طه/۵۵)

«أخبرنا علي بن سهل قال : حدثنا إبراهيم بن علي قال : حدثنا أحمد بن محمد الأنصاري عن الحسن بن علي العلوي قال: حدثني أبو حكيم الزاهد قال : حدثني أحمد بن علي الراهب قال سألت رجل أمير المؤمنين (عليه السلام) فقال له: يا ابن عم خير خلق الله: ما معنى السجدة الأولى؟ فقال: تأويلها، اللهم انك منها خلقتنا يعني من الأرض؛ و تأويل رفع رأسك، و منها أخرجتنا؛ و السجدة الثانية و إليها تعيدنا؛ و رفع رأسك و منها تخرجنا تارة أخرى». (علل الشرايع، ۲ / ۳۳۶؛ من لا يحضره الفقيه، صدوق، ۱ / ۲۱۲؛ وسائل الشيعه، ۶ / ۳۳۱)

❖ تسبیحات و استغفار در تعقیبات نماز دو رکعتی شبهای رمضان:

تسبیحات چهارگانه + ۷ بار تسبیحات اربعه + ۳ بار تسبیح و طلب غفران + ۱۰ بار صلوات

«سبحان من هو حفيظ لا يغفل؛ سبحان من هو رحيم لا يعجل؛ سبحان من هو قائم لا يسهو؛ سبحان من هو لا يلهو»

«سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر (۷ بار)؛ سبحانك سبحانك سبحانك؛ يا عظيم اغفر لي الذنب العظيم» (۳ بار): (مستدرک، ۶ / ۲۱۶؛ جامع احاديث الشيعه، ۷ / ۲۱۰)

❖ تسبیحات مکرر دعای جوشن کبیر شبهای قدر:

«سبحانک یا لا اله الا اله انت الغوث الغوث، خلصنا من النار یا رب»

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

مراتب استغفار و عذر خواهی به درگاه خدا:

وقَالَ (ع) لِقَائِي قَالَ بِحَضْرَتِهِ أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ؛ تَكَلُّكَ أُمَّكَ أَتَدْرِي مَا الْإِسْتِغْفَارُ؟؛ الْإِسْتِغْفَارُ دَرَجَةُ الْعَلِيِّينَ؛ وَ هُوَ اسْمٌ وَقَعَ عَلَى سِتَّةِ مَعَانٍ:

(۱) پشیمانی بر گذشته:

أَوْلَهَا النَّدَمُ عَلَى مَا مَضَى؛

(۲) عزم بر ترک بازگشت به گناه:

وَالثَّانِي الْعَزْمُ عَلَى تَرْكِ الْعُودِ إِلَيْهِ أَبَدًا؛

(۳) اداء حقوق مردم:

وَالثَّلَاثُ أَنْ تُؤَدِّيَ إِلَى الْمَخْلُوقِينَ حُقُوقَهُمْ - حَتَّى تَلْقَى اللَّهَ أَمْلَسَ لَيْسَ عَلَيْكَ تَبِعَةٌ؛

(۴) اداء واجبات ضایع شده:

وَالرَّابِعُ أَنْ تَعْمِدَ إِلَى كُلِّ فَرِيضَةٍ عَلَيْكَ - ضَيَعَتْهَا فَتُؤَدِّيَ حَقَّهَا؛

(۵) ذوب کردن جسمی که با گناه پروار شده:

وَالخَامِسُ أَنْ تَعْمِدَ إِلَى اللَّحْمِ الَّذِي نَبَتَ عَلَى السُّحْتِ - فَتُذِيْبُهُ بِالْأَحْزَانِ حَتَّى تُلْصِقَ الْجِلْدَ بِالْعَظْمِ - وَيَنْشَأُ بَيْنَهُمَا لَحْمٌ جَدِيدٌ؛

(۶) چشاندن رنج طاعت بر جسم و جان:

وَالسَّادِسُ أَنْ تُذِيْقَ الْجِسْمَ أَلْمَ الطَّاعَةِ - كَمَا أَذْفَنَهُ حَلَاوَةَ الْمَعْصِيَةِ - فَعِنْدَ ذَلِكَ تَقُولُ أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ» (نهج، حکمت ۴۱۵)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

➤ اقسام استغفار:

❖ استغفار از فقر بندگی:

«إِنَّ كُلَّ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِلَّا آتِي الرَّحْمَنِ عَبْدًا» (مریم/۹۳)

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ» (فاطر/۱۵)

«يَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ» (۲۹)

❖ استغفار از قصور و تقصیر بندگی:

«لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ؛ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَ لَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَ لَا تُحْمِلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَ اعْفُ عَنَّا وَ اعْفِرْ لَنَا وَ أَرْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ» (بقره/۲۸۶)

➤ فقهی حقوقی

➤ اخلاقی

➤ عرفانی

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

مقدمه: مناسبت ایام:

ضربت خوردن امیر مومنان:

معرفت موجودات به حضرت، ناله و نوحه مرغابیان منزل حین خروج حضرت به مسجد:

«أن أمير المؤمنين عليه السلام سهر تلك الليلة، فأكثر الخروج و النظر في السماء و هو يقول: " و الله ما كذبت و لا كذبت، و إنها الليلة التي وعدت بها ... فلما خرج إلى صحن الدار استقبلته الإوز فصحن في وجهه، فجعلوا يطردونهن فقال: "دعوهن فإنهن نوائح " ...» . (ارشاد مفید، ۱ / ۱۷)

«و لم يزل قبره مخفياً ... و قد خرج هارون الرشيد يوما يتصيد ، و أرسلوا الصقور و الكلاب على الطباء بجانب الغريين فجاولتها ساعة، ثم لجأت الطباء إلى الأكمة، فرجع الكلاب و الصقور عنها فسقطت [في] ناحية ، ثم هبطت الطباء من الأكمة فهبطت الصقور و الكلاب ترجع إليها، فتراجعت الطباء إلى الأكمة فانصرفت عنها الصقور و الكلاب، ففعلوا ذلك ثلاثاً. فتعجب هارون [الرشيد من ذلك] و سأل شيخاً من بني أسد : ما هذه الأكمة؟! فقال: لي الأمان؟! قال: نعم؛ قال: فيها قبر علي بن أبي طالب عليه السلام» (الخرائج و الجرائح، قطب راوندى، ۱ / ۲۲۴)

نفرین حضرت و ارزوی شهادت:

«و قال (ع) في سحرة اليوم الذي ضرب فيه:

مَلَكْتَنِي عَيْنِي و أَنَا جَالِسٌ - فَسَنَحَ لِي رَسُولُ اللَّهِ (ص) فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ - مَاذَا لَقِيتُ مِنْ أُمَّتِكَ مِنَ الْأَوْدِ و اللَّدِّ فَقَالَ ادْعُ عَلَيْهِمْ - فَقُلْتُ:

أَبْدَلْنِي اللَّهُ بِهِمْ خَيْرًا مِنْهُمْ - و أَبْدَلَهُمْ بِي شَرًّا لَهُمْ مِنِّي» (نهج، خطبه ۷۰)

«... عن الحسن بن علي، قال : خرجت أنا و أبي نصلي في هذا المسجد ، فقال لي : يا بني إني بت الليلة أوقظ أهلي ... فملكنتي عينا، فسبح لي رسول الله صلى الله عليه و اله، فقلت: يا رسول الله ماذا لقيت من أمتك من الأود و اللدد ؟ فقال لي: ادع عليهم!؛ فقلت:

«اللهم أبدلني بهم من هو خير لي منهم ، و أبدلهم بي من هو شر لهم مني» (مقاتل الطالبين، ابوالفرج اصفهاني، ۲۵)

«اللَّهُمَّ إِنِّي قَدْ مَلَلْتُهُمْ و مَلُونِي و سَتَمْتُهُمْ و سَتَمُونِي - فَأَبْدَلْنِي بِهِمْ خَيْرًا مِنْهُمْ و أَبْدَلَهُمْ بِي شَرًّا مِنِّي» (نهج، خطبه ۲۵)

از وصای حضرت، تاکید بر التزام به قرآن:

«... الله الله في القرآن، لا يسبقكم بالعمل به غيركم...» (نهج، نامه ۴۷)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

➤ ریشه های طرد ولایت علوی:

«إِنَّمَا بَدَأَ وُقُوعِ الْغَيْثِ أَهْوَاءٌ تُتَّبَعُ و أَحْكَامٌ تُبْتَدَعُ - يُخَالَفُ فِيهَا كِتَابُ اللَّهِ - و يَتَوَلَّى عَلَيْهَا رِجَالٌ رِجَالًا عَلَى غَيْرِ دِينِ اللَّهِ؛

فَلَوْ أَنَّ الْبَاطِلَ خَلَصَ مِنْ مِزَاجِ الْحَقِّ - لَمْ يَخَفَ عَلَى الْمُرْتَادِينَ؛

و لَوْ أَنَّ الْحَقَّ خَلَصَ مِنْ لَبْسِ الْبَاطِلِ - انْقَطَعَتْ عَنْهُ أَلْسُنُ الْمُعَانِدِينَ؛

و لَكِنْ يُؤَخِّدُ مِنْ هَذَا ضِغْتٌ و مِنْ هَذَا ضِغْتٌ فَيُمَزِّجَانِ - فَهَذَاكَ يَسْتَوْلِي الشَّيْطَانُ عَلَى أَوْلِيَائِهِ -

و يَنْجُو «الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ» - مِنْ اللَّهِ - الْحُسْنَى» (نهج، خ ۵۰)

❖ بحث تولید دانش بنیان:

➤ حیات طیبه:

«من عمل صالحا من ذكر او انثى و هو مؤمن، فلنجينه حياة طيبة؛ و لنجزينهم باحين ما كانوا يعملون» (نحل/۹۷)

➤ زندگی دانش بنیان:

«و لا تقف ما ليس لك به علم؛ ان السمع و البصر و الغؤاد، كل ذلك كان عنه مسئولا» (اسراء/۳۶)

«الى الله اشكو من معشر يعيشون جهالا، و يموتون ضلالا» على (ع): (نهج، خطبه ۱۷)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر»

تجلی تسبیح و استغفار در نظام خلقت:

- «تُسَبِّحُ لَهُ السَّمَوَاتُ السَّبْعُ وِ الْأَرْضُ وِ مَنْ فِيهِنَّ وِ إِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وِ لَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ؛ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا» (اسراء/۲۴)
- «أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُسَبِّحُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وِ الْأَرْضِ وِ الطَّيْرُ صَافَاتٍ كُلٌّ قَدْ عَلِمَ صَلَاتَهُ وِ تَسْبِيحَهُ؛ وِ اللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ» (نور/۲۱)
- «يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وِ مَا فِي الْأَرْضِ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ» (جمعه/۱)
- «سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وِ الْأَرْضِ؛ وِ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (حديد/۱)
- «سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وِ مَا فِي الْأَرْضِ؛ وِ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (حشر/۱؛ صف/۱)

تجلی تسبیح و استغفار در سیره مدیران و رهبران معصوم الهی:

عذر خواهی و تسبیح ملائکه:

- «و إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وِ يَسْفِكُ الدِّمَاءَ وِ نَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وِ نُقَدِّسُ لَكَ؛ قَالَ: إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ؛ وِ عَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ: أُنَبِّئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ؛ قَالُوا سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ» (بقره/۳۰-۳۲)
- «و يَوْمَ يَخْشَرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ يَقُولُ لِلْمَلَائِكَةِ: أَهَؤُلَاءِ إِيَّاكُمْ كَانُوا يَعْبُدُونَ؛ قَالُوا سُبْحَانَكَ أَنْتَ وَلِيِّنَا مِنْ دُونِهِمْ بَلْ كَانُوا يَعْبُدُونَ الْجِنَّ أَكْثَرُهُمْ بِهِمْ مُؤْمِنُونَ» (سبا/۴۰-۴۱)
- «يسبح الرعد بحمده و الملكة من خيفته...» (رعد/۱۳)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر»

❖ عذر خواهی و تسیح آدم (ع):

▪ «فتلقى ادم من ربه كلمات فتاب عليه انه هو التواب الرحيم» (بقره/ ۳۷)

▪ «ربنا ظلمنا انفسنا و ان لم تغفر لنا و ترحمنا لنكونن من الخاسرين» (اعراف/ ۲۳)

▪ «علي بن ابراهيم، عن ابيه، عن ابن ابي عمير، ... عن كثير بن كلثمة، عن أحدهما (عليهما السلام) في قول الله عز و جل: " فتلقى آدم من ربه كلمات" قال: لا إله إلا أنت سبحانك اللهم و بحمدك عملت سوءا و ظلمت نفسي فاغفر لي و أنت خير الغافرين...» (كافي، ۸ / ۲۰۴)

❖ عذر خواهی و تسیح حضرت موسی!

➤ درخواست رؤیت:

▪ «و لما جاء موسى لميقاتنا و كلمه ربه قال رب ارنى انظر اليك قال لى ترانى و لكن انظر الى الجبل فان استقر مكانه فسوف ترانى فلما تجلى ربه للجبل جعله دكا و خر موسى صعيفا فلما افاق قال سبحانك تبت اليك و انا اول المؤمنين» (اعراف/ ۱۲۳)

➤ ضرب هارون(ع):!

▪ «قال يا هارون ما منعك إذ رأيتهم صلوا؛ ألا تتبعن أفصيت أمرى؛

قال يا ابن أم لا تأخذ بلحيتي ولا برأسي إني خشيت أن تقول فرقت بين بني إسرائيل ولم ترقب قولي» (طه/ ۹۲-۹۴)

▪ «و لما رجع موسى الى قومه غضبان أسيفا قال بنسما خلفتموني من بعدي أعجلتم أمر ربكم و ألقى الألواح و أخذ برأس أخيه يجره إليه قال: ابن أم إن القوم استضعفوني و كادوا يقتلونني فلا تشمت بي الأعداء و لا تجعلني مع القوم الظالمين؛

قال: رب اغفر لي و لأخي و أدخلنا في رحمتك و أنت أرحم الراحمين» (اعراف/ ۱۵۰-۱۵۱)

➤ ضرب قبطی:

▪ «و لما بلغ أشده و استوى أتياه حكما و علما و كذلك نجزي المحسنين؛ و دخل المدينة علي حين غفلة من أهلها فوجد فيها رجلين يقتتلان هذا من شيعته و هذا من عدوه فاستغاه الذي من شيعته علي الذي من عدوه فوكزه موسى فقضى عليه قال هذا من عمل الشيطان إنه عدو مضل مبين قال: رب إني ظلمت نفسي فاغفر لي فإنه هو الغفور الرحيم؛ قال رب بما أنعمت علي فلن أكون ظهيرا للمجرمين (قصص/ ۱۴-۱۷)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

❖ عذر خواهی و تسبیح یونس(ع):

▪ «وَذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ؛

فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْعَمِّ وَكَذَلِكَ نُنَجِّي الْمُؤْمِنِينَ» (انبیاء/۸۸-۸۷)

▪ «فَلَوْلَا أَنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ؛ لَلَبِثَ فِي بَطْنِهِ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ» (صافات/۱۲۳-۱۲۴)

❖ عذر خواهی و تسبیح حضرت داوود (ع):

▪ «قَالَ لَقَدْ ظَلَمَكَ بِسُؤَالِ نَعَجِكَ إِلَىٰ نِعَاجِهِ وَإِنَّ كَثِيرًا مِنَ الْخُلَطَاءِ لِيَبْغِيَ بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ قَلِيلٌ مَّا هُمْ؛

وَ ظَنَّ دَاوُودُ أَنَّمَا فَتَنَّاهُ فَاسْتَغْفَرَ رَبَّهُ وَخَرَّ رَاكِعًا وَأَنَابَ؛ فَغَفَرْنَا لَهُ ذَلِكَ وَإِنَّ لَهُ عِنْدَنَا لَزُلْفَىٰ وَحُسْنَ مَآبٍ؛

يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَ لَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ» (ص/۲۲-۲۶)

❖ عذر خواهی و تسبیح حضرت سلیمان (ع):

▪ «وَ وَهَبْنَا لِدَاوُودَ سُلَيْمَانَ نِعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ؛ ... وَ لَقَدْ فَتَنَّا سُلَيْمَانَ وَ أَلْقَيْنَا عَلَىٰ كُرْسِيِّهِ جَسَدًا ثُمَّ أَنَابَ؛ قَالَ: رَبِّ اغْفِرْ لِي وَ هَبْ لِي مُلْكًا لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِنْ بَعْدِي إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ؛ فَسَخَرْنَا لَهُ الرِّيحَ تَجْرِي بِأَمْرِهِ رُخَاءً حَيْثُ أَصَابَ» (ص/۲۰-۲۶)

❖ عذر خواهی و تسبیح حضرت عیسی (ع):

▪ «وَ إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ: أَأَنْتَ قُلْتَ لِلنَّاسِ: اتَّخِذُونِي وَ أُمَّيَ الْهَيْنِ مِنْ دُونِ اللَّهِ قَالَ: سُبْحَانَكَ مَا يَكُونُ لِي أَنْ أَقُولَ مَا لَيْسَ لِي بِحَقِّ وَإِنْ كُنْتُ فُلْتُهُ فَقَدْ عَلِمْتَهُ تَعَلَّمَ مَا فِي نَفْسِي وَ لَا أَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِكَ إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ» (۱۱۶)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

❖ عذر خواهی و تسبیح حضرت پیامبر اسلام (ص):!

«و قالوا: لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّى تَفْجُرَ لَنَا مِنَ الْأَرْضِ يَنْبُوعًا؛ أَوْ تَكُونَ لَكَ جَنَّةٌ مِنْ نَجِيلٍ وَعَنْبٍ فَتَفْجُرَ الْأَنْهَارَ خِلَالَهَا تَفْجِيرًا؛ أَوْ تُسْقِطَ السَّمَاءَ كَمَا زَعَمَتْ عَلَيْنَا كِسْفًا أَوْ تَأْتِيَ بِاللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ قَبِيلًا؛ أَوْ يَكُونَ لَكَ بَيْتٌ مِنْ زُخْرَفٍ أَوْ تَرْفَى فِي السَّمَاءِ وَ لَنْ نُؤْمِنَ لِرُقِيِّكَ حَتَّى تُنَزِّلَ عَلَيْنَا كِتَابًا نَقْرُوهُ؛

قُلْ: سُبْحَانَ رَبِّيَ هَلْ كُنْتُ إِلَّا بَشَرًا رَسُولًا» (اسراء/ ۹۰-۹۳)

«إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ؛ وَ رَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا؛ فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَ اسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا» (نصر/ ۱-۳)

«انه لیغان علی قلبی؛ و انی لاستغفر الله فی کل یوم سبعین (مأة) مرة» (ص):(مستدرک الوسائل، نوری، ۵ / ۳۲۰)

«قال(الصادق علیه السلام): کان رسول الله صلی الله علیه و آله، یتوب إلى الله فی کل یوم سبعین مرة، من غیر ذنب»(همان، همو، ۵ / ۳۷۵)

❖ دعای کمیل و عذر خواهی ها و تسبیح حیرت آور امیر مومنان(ع):

«اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَهْتِكُ الْعِصْمَ ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُنَزِّلُ النِّعَمَ . اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُغَيِّرُ النِّعَمَ ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُحْبِسُ الدَّعَاءَ . اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُنَزِّلُ الْبَلَاءَ . اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ أَدْبَنْتَهُ ، وَكُلَّ خَطِيئَةٍ أَخْطَأْتُهَا...

لا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ، سُبْحَانَكَ وَ بِحَمْدِكَ ظَلَمْتُ نَفْسِي ، وَ تَجَرَّأتُ بِجَهْلِي ...» (مفاتیح، دعای کمیل) .

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

❖ عذر خواهی و حلالیت طلبی امیر مومنان(ع) از خانواده شهید:

«نظر علي عليه السلام إلى امرأة على كتفها قربة ماء، فأخذ منها القربة فحملها إلى موضعها، و سألتها عن حالها فقالت:

بعث علي بن أبي طالب صاحبي إلى بعض الثغور فقتل، و ترك علي صبيانا يتامى، و ليس عندي شيء، فقد ألجأتني الضرورة إلى خدمة الناس، فانصرف و بات ليلته قلقا، فلما أصبح حمل زنبیلا فيه طعام، فقال بعضهم: أعطني أحمله عنك، فقال(ع): من يحمل وزري عني يوم القيامة؟! فأتى و قرع الباب، فقالت: من هذا؟ قال: أنا ذلك العبد الذي حمل معك القربة؛ فافتحي فإن معي شيئا للصبيان،

فقالت: رضي الله عنك و حكم بيني و بين علي بن أبي طالب!؛

فدخل و قال: إني أحببت اكتساب الثواب، فاختاري بين أن تعجنين و تخبزين و بين أن تعللين الصبيان لأخبر أنا، فقالت: أنا بالخبز أبصر و عليه أقدر، و لكن شأنك و الصبيان، فعملهم حتى أفرغ من الخبز، قال: فعمدت إلى الدقيق فعجنته، و عمد علي عليه السلام إلى اللحم فطبخه، و جعل يلقم الصبيان من اللحم و التمر و غيره، فكلما ناول الصبيان من ذلك شيئا قال له: يا بني اجعل علي بن أبي طالب في حل مما أمر في أمرك، فلما اختمر العجين قالت: يا عبد الله أسجر التنور فبادر لسجره فلما أشعله و لفح في وجهه جعل يقول: ذق يا علي هذا جزاء من ضيع الأراهل و الينامى!؛

فأرأته امرأة تعرفه فقالت: ويحك هذا أمير المؤمنين، قال: فبادرت المرأة و هي تقول: وا حيائي منك يا أمير المؤمنين؛

فقال(ع): بل وا حيائي منك يا أمة الله فيما قصرت في أمرك!« (مناقب ال ابى طالب، ۱ / ۳۱۹؛ بحار الانوار، ۴۱ / ۵۲)

❖ سيد الشهداء(ع)، و عذر خواهی های حیرت آور در دعای عرفه و لحظه شهادت:

«لا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُسْتَغْفِرِينَ...» (مفاتيح، دعای عرفه)

«الهی رضا برضاک، و تسلیمًا لامرک؛ لا معبود سواک یا غیاث المستغیثین» امام حسین(ع)

❖ صحیفه سجادیه و عذر خواهی ها و تسبیح حیرت آور سید الساجدین(ع):

«إلهي ألبستني الخطايا ثوب مذلتني ، و جللني التباعد منك لباس مسكنتني ، و أمات قلبي عظيم جنائتي ، فأحيه بتوبة منك يا أملی و بغيتي و يا سؤلي و منيتي ، فوعزتک ما أجد لذنوبي سواک غافرا ، و لا أرى لكسري غيرک جابرا ، و قد خضعت بالإنابة إليك ، ...» (مناجات التائبين) .

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

❖ ... الگوی سیره عذر خواهی یوسف(ع) در سیره امام صادق(ع):

قال أبو بصير: قلت لأبي عبد الله " عليه السلام ": ما كان دعاء يوسف " عليه السلام " في الجب ؟ فانا قد اختلفنا فيه قال(ع):

إن يوسف " عليه السلام " لما صار في الجب و آيس من الحياة قال:

اللهم ان كانت الخطايا و الذنوب قد أخلقت وجهي عندك فلن ترفع لي إليك صوتا، و لن تستجيب دعوة فاني أسألك بحق الشيخ يعقوب فارحم
ضعفه و اجمع بيني و بينه فقد علمت رفته على و شوقي إليه؛

قال: ثم بكى أبو عبد الله " عليه السلام " ثم قال: و أنا أقول:

اللهم ان كانت الخطايا و الذنوب قد أخلقت وجهي عندك فلن ترفع لي إليك صوتا و لن تستجيب دعوة فاني أسألك بك فليس كمثلك شئ. و أتوجه
إليك بمحمد نبيك نبي الرحمة يا الله يا الله يا الله؛

قال: ثم قال أبو عبد الله " عليه السلام ": قولوا هذا و أكثروا منه فاني كثيرا ما أقوله عند الكرب العظام .(روضه الواعظين، فتال نيشابوری، ۲۲۸)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

تجلی تسبیح و استغفار در سیره اهل توبه و اهل ایمان، مدیران و رهبران جامعه:

❖ عذر خواهی و توبه و تسبیح خونین «سحره» رهبران فرهنگی بت پرستان، خط شکنان و پیشتازان راه حق!!

▪ «وَأَلْقَى السَّحْرَةَ سَاجِدِينَ؛ قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ؛ رَبِّ مُوسَى وَ هَارُونَ؛

قَالَ فِرْعَوْنُ آمَنْتُمْ بِهِ قَبْلَ أَنْ آدَنَ لَكُمْ إِنَّ هَذَا لَمَكْرٌ مَكْرْتُمُوهُ فِي الْمَدِينَةِ لِتُخْرِجُوا مِنْهَا أَهْلَهَا فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ؛

لَأَقْطِعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِنْ خِلَافٍ ثُمَّ لَأَصْلَبَنَّكُمْ أَجْمَعِينَ؛

قَالُوا إِنَّا إِلَى رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ؛ وَمَا نَنفَعُ مِمَّا إِلَّا أَنْ آمَنَّا بِآيَاتِ رَبِّنَا لَمَّا جَاءَتْنَا رَبَّنَا أَفِرْعُ عَلَيْنَا صَبْرًا وَتَوَقَّفْنَا مُسْلِمِينَ» (اعراف/ ۱۲۱-۱۲۶)

▪ «فَتَوَلَّى فِرْعَوْنُ فَجَمَعَ كَيْدَهُ ثُمَّ أَتَى؛ قَالَ لَهُمْ مُوسَى: وَيْلَكُمْ لَا تَفْتَرُوا عَلَيَّ اللَّهُ كَذِبًا فَيُسْحِتَكُمْ بِعَذَابٍ وَقَدْ خَابَ مَنْ افْتَرَى؛

فَتَنَازَعُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ وَأَسْرُوا النَّجْوَى؛ قَالُوا إِنَّ هَذَانِ لَسَاحِرَانِ يُرِيدَانِ أَنْ يُخْرِجَاكُم مِّنْ أَرْضِكُمْ بِسِحْرِهِمَا وَيَذْهَبَا بِطَرِيقِكُمُ الْمُثَلَى؛

فَأَجْمِعُوا كَيْدَكُمْ ثُمَّ آتُوا صَفًّا وَفَدَّ أَفْلَحَ الْيَوْمَ مَنِ اسْتَعْلَى؛

قَالُوا: يَا مُوسَى إِمَّا أَنْ تُلْقِيَ وَإِمَّا أَنْ نَكُونَ أَوْلَ مَنْ أَلْقَى؛ قَالَ بَلْ أَلْعُوا فَإِذَا حِبَالُهُمْ وَ عَصِيْبُهُمْ يُحَيِّلُ إِلَيْهِ مِنْ سِحْرِهِمْ أَنَّهَا تَسْعَى؛

فَأَوْحَسَ فِي نَفْسِهِ خِيفَةَ مُوسَى؛ فُلْنَا لَا تَخَفُ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلَى؛ وَ أَلْقَى مَا فِي يَمِينِكَ تَلْقَفَ مَا صَنَعُوا إِنَّمَا صَنَعُوا كَيْدٌ سَاحِرٍ؛ وَ لَا يُغْلِحُ السَّاحِرُ حَيْثُ أَتَى؛

فَأَلْقَى السَّحْرَةَ سُجَّدًا قَالُوا: آمَنَّا بِرَبِّ هَارُونَ وَ مُوسَى؛

قَالَ آمَنْتُمْ لَهُ قَبْلَ أَنْ آدَنَ لَكُمْ إِنَّهُ لَكَبِيرُكُمُ الَّذِي عَلَّمَكُمُ السِّحْرَ فَلَأَقْطِعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَ أَرْجُلَكُمْ مِنْ خِلَافٍ وَ لَأَصْلَبَنَّكُمْ فِي جُدُوعِ النَّخْلِ وَ لَتَعْلَمُنَّ إِنَّا أَشَدُّ عَذَابًا وَ أُنْفَى؛

قَالُوا: لَنْ نُؤْتِرَكَ عَلَيَّ مَا جَاءَنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَ الَّذِي فَطَرَنَا فَافْضِ مَا أَنْتَ قَاضٍ إِنَّمَا تَفْضِي هَذِهِ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا؛

إِنَّا آمَنَّا بِرَبِّنَا لِيَغْفِرَ لَنَا خَطَايَانَا وَ مَا أَكْرَهْتَنَا عَلَيْهِ مِنَ السِّحْرِ وَ اللَّهُ خَيْرٌ وَ أُنْفَى» (طه/ ۶۰-۷۳)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

▪ فَلَمَّا جَاءَ السَّحْرَةَ قَالُوا لِفِرْعَوْنَ أَإِنَّا لَنَأْجُرُّكَ إِنَّا لَنُحْنُ الْعَالِيْنَ؛ قَالَ نَعَمْ وَإِنَّكُمْ إِذَا لَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ؛

قَالَ لَهُمْ مُوسَى أَلْقُوا مَا أَنْتُمْ مُلْقُونَ؛ فَأَلْقَوْا حِبَالَهُمْ وَعِصِيَّهُمْ وَقَالُوا: بَعِزَّةٌ فِرْعَوْنَ إِنَّا لَنَحْنُ الْعَالِبُونَ؛

فَأَلْفَى مُوسَى عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ؛ فَأَلْفَى السَّحْرَةَ سَاجِدِينَ؛ قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ؛ رَبِّ مُوسَى وَهَارُونَ؛

قَالَ آمَنْتُمْ لَهُ قَبْلَ أَنْ آذَنَ لَكُمْ إِنَّهُ لَكَبِيرُكُمُ الَّذِي عَلَّمَكُمُ السِّحْرَ فَلَسَوْفَ تَعْلَمُونَ لَأَقْطَعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِنْ خِلَافٍ و لَأُصَلِّبَنَّكُمْ أَجْمَعِينَ؛

قَالُوا: لَا ضَيْرَ إِنَّا إِلَى رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ؛ إِنَّا نَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لَنَا رَبُّنَا خَطَايَانَا أَنْ كُنَّا أَوَّلَ الْمُؤْمِنِينَ» (شعراء/ ۲۱-۵۱)

❖ عذر خواهی ملکه سبا و تبعیت از حضرت سلیمان(ع):

«قَالَتْ: يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ! إِنِّي أُلْقِيَ إِلَيَّ كِتَابٌ كَرِيمٌ؛ إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ و إِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ؛ أَلَا تَعْلَمُونَ عَلَيَّ و أُتُونِي مُسْلِمِينَ ...

قال: نَكِّرُوا لَهَا عَرْشَهَا نَنْظُرْ أَتَهْتَدِي أَمْ تَكُونُ مِنَ الَّذِينَ لَا يَهْتَدُونَ؛ فَلَمَّا جَاءَتْ قِيلَ أَهَكَذَا عَرْشُكَ قَالَتْ: كَأَنَّهُ هُوَ و أُوتِينَا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهَا و كُنَّا مُسْلِمِينَ؛ و صَدَّهَا مَا كَانَتْ تَعْبُدُ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنَّهَا كَانَتْ مِنْ قَوْمٍ كَافِرِينَ؛ قِيلَ لَهَا ادْخُلِي الصَّرْحَ فَلَمَّا رَأَتْهُ حَسِبَتْهُ لُجَّةً و كَشَفَتْ عَنْ سَاقِهَا قَالَتْ إِنَّهُ صَرْحٌ مُمَرَّدٌ مِنْ

قَوَارِيرَ قَالَتْ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي و أَسْلَمْتُ مَعَ سُلَيْمَانَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (نمل/ ۲۹-۲۴)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر»

❖ عذر خواهی و تسبیح ابودر:

▪ «و عنه عن أبي بصير قال سمعت أبا جعفر ع يقول: إن أبا ذر قال لرجل على عهد رسول الله (ص): يا بن السوداء!

قال: فقال رسول الله (ص): تعيره بأمه؟! قال: فلم يزل أبو ذر يمرغ رأسه و وجهه في التراب حتى رضی عنه رسول الله (ص):

(الاصول الستة عشر، اصل عاصم بن حميد، ٢٩، مستدرک، ١٥ / ١٢٣؛ جامع احاديث، ٢١ / ٢٤٩)

▪ «قال النبي (صلى الله عليه و آله و سلم) : «من سرّه أن ينظر إلى تواضع عيسى بن مريم فلينظر إلى أبي ذر!» (اسد الغابه، ٥ / ١٨٦؛

بحار الانوار، ٢٢ / ٢٢٠)

❖ عذر خواهی و توبه خونين حر بن يزيد رياحی:

▪ ... فقال الحسين عليه السلام للحر : **تكلتك أمك! ما تريد؟** فقال له الحر : أما لو غيرك من العرب يقولها لي و هو على مثل الحال التي أنت عليها ما تركت ذكر أمه بالمثل كائنا من كان، و لكن و الله ما لي من ذكر أمك من سبيل إلا بأحسن ما نقدر عليه». (بحار الانوار، ٢٤ / ٣٧٧)

«... فأخذ يدنو من الحسين قليلا قليلا ، فقال له مهاجر بن أوس :.. فما هذا الذي أرى منك ؟ فقال له الحر : **إني و الله أخير نفسي بين الجنة و النار ، فوالله لا أختار على الجنة شيئا و لو قطعت و أحرقت؛** ثم ضرب فرسه فلاحق الحسين عليه السلام فقال له : جعلت فداك يا ابن رسول الله أنا صاحبك الذي حبستك عن الرجوع ، و ساپرتك في الطريق ، و جعجت بك في هذا المكان ، و ما ظننت أن القوم يردون عليك ما عرضته عليهم ، و لا يبلغون منك هذه المنزلة ، و الله لو علمت أنهم ينتهون بك إلى ما أرى ما ركبت مثل الذي ركبت ، **و أنا تأب إلى الله مما صنعت ، فترى لي من ذلك توبة؟** فقال له الحسين عليه السلام : **نعم يتوب الله عليك** فأنزل فقال : أنا لك فارسا خير مني راجلا أقاتلهم على فرسي ساعة ، و إلى النزول ما يصير آخر أمري ، فقال له الحسين عليه السلام: **فاصنع يرحمك الله ما بدا لك** . (بحار الانوار، ٢٥ / ١١)

▪ «قال : ف ضرب الحر بن يزيد فرسه ، و جاز عسكر عمر بن سعد (لعنه الله) إلى عسكر الحسين (عليه السلام) ، واضعا يده على رأسه ، و هو

يقول: اللهم إليك أنيب فتب علي ، فقد أرعبت قلوب أوليائك و أولاد نبيك؛ يا بن رسول الله ، هل لي من توبة؟ قال: نعم تاب الله عليك؛

قال: يا بن رسول الله، أتأذن لي فأقاتل عنك؟ فأذن له ، فبرز ... فقتل منهم ثمانية عشر رجلا ، ثم قتل ، فأتاه الحسين (عليه السلام) و دمه يشخب

، فقال (ع) : **بخ بخ يا حر ، أنت حر كما سميت في الدنيا و الآخرة...**» (امالی صدوق، ٢٢٢)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

❖ عذر خواهی و تسبیح شب زنده داران اهل قران:

«الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا إِنَّنا آمَنَّا فَاغْرِ لنا ذُنُوبنا و فِنا عَذابَ النَّارِ؛ الصَّابِرِينَ و الصَّادِقِينَ و الْقَانِتِينَ و الْمُنْفِعِينَ و الْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحارِ» (آل عمران/ ۱۶- ۱۷)

«إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ و الْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ و النَّهَارِ لآيَاتٍ لِأُولِي الْأَلْبَابِ؛ الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيامًا و قُعُودًا و عَلى جُنُوبِهِمْ و يَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ و الْأَرْضِ؛ رَبَّنَا ما خَلَقْتَ هَذا باطلاً سُبْحانَكَ فِنا عَذابَ النَّارِ؛... رَبَّنَا فَاغْرِ لنا ذُنُوبنا و كَفِّرْ عَنّا سَيِّئاتِنا و تَوَفِّنا مَعَ الْأَبْرارِ» (آل عمران/ ۱۹۱- ۱۹۰)

▪ «قُلْ آمَنُوا بِهِ أَوْ لا تُؤْمِنُوا إِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهِ إِذا بُتِلَى عَلَيْهِمْ يَجْرُونَ لِلأَذقانِ سُجَّدًا؛ و يَقُولُونَ: سُبْحانَ رَبِّنا إِنْ كانَ وَعْدُ رَبِّنا لَمَفْعُولًا؛ و يَجْرُونَ لِلأَذقانِ يَبْكُونَ و يَزِيدُهُمْ خُشوعًا» (اسراء/ ۱۰۷- ۱۰۹)

❖ عذر خواهی و تسبیح باغداران خطاکار:

▪ «و لَولا إِذِ سَمِعْتُمُوهُ قُلْتُمْ: ما يَكُونُ لنا أَنْ نَتَكَلَّمَ بِهَذا سُبْحانَكَ هَذا بُهتانٌ عَظيمٌ» (نور/ ۱۶)

▪ «إِنا بَلَوناهُمْ كَما بَلَونا أَصحابَ الْجَنَّةِ إِذِ أَقْسَمُوا لَيَصْرِمُنَّها مُصِحِّينَ؛ و لا يَسْتَشْنُونَ؛ فَطَافَ عَلَیها طائِفٌ مِنْ رَبِّكَ و هُمْ نائمُونَ؛ فَأَصْبَحَتْ كَالصَّارِمِ؛ فَتَنادَوْا مُصِحِّينَ؛ أَنْ اعْدُوا عَلَی حَرِّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صارِمِينَ؛ فَانطَلَقُوا و هُمْ يَتَخَفَتُونَ؛ أَنْ لا يَدْخُلَها اليَوْمَ عَلَيْكُمْ مَسْكِينٌ؛ و عَدُوا عَلَی حَرِّ قَادِرِينَ؛ فَلَمَّا رَأَوْها قالُوا: إنا لَصالُونَ؛ بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ؛ قالَ أوسطُهُمْ: ألمْ أَقُلْ لَكُمْ لَولا تُسَبِّحُونَ؛ قالُوا: سُبْحانَ رَبِّنا إنا كُنَّا ظالمِينَ؛ فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَی بَعْضٍ يَتَلَوْمُونَ؛ قالُوا: يا وَيْلَنا إنا كُنَّا طاغِينَ؛ عَسَى رَبِّنا أَنْ يُبَدِّلَنا خَيرًا مِنْها إنا إِلى رَبِّنا راعِبُونَ؛ كَذَلِكَ العَذابُ و لَعَذابُ الآخِرَةِ أَكْبَرُ لو كانُوا يَعْلَمُونَ» (القلم، ۱۷- ۲۳)

❖ عذر خواهی و تسبیح بهشتیان:

▪ «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا و عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ يَهْدِيهِمْ رَبُّهُم بِإِيمانِهِمْ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الأنهارُ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ؛ دَعْوِيهِمْ فِيها سُبْحانَكَ اللَّهُمَّ و تَحِيَّاتُهُمْ فِيها سَلامٌ و آخِرُ دَعْوِيهِمْ أَنْ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِينَ» (يونس/ ۹- ۱۰)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

تلازم استغفار و عذر خواهی مدیریت اسلامی از اعمال خود، با نظارت و کنترل و نقد گفتار و رفتار منسوبین به خود و کارگزاران حکومتی خود:

❖ نقد عرفانی:

➤ سیره حضرت موسی(ع) با برادر خود:

قَالَ يَا هَارُونَ مَا مَنَعَكَ إِذْ رَأَيْتَهُمْ ضَلُّوا؛ أَلَا تَتَّبِعُنِي أَفَعَصَيْتَ أَمْرِي؛

قَالَ يَا ابْنَ أُمَّ لَا تَأْخُذْ بِلِحْيَتِي وَلَا بِرَأْسِي إِنِّي خَشِيتُ أَنْ تَقُولَ فَرَّقْتَ بَيْنَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَلَمْ تَرْقُبْ قَوْلِي» (طه/۹۲-۹۴)

«وَلَمَّا رَجَعَ مُوسَى إِلَى قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا قَالَ بِئْسَمَا خَلَفْتُمُونِي مِنْ بَعْدِي أَعَجَلْتُمْ أَمْرَ رَبِّكُمْ وَ أَلْقَى الْأَلْوَاحَ وَ أَخَذَ بِرَأْسِ أَخِيهِ يَجُرُّهُ إِلَيْهِ قَالَ ابْنَ أُمَّ إِنَّ الْقَوْمَ اسْتَضَعُّونِي وَ كَادُوا يَقتُلُونِي فَلَا تَشْمِتْ بِي الْأَعْدَاءَ وَ لَا تَجْعَلْنِي مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ؛

قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَ لِأَخِي وَ أَدْخِلْنَا فِي رَحْمَتِكَ وَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ» (اعراف/۱۵۰-۱۵۱)

❖ نقد فقهی حقوقی و اخلاقی:

➤ عذر خواهی همسر عزیز مصر (زلیخا):

«... قَالَتِ امْرَأَةُ الْعَزِيزِ: الْآنَ حَصْحَصَ الْحَقُّ أَنَا رَاوِدْتُهُ عَنْ نَفْسِهِ وَ إِنَّهُ لَمِنَ الصَّادِقِينَ؛ ذَلِكَ لِيَعْلَمَ أَنِّي لَمْ أَخْنُهِ بِالْغَيْبِ وَ أَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي كَيْدَ الْخَائِنِينَ؛

وَ مَا أَتْرِكُ نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ» (يوسف/۵۱-۵۲)

➤ عذر خواهی برادران یوسف(ع):

«قَالُوا تَاللَّهِ لَقَدْ آتَرَكَ اللَّهُ عَلَيْنَا وَ إِنْ كُنَّا لَخَاطِئِينَ؛ قَالَ لَا تَثْرِيبَ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ يَغْفِرُ اللَّهُ لَكُمْ وَ هُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ» (يوسف/۹۱-۹۲)

«... قَالُوا يَا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ؛ قَالَ سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ» (يوسف/۹۷-۹۸)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

➤ سیره حضرت سلیمان (ع) با هدهد:

«و تَفَقَّدَ الطَّيْرَ فَقَالَ: مَا لِيَ لَا أَرَى الْهُدْهُدَ أَمْ كَانَ مِنَ الْغَائِبِينَ؛ لَأُعَذِّبَنَّهُ عَذَابًا شَدِيدًا أَوْ لَأَذْبَحَنَّهُ أَوْ لِيَأْتِيَنِّي بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ؛

فَمَكَتَ غَيْرَ بَعِيدٍ فَقَالَ أَحَطْتُ بِمَا لَمْ تُحِطْ بِهِ وَ جِئْتُكَ مِنْ سَبَإٍ بِنَبَأٍ يَقِينٍ» (نمل/ ۲۰-۲۲)

➤ سیره الهی با همسران پیامبر(ص):

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجِكَ إِن كُنْتُنَّ تُرِدْنَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَ زِينَتَهَا فَتَعَالَيْنَ أُمَتِّعَنَّ وَ أَسْرُخُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا؛ وَ إِن كُنْتُنَّ تُرِدْنَ اللَّهَ وَ رِسُولَهُ وَ الدَّارَ الْآخِرَةَ فَإِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْمُحْسِنَاتِ مِنْكُنَّ أَجْرًا عَظِيمًا؛ يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ مَنْ يَأْتِ مِنْكُنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ يُضَاعَفْ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ وَ كَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا؛ وَ مَنْ يَفْعَلْ مِنْكُنَّ لِلَّهِ وَ رِسُولِهِ وَ تَعْمَلْ صَالِحًا نُوتِهَا أَجْرَهَا مَرَّتَيْنِ وَ أَعَدْنَا لَهَا رِزْقًا كَرِيمًا؛ يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ...» (احزاب/ ۲۸-۳۲)

➤ عذر خواهی و توبه سنگین اصحاب متمرذ از حضور در جبهه جنگ:

«وَ عَلَى الثَّلَاثَةِ الَّذِينَ خَلَفُوا حَتَّى إِذَا ضَاقَتْ عَلَيْهِمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ وَ ضَاقَتْ عَلَيْهِمْ أَنْفُسُهُمْ وَ ظَنُّوا أَنَّهُ لَا مَلْجَأَ مِنَ اللَّهِ إِلَّا إِلَيْهِ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ لِيَتُوبُوا

إِنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ؛ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ» (نوبه/ ۱۱۸-۱۱۹)

➤ عذر خواهی و نقد عزیز مصر از رفتار همسر خود!:

▪ «وَ قَالَ الَّذِي اشْتَرَاهُ مِنْ مِصْرَ لِامْرَأَتِهِ أَكْرَمِي مَثْوَاهُ عَسَىٰ أَنْ يَنْفَعَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَلَدًا وَ كَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ وَ لِنُعَلِّمَهُ مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ وَ اللَّهُ غَالِبٌ عَلَىٰ أَمْرِهِ؛ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» (يوسف/ ۲۱)

▪ «يوسف اعرض عن هذا و استغفرى لذنبك؛ انك كنت من الخاطئين» (يوسف/ ۲۹)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر»

➤ سیره امیر مومنان (ع) با منسوبین و کارگزاران:

✓ نقد و برخورد با دختر خود، ام کلثوم، و کارگزار خود:

«محمد بن الحسن باسناده عن علی بن ابراهیم عن ابیه عن الحجال عن صالح بن السندي عن الحسن بن محبوب عن عبد الله بن غالب عن ابیه عن سعید بن المسیب عن علي بن أبي رافع قال:

كنت علی بیت مال علي بن أبي طالب علیه السلام و كاتبه، و كان في بيت ماله عقد لؤلؤ كان اصابه يوم البصرة؛

قال: فأرسلت إلي بنت علي بن أبي طالب علیه السلام فقالت لي: بلغني أن في بيت مال أمير المؤمنين علیه السلام عقد لؤلؤ و هو في يدك و أنا أحب ان تعيرنيه أتجمل به في أيام عيد الأضحى، فأرسلت إليها (و قلت: نسخه بحار) عارية مضمونة مردودة يا بنت أمير المؤمنين؟ فقالت: نعم عارية مضمونة مردودة بعد ثلاثة أيام فدفعته إليها؛

و ان أمير المؤمنين علیه السلام رآه عليها فعرفه، فقال لها: من أين صار إليك هذا العقد؟ فقالت: استعرت من علي بن أبي رافع خازن بيت مال أمير المؤمنين لاتزين به في العيد ثم أردته. قال: فبعث إلي أمير المؤمنين علیه السلام فجنته فقال لي: **أتخون المسلمين يا ابن أبي رافع؟**

فقلت له: معاذ الله ان أخون المسلمين. فقال: **كيف أعرت بنت أمير المؤمنين العقد الذي في بيت مال المسلمين بغير اذني و رضاهم!؟**

فقلت: يا أمير المؤمنين انها ابنتك و سألتني ان أعيرها إياه تتزين به فأعرتها إياه عارية مضمونة مردودة فضمنته في مالي و علي ان أردته سليما إلى موضعه.

قال: **فرده من يومك و إياك ان تعود لمثل هذا فتناك عقوبتي. ثم قال: أولى لابنتي لو كانت اخذت العقد على غير عارية مضمونة مردودة لكانت إذن أول هاشمية قطعت يدها في سرقة!**

قال: فبلغ مقالته ابنته فقالت له: يا أمير المؤمنين انا ابنتك و بضعة منك فمن أحق بلبسه مني؟

فقال لها أمير المؤمنين علیه السلام: يا بنت علي بن أبي طالب لا تذهبن بنفسك عن الحق أكل نساء المهاجرين تتزين في هذا العيد بمثل هذا؟ قال: فقبضته منها ورددته إلى موضعه". (تهذيب الاحكام، طوسی، ۱۵۱/۱۰-۱۵۲، بحارالانوار، مجلسی، ۲۳۸/۴۰)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر»

✓ عدل علوی در نقد و برخورد با برادر خود با وجود فقر و نیاز:

«و ذکر عمرو بن علاء، أن عقیلاً لما سأل عطاءه من بیت المال قال له أمير المؤمنین عیبه السلام: تقیم إلى یوم الجمعة، فأقام فلما صلی أمير المؤمنین الجمعة قال لعقیل: ما تقول فیمن خان هؤلاء أجمعین؟ قال: بنس الرجل ذاك، قال: فأنت تأمرنی أن أخون هؤلاء و أعطیک.».

(بحار الانوار، ۴۱/ ۱۱۴)

«والله لأن أبيت على حسك السعدان مسهداً - أو أجر في الأغلال مصعداً - أحب إلي من أن ألقى الله ورسوله يوم القيامة ظالماً - لبعض العباد - وغاصباً لشيء من الخطام - وكيف أظلم أحداً لنفسي يسرع إلى البلى فقولها - ويطول في الثرى حلولها -

والله لقد رأيت عقيلاً وقد أملق - حتى استمأخني من برکم صاعاً - ورأيت صبيانه شعث الشعور غير الألوان من فقرهم - كأنما سودت وجوههم بالعظم - وعاودني مؤكداً وكرر علي القول مردداً - فأصغيت إليه سمعي فطن أبي أبيعه ديني - وأتبع قياده مفارقاً طريقي - فأخمت له حديدة ثم أدتنيها من جسمه ليغتنر بها - فضج ضحيج ذي دنف من ألمها - وكاد أن يحترق من ميسمها - فقلت له تكلنك التواكل يا عقيل - أتئن من حديدة أحماها إنسانها للعبه - وتجرتني إلى نار سجرها جبارها لغضبه - أتئن من الأذى ولا أتئن من لظى... والله لو أعطيت الأقاليم السبعة بما تحت أفلاكها - على أن أعصي الله في نمله أسلبها جلب شعيرة ما فعلت...» (نهج، خطبه ۲۲۴).

✓ برخورد با برادر زاده خود، فرزند شهید بزرگ اسلام، جناب جعفر طیار، و همسر حضرت زینب کبری!:

«و روی هارون بن سعد قال عبد الله بن جعفر بن أبي طالب لعلي عليه السلام : يا أمير المؤمنين لو أمرت لي بمعونة أو نفقة فوالله مالي نفقة إلا أن أبيع دابتي ، فقال : لا والله ما أجد لك شيئاً إلا أن تأمر عمك أن يسرق فيعطيك!» . (بحار الانوار، ۴۱/ ۱۳۷)